

مرده ده آن زندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

انقلاب اسلامی

دَهْرَت

شماره ۷۵۴ از ۲۸ تیر تا ۱۰ مرداد ۱۳۸۹

رژیم در گرداب بحران

- ◀ راست و دروغهای مشفق حقایق مهم دیگری را آشکار و راه جنبش را مشخص می کند: ص ۴
- ◀ جنگ بر سر قدرت در درون سپاه: مقابله با مافیاهای نظامی - مالی: ص ۵
- ◀ از دست آموز شدن رؤسای جمهوری امریکا توسط اسرائیل تا تحول افکار عمومی امریکا: ص ۷
- ◀ اقتصاد ورمی شکند زیرا ملت صاحب خانه نیست و همسایه ها صاحب خانه اومی شوند: ص ۸
- ◀ فهرست اسامی اعضای مافیاهای که از رهگذر استبداد ملاتاریا، از انقلاب بدین سو، تشکیل شده اند - ۹: ص ۱۰
- ◀ اعدام به جرم محاربه و کشتن به جرم اعتراض به سنگینی مالیات و سانسور و...: ص ۱۱

انقلاب اسلامی: ورشکستگی رژیم در عین حال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. بحرانها که می ساخت اینک در میانش گرفته اند. خامنه ای و احمدی نژاد در حالی گرفتار گرداب بحرانها خود ساخته شده اند، که نه می توانند باهم باشند و نه می توانند باهم نباشند. دو گزارش که فصلهای اول و دوم این مجموعه را تشکیل می دهند، وضعیت این دو را بطور خاص و وضعیت رژیم را بطور عام، روشنتر در معرض دید خوانندگان گرامی قرار می دهند.

در فصل سوم، قسمت دوم تحقیق در باره دست آموز شدن رؤسای جمهوری امریکا توسط اسرائیل را از نظر خوانندگان می گذرانیم. خوانندگان می توانند رابطه اسرائیل را بمثابه ساخته غرب و شوروی سابق با امریکا، با وضعیت مافیاهای نظامی - مالی که ساخته ملاتاریا هستند، مقایسه کند. سخت آموزنده است. از این نظر که ساخته زور سرانجام بکاربرندگان زور را به خدمت خویش در می آورد.

وضعیت اقتصادی کشور همچنان رو به وخامت است. داده ها و اطلاعات اقتصادی که، با وجود سانسور، انتشار یافته اند، حاکی از سخت تر شدن روز به روز وضعیت اقتصادی می کنند. در فصل چهارم، یکچند از این داده ها و اطلاع ها را گرد آورده ایم. در فصل پنجم، قسمتی دیگر از فهرست اسامی اعضای مافیاهای نظامی - مالی را به اطلاع خوانندگان رسانده ایم و در فصل ششم خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را گرد آورده ایم که در نشان دادن شدت قساوت در تجاوزگری رژیم، حکم مشت نمونه خروار را دارند.

در صفحه ۴

پاسخ به پرسشهای ایرانیان:

ابوالحسن بنی صدر

خود خویشان را رهبری کردن

بنام خدا

با درود فراوان خدمت شما استاد بزرگوار. چندی است که بانوشته های شما شخصیت شما وزندگی شما آشنا شدم و دریافتم که شما نماینده ای به حق بودید هستید وانشاء الله همواره خواهید بود و آرزوی من همواره این خواهد بود که شما را از نزدیک دیدار کنم. کاش دست استبداد وستمگری گلی چون شما را از جامعه ی ایران و همچنین مسلمانان نچیده بود و در این سالها همه ی مردم می توانستند از شما بهره ببرند و بسیاری از کج فهمی ها و انحرافات و نادانی ها از جامعه برچیده می شد و مردم می توانستند با راهنمایی های شما حقوق خود را باز یابند. قصد ندارم وقت گرانبهای شما استاد عزیز را بگیرم.

ولی پرسشهایی دارم که جز شما را یارای پاسخ گفتن به آنها نیافتم. پرسش های من به دو بخش دینی و پرسش های متفرقه تقسیم می شوند و بی ادبی مرا ببخشید که از شما درخواست می کنم که پاسخ ها را هرچه زودتر در سایت قرار دهید زیرا این پرسش ها پرسش های افراد زیادی است که منتظر پاسخ اند. حال به طرح پرسش ها می پردازم. نخست پرسشهای دینی را مطرح میکنم.

۱- شما در کتاب اصول راهنمای اسلام در بخش امامت درباره ی مصادیق امامت به ویژه آنگونه که تشیع قائل است سخن نگفتید. شما این مسئله را چگونه ارزیابی می کنید زیرا در تشیع به آیات و روایاتی استناد می گردد همانند آیات تطهیر و...

و روایاتی چون حدیث ثقلین، غدیر، جابر و... شما این مسئله را چگونه می بینید؟

۲- شما عبارت اشهد ان علیا ولی الله را در اذان چگونه می بینید و اساسا شما ولایت را چگونه تعریف می کنید و اگر در تشیع به ولایت امامان اعتقاد وجود دارد، چرا تنها به ولایت علی (ع) بسنده می گردد(در اذان)؟

در صفحه ۲

«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین

سالگرد تولد دکتر مصدق

زندگینامه دکتر محمد مصدق (۴)



جمال صفری

هنوز دو ماه از پایان جنگ جهانی اول نگذشته بود که در ژانویه ۱۹۱۹ لرد کرزن می خواست نقشه ای بلند پروازانه بعمل در آورد. از جمله اینکه تکلیف ایران را یکسره نموده این کشور را در لفافه به صورت تحت الحمايه انگلیس در آورد. در این هنگام مصر و افغانستان تحت الحمايه انگلیس بودند و قرار بود جامعه ملل قیومیت عراق و فلسطین (و اردن) را نیز به آن کشور واگذار کند. (۱)

«اواخر ۱۹۱۸ دولت انگلیس سالی ۳۰ میلیون لیره در ایران خرج می کرد که قسمت اعظم آن صرف تکه پاره ای قوای اشغالگر آن کشور در ایران می شد و بخشی دیگر صرف پرداخت کمک به دولت ایران و ارتش کوچکش یعنی بریکاد قزاق که دولت روسیه مسئولیت آن را قبلا به عهده داشت. علاوه بر آن انگلیسی ها از اوت ۱۹۱۸ / ذیقعد ۱۳۳۱ (ماهانه ۱۵ هزار تومان) معادل ۵ تا ۶ هزار لیره) به احمد شاه قاجار پرداخت می کردند. با این تفاهم که از وثوق الدوله رئیس الوزراء انگلیسی خواه حمایت کند و این پرداخت ها با ادامه حمایت احمد شاه از وثوق الدوله هم چنان ادامه داشت.» (۲)

بنابراین کرزن می خواست طرح خود را در ایران بوسیله میرزا حسن خان وثوق الدوله نخست وزیر وقت که انکلو فیل و مورد اعتماد انگلستان بود بعمل در آورد.

در صفحه ۱۲

فرید راستگو

عوامل بازسازی استبداد، بعد از انقلاب ۵۷

چه کسانی بودند؟ (۸)

همانطوریکه در شماره ۶ قول داده بودم مقدم بر این است تا بر خورد گروه های مختلف را نسبت به سپاه پاسداران توضیح دهم؛ تا سیه روی شود هر که در او غش باشد. در نوشته های قبلی چگونگی روند تشکیل دو ستون پایه استبداد (دادگاه ها و دادسراهای انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) را بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ با پیشنهاد آقای دکتر ابراهیم یزدی رهبر فعلی نهضت آزادی ایران را مستنداً توضیح دادم و گفته شد نظامهای استبدادی بدون ایجاد و یا احیاء ستون پایه های استبدادی قادر به ادامه بقا نیستند.

خمینی و یارانش با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دادگاههای انقلاب هم به سرکوب مخالفین و مردم پرداختند و هم با براه اندازی خشونت و خونریزی قدرت بلامنازع خود را بر ایران حاکم نمودند.

بدون پرداختن به بحث خشونت های سال های اول انقلاب راه برای گذار به دموکراسی باز نمی شود. چون یکی از خطوط اصلی مبحث مربوط به استقرار دموکراسی در ایران روشن

در صفحه ۱۵

خبرها که در مجموعه نخوانده اید

* رژیم مافیاهای، جبهه بر ضد بازار را نیز گشود:

◀ بازار در اعتراض به مالیات ۷۰ درصد تعطیل کرد. چرا که حکومت احمدی نژاد نرخ مالیات را تا ۷۰ درصد بالا برد و بعد از اعتصاب ناگزیر عقب نشینی کرد؟ سه دلیل از ایران گزارش شده اند:

● بعد از این که احمدی نژاد در مورد دانشگاه آزاد به هدف خود نرسید و تقصیر را از حزب مؤتلفه دانست، بر آن شد که در بازار، ضربه ای به مؤتلفه وارد کند. از قرار، موقع سنجی صحیحی برای وارد کردن ضربه، بعمل نیآورده بود. در بحران اقتصادی و بحبوحه کساد بازار، وضع مالیاتی چنین سنگین بمعنای تعطیل بازار است. اینست که بازاریان متحداً به مقابله برخاستند.

● اگر نه یک دوم، یک سوم کالاها که وارد کشور می شوند (۱۹ میلیارد دلار قاچاق) قاچاق هستند. این قاچاق را نیز سپاه و بسیج می کند. بالا بردن مالیات موجب گرانی کالاهایی می شود که با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی وارد کشور می شوند. در نتیجه، خریداران روی به خرید کالاهای قاچاق را بازهم بیشتر می کند.

در صفحه ۱۴



شما مسئله‌ی حجاب را چگونه می‌بینید شما در کتاب زن و زناشویی فرمودید زنان با حفظ موازین در پوشش آزادند. این موازین چیست و چگونه با موازین اسلام تعیین می‌گردد؟

۴- شما درباره‌ی تعدد زوجات در یکی از پاسخهایتان به یک دانشجوی فرمودید که خداوند نفی ابد کردند. (با به کار بردن لن) که شما توانایی اجرای عدالت را ندارید. چگونه می‌توان این پرسش را پاسخ داد که بر پایه‌ی قرآن پیامبر و امامان نیز عادل نبودند حال اگر فقط به بررسی چهره‌ی پیامبر بپردازیم، چگونه پاسخ داده می‌شود که پیامبر نیز عادل نبوده‌اند؟

۵- شما در آثارتان فرمودید که اگر قرآن را بر پایه‌ی موازین عینی عجمی بخواهیم، تضاد و دوگانگی نخواهیم داشت. شما بحث ناسخ و منسوخ و دوگانگی برخی آیات (مثلا خود قرآن در سوره‌ی آل عمران آیه‌ی هفتم آیاتش را به دو دسته‌ی محکومات و مشابهات تقسیم کرده است) را چگونه پاسخ می‌دهید؟

۶- بعضی همانند دکتر سروش معتقدند که برخی آیات و روایات متعلق به چهارده قرن پیش عربستانند. مثلا روایتی از حضرت فاطمه (س) که بهترین زنان کسی است که نامحرم او را نبیند که البته این روایت با سیره‌ی زندگانی آن حضرت نیز مغایر است. شما این پرسش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۷- برخی روایات گاه از پیامبر و امامان شنیده می‌شوند که با عقل سازگاری ندارند (برای نمونه در تاریخ بلعمی) شما بارها فرمودید که با قرآن بسنجیم (بر پایه‌ی حدیث و عقل) و سپس بپذیریم. حال با کسانی که از دید تاریخی به این موضوع نگاه می‌کنند چگونه باید پاسخ داد؟

۸- دیدگاه شما درباره‌ی عزاداری سرور شهیدان امام حسین (ع) چیست؟ آیا کلا مخالفید یا با تحریفات آن مخالفید و هدف آن را اساسا چه می‌دانید؟

۹- این که خداوند در سوره‌ی مومنون فرمودند که مومنین با زنان خود یا کنیزان ملکی خود رابطه دارند و اندامشان را از گناه حفظ می‌کنند حال برخی می‌گویند که آیا کنیز از حقوق انسانی برخوردار نیست که خداوند همچون مال درباره‌اش سخن گفته است و چرا خداوند آن و برده‌داری را لغو نکردند؟

۱۰- در جامعه‌ی کنونی ایران بحث در باره‌ی حمله‌ی اعراب به ایران و این که جنایاتی که در این حمله صورت گرفته، همانند کتابسوزی ها، به اسارت بردن ها و... و باعث دید بد مردم نسبت به اسلام شده و این که نقش حضرت علی (ع) و فرزندان ایشان چه بود؟ (مثلا این که گفته می‌شود امام حسین (ع) در یکی از روستا های گرگان قتل عام کردند) و این که ایشان به عمر در جنگ مشاوری فکری دادند یا مخالفتی کردند، آیا عمل به حق بوده است یا نه؟ نیز پاسخ خود را بفرمایید.

۱۱- شما بر پایه‌ی قرآن چه نوع پوششی را درست می‌دانید و حدود آن چیست؟ (در واقع فرق این پرسش با پرسش سوم در این است که در این پرسش، منظوم در یک جامعه‌ی اسلامی است).

۱۲- این که گفته می‌شود در فلسفه‌ی جدید رایج در عرب، خدا از راه عقلی اثبات نشدنی است آیا صحت دارد و پاسخ چیست؟

۱۳- بنا بر قرآن، خداوند به پیامبر فرمودند که تو مسئول هدایت آنان (کفار و مشرکین) نیستی و وظیفه‌ی تو ایلاست. حال حدودی که خداوند در رابطه‌ی با زنا و شربخواری و ... تعیین کردند و این که به پیامبر

خود خویشان را رهبری کردن

فرمودند که رفت به کار نبرد، آیا نقض موازین عینی عجمی نیست؟

۱۴- شما فرمودید (در یکی از پاسخهایتان) که صلح امام حسن (ع) و پذیرش ولایت عهدی توسط امام (رضاع) عمل به حق است نه عمل به مصلحت لطفاً در این رابطه توضیح بفرمایید.

۱۵- این که گفته می‌شود امامان به بردگان خود حقوقی نمی‌دادند آیا صحت دارد که برده داشتند و حقوق نمی‌دادند و آیا این نقض حقوق انسانی خواهد بود؟

۱۶- شما فرمودید که واژه‌ی اولی الامر در آیه‌ی اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم به معنای همان منتخبان مردم است (اگر اشتباه نکرده باشم) ولی بیشتر مفسران شیعه معتقدند که منظور همان امامان دوازده گانه اند (بر پایه‌ی حدیث جابرو ...). و شما فرمودید این تفسیر با بقیه آیات تناقض دارد ولی خداوند بارها در قرآن نفی زور کرده اند ولی حق را نیز نمایان ساختند که مسلمانان راستین باید از آن پیروی کنند. ولی همانطور که حضرت علی (ع) پس از رحلت پیامبر هیچ گاه خود را به مردم تحمیل نکردند و همچنین همانند امام صادق (ع) که در پاسخ به ابومسلم خراسانی که پیشنهاد حکومت داده بود نامه‌ی پاره کردند و فرمودند که ما هیچ گاه خود را به مردم تحمیل نمی‌کنیم، حال من نمی‌فهمم که این بیان چه ایرادی دارد لطفاً توضیح کامل بفرمایید.

۱۷- چرا بیشتر پیامبران الهی در خاور میانه ظهور کرده اند و چرا مثلا در آفریقا و آمریکا در میان برخی اقوام که هنوز نیز عقاید آنحرافی دارند، پیامبری مبعوث نشده یا در شرق آسیا که شرایط همین گونه است؟

۱۸- پرسش دیگری که مطرح است این است که چرا ما دوازده امام داریم؟ برخی می‌گویند زیرا هدف خداوند با این تعداد انجام گرفته ولی اگر مثلا ما پانزده امام داشتیم باز هم همین پاسخ را می‌دادیم؟

۱۹- شما همواره در آثارتان تاکید دارید که روابط قرآن بر پایه‌ی موازین عینی عجمی است. حال این مسئله به وضوح در بسیاری از آیات دیده می‌شود ولی در پاره‌ای از آیات نیز همانند آیه شصت و پنج سوره‌ی نسا یا آیه‌ی سی و سه سوره‌ی مائده گویای دیده نمی‌شود (که در سوره‌ی نسا مسلمانان را به اطاعت بی‌چون و چرا از پیامبر فرا می‌خواند در حالی که در پاره‌ای از آیات، خداوند دستور به شورا داده اند و در سوره‌ی مائده که در مورد حکم محاربه است) نظر شما چیست؟

۲۰- این که در قرآن کریم شهادت یک مرد برابر شهادت چهار زن است را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این نمی‌تواند دلیل بر کمبود توانایی عقلی زنان باشد در حالی که شما در سخنرانی‌هایتان در ایران فرمودید که روایات این چنینی از پیامبر (ص) و علی (ع) با قرآن مطابقت ندارند و آنها را نپذیرفتید آیا فکر نمی‌کنید که این روایات سازگاری داشته باشند؟

۲۱- شما مهمترین اشکالات فقه را چه می‌بینید؟

۲۲- می‌دانیم که حضرت علی (ع) با پذیرش مردم و اصرار آنان خلافت را پذیرفتند و حتی از بیعت در جایی غیر از مسجد نیز خودداری فرمودند و به خواست مردم پذیرفتند اما خود، حضرت مالک اشتر را به فرمانداری مصر منصوب کردند که خواست مردم مصر معلوم نبود. آیا این بی‌توجهی به خواست مردم آن دیار نبوده است؟

۲۳- شما فرمودید که در ولایت فقیه نه دلیل در مجلس خبرگان یاد کردید. خواهشمندم دلایل را ذکر بفرمائید و بر پایه‌ی قرآن چه دلایلی در رد ولایت فقیه می‌توان ذکر کرد؟

۲۴- در دانشنامه‌ی آزاد (ویکی پدیا) نوشته شده است که شما هزینه‌ی بلیت هواپیمایی را که با آقای خمینی به ایران آمدید را با چک بلا محل پرداختید آیا صحت دارد؟

۲۵- عده‌ای به شما ایراد می‌گیرند که چرا دست آقای خمینی را بوسیدید و این کار را از شما بعید می‌دانستند. نظر خودتان چیست؟

۲۶- از شما خواهشمندم که در باره‌ی تحصیلات خود در ایران و در فرانسه توضیح بفرمایید.

۲۷- شما سیاست اقتصادی خود را در جریان خانه‌های بنی صدری آیا درست می‌دانید؟ لطفاً توضیح بفرمائید.

۲۸- شما فرمودید که در رابطه‌ی انقلاب فرهنگی به احمد خمینی گفتید که ما برای چه دانشگاه را تعطیل کنیم؟ مگر نمی‌گفتیم شاه بجای دانشگاه زندان می‌سازد ولی خود شما در دانشگاه تهران گفتید که دانشگاه‌ها تا اسلامی شدن تعطیلند. آیا این تناقض نیست؟

۲۹- یکی از اندیشه‌هایی که در جامعه‌ی امروز ایران دیده می‌شود، این است که ابر قدرت‌ها در انقلاب ایران نقش ایفا کردند (مثلا نقش دکتر بقایی و رفتن او به قم و متقاعد کردن علما برای دادن مرجعیت به آقای خمینی و همین طور نقش حسن آیت در تصویب ولایت فقیه و توطئه چینی علیه شما و ...). و این که چون بیشتر کشور های جهان سوم سوژه مسلمانان در جوامعی استبدادی زندگی می‌کنند، پس حتی اگر ما در این جنبش پیروز شویم، باز با نقشه‌های ابر قدرت‌ها شکست خواهیم خورد نظر شما چیست؟

۳۰- این که گفته می‌شود شما در هیچ کدام از عملیات هایتان در جنگ پیروز نبودید، آیا صحت دارد؟

۳۱- در کتاب ایستاده بر آرمان نوشته شده است زمانی شما هدف سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و غرب بودید که شما را از بین ببرند. اگر صحت دارد دلایل چه بوده است؟

۳۲- استاد چرا آیات زیبای سوره‌ی انقلاب اسلامی همواره در بالای صفحه‌ی نخست درج می‌شود در طراحی جدید (سایت انقلاب اسلامی) از آن اثری نیست؟

از این که وقت گرانبهای شما را می‌گیرم پوزش می‌خواهم واز شما سپاسگزارم. اگر در پرسش‌ها منطقی صوری را راه و روش ساختن آن نادانی من است و شما با بزرگواری خود مرا بیخشنید. به علاوه همه‌ی پرسش‌های بالا، پرسش‌های من نیست. وجود ما سرشار از محبت شماست. به نمایندگی جمعی از دوستداران شما.

* پاسخها به پرسشها:

به بسیاری از پرسشها، پیش از این پاسخ داده‌ام. بخصوص در پاسخها به پرسشهای آقای دکتر حسن رضایی که قرار است کتاب شود با عنوان «بیان آزادی» و در اختیار ایرانیان قرار گیرد. با وجود این، پرسش کنندگان گرامی می‌توانند به سایت انقلاب اسلامی (از شماره ۶۹۴ تا ۷۱۳) و یا سایت بنی صدر رجوع کنند. با توجه به زمان در اختیار، به پرسشهای پاسخ می‌دهم که اگر هم تازگی نداشته باشند، اما یافتن پاسخهای درخور برای

«قدرت بر» بجوید، نوبت خلافت به دیگران نمی‌رسید.

۱/۶- شهادت بر این که علی ولی خدا است، هرگاه از رهگذر توجه به اسوه باشد (مؤمنان اولیاء خدا هستند)، اشکال بهم نمی‌زند. اما هرگاه از رهگذر قائل شدن به ولایت مطلقه باشد، شک است.

۳ و ۱۱- جمله‌ای را که در باره حجاب نقل کرده‌اید، از من نیست. از آقای خمینی در نوفل لوشاتو است. تعهدی بود که چون دیگر تعهدها شکست. در پایان فصل «حجاب اسلامی» کتاب زن و زناشویی قول او را آورده‌ام. پیش از او، توضیح داده‌ام که در قرآن، حجاب مقرر نگشته است. یعنی این شکل از حجاب که در طول زمان و از رهگذر مرد سالاری، پیدا شده و علامت دونی و تحت سلطه مرد بودن زن است (و همانطور که می‌بینید مقامات رژیم وقتی می‌خواهند مردی را تحقیر کنند می‌گویند حجاب زنان بر سر کرده است)، را قرآن مقرر نکرده است. خاطر نشان نیز کرده‌ام که دختر امام حسین (ع) و نوه ابوبکر حجاب نمی‌داشته‌اند.

پس از نقل قول او، در پایان، این جمله را آورده‌ام: «با اینهمه، آزادی و استقلال زن ایجاب می‌کند که با سبک اینهمانی نجوید».

در همان کتاب، به این امر باز پرداخته و توضیح داده‌ام که میزان اینست که زن خود را در «شئی جنسی» ناچیز نکند. هرگاه این میزان را رعایت کرد، در انتخاب نوع پوشش خود آزاد است. این میزان، در هر جامعه‌ای می‌تواند بکار رود. هم برای مرد و هم برای زن. هم اکنون، به قول فوکو، دیکتاتوری سبک برقرار شده است که بدترین نوع دیکتاتوری است. پس در همه جا، بیشتر زن، نیاز دارد به آزاد شدن از بند این دیکتاتوری.

۴- پاسخ به پرسش سوم شما، در کتاب «زن و زناشویی» به تفصیل داده شده است. در این جا، اختصار می‌کنم به این یادآوریها:

۱/۳- متنی قطعی الصدور در اختیار قرآن است. تاریخ همواره راستگو نیست. اغلب دروغگو نیز هست. زیرا تاریخ چنان نوشته می‌شود که نیاز قدرت را برآورد. در متن قرآن (آیه ۳ سوره نساء) لن بکار نرفته است. در آیه ۲۹ همان بکار رفته است. در کتاب «زن و زناشویی»، در فصل زن و زناشویی در اسلام و اسلام، (صفحات ۱۶۹ تا ۱۷۶) «تفسیر نمونه» را نقد کرده‌ام. بنا بر آن تفسیر، منظور از عدالت در آیه سوم، عدالت در نفقه است که مرد می‌تواند رعایت کند و بیشتر از یک همسر اختیار کند. آن عدالتی که نمی‌تواند رعایت کند، عدالت در تمایلات قلبی است. اما اولاً هر کس مراد از آیه ۱۲۹ تنها «تمایلات قلبی» می‌بود، سخن متناقضی می‌شد. زیرا وقتی در آغاز آیه تاکید می‌شود اگر بخواهید هرگز نمی‌توانید، دیگر چرا از آنها می‌خواهد یکی را از تمام میل خود برخوردار و دیگری را از تمام آن محروم نکند؟ ناشدنی را چرا از مرد می‌خواهد؟ هرگاه گفته شود چون می‌داند که مرد می‌تواند میل خود را نسبت به هر دو تعدیل کند، چنین مقرر فرموده است پس بی‌عدالتی را مقرر فرموده است آنهم در محبت، که بنا بر قرآن، اساس ازدواج است. اما تأمل در آیه، عقل آزاد را از روشی می‌آگاهاند که در این آیه، همانند آیه ۳ سوره نساء به مرد و زن می‌آموزد: بازگشت به تک همسری. راستی اینست که هم در این آیه مرد را به صلح کردن و تقوا می‌خواند و هم در آیه بعد می‌فرماید اگر جدا شدید، خداوند هر یک از شما را بی‌نیاز می‌کند و هم مقرر می‌کند وقتی فقدان عشق، همسری را ناممکن می‌کند، از یکدیگر جدا شوید. ثانیاً



خود خویشتن را رهبری کردن

آیه شمول دارد. هم ابراز علاقه و هم همخوابگی و هم گذران زندگی (نقحه) را در بر می گیرد. زیرا از مرد می خواهد میل شدید به یکی، او را بر آن ندارد که همسری با دیگری را به حال تعلیق در آورد. و ثالثاً عدالت میزان است و بدین خاطر اصلی از اصول راهنما است. نه تنها در همه رهنمودها میزان باید باشد، بلکه در آفرینش هر آفریده نیز این میزان باید بکار رفته باشد. به سخن دیگر، هرگاه یک انسان نتواند به دو همسر عشق برابر داشته باشد، وضع مقررات ناقص عدالت، با این اصل تناقض پیدا می کند. پس هم در ابراز علاقه و هم در نقحه و هم در رعایت منزلت و حقوق انسانی زن، عدالت یکسان میزان است. بخصوص که در آیه دیگری، خداوند به انسان هشدار می دهد به او دو دل نداده است.

۲/۱۳ - اما رفتار پیامبر (ص) و امامان (ع): در باره پیامبر، زندگی او در قرآن بازگو شده است و ما می دانیم همسران متعدد می داشته است. در یک آیه نیز از همسران پیامبر خواسته شده است میان ماندن در همسری پیامبر و یا ترک همسری او، انتخاب کنند. بنا بر آیه دیگری، دستور یافته است ازدواج دیگری نکند. این امر که زنان پیامبر (ص) حاضر به ترک همسری او نشدند، پاسخ پرسش شما است. با وجود این، یادآور می شوم که توجیه های در باره ازدواج های پیامبر (ص) با قرآن خوانائی ندارند. یکچند از آنها، از رهگذر منزلت بخشیدن به زن (بیر و بیوه و ازدواج کننده با شوهری مادون خود از نظر طبقاتی و...) و میاوزه با عرف و عادت در جامعه ها، از آن زمان تا این زمان بوده اند. با اینهمه، دستور عمومی قرآن تک همسری است. یعنی روش عمومی، ترک چند همسری در طول زمان است. توضیح این که در جامعه ها، چند همسری، به اشکال گوناگون، رواج داشته است و امروز نیز رواج دارد. مسیحیان نیز چند زنی را رواج دیدند. از زمانی بیعد، بنا بر تک همسری شد. اما تا امروز، چند همسری برجا است. یعنی روشی که کلیسا بکار برده، موفق نبوده است. روش در خور، بکار بستن مجموعه دستورها و ارتقاء منزلت زن و برخوردار شدنش از حقوق خویش و باز یافتن استقلال و آزادی است که ذاتی حیات او است.

هرگاه از این دید در رفتار آن بزرگواران بنگریم، آن را خلاف عدالت نمی یابیم. زیرا عمل به رهنمود قرآنی، الگو شدن در گذار از چند همسری به تک همسری می شود. ۵ و ۶ - به پرسش پنجم و ششم شما در پاسخ به پرسشهای آقای دکتر حسن رضائی به تفصیل پاسخ گفته ام. ۷ و ۱۲ - فراوان روایت از قول آن بزرگواران جعل شده اند. از این رو، امام صادق (ع) فرمود: قولهایی که به ما نسبت داده می شوند را به قرآن بسنجید. اگر خوانائی داشت بپذیرید و اگر نداشت، بزنیدش به دیوار (به دوش اندازید). هرگاه این قول نیز نبود، شما قاعده عمومی در اختیار دارید که از بدقابلی، ایرانیان بسیار کم بکار می برند. هم اکنون، «رهبر» را «فصل الخطاب» کرده اند با نقض آشکار قرآن (قول ها را بشنو و از بهترین آنها پیروی کن) و قاعده عمومی سنجیدن شخص به حق. پس کاری که باید کرد و هرگاه چه باورمند به اسلام و خواهی باور به آن، این کار را کنند، ایران کشور انسانهای مستقل و آزاد می شود، پیروی از قاعده سنجیدن شخص به حق است. طرحه این که بتوان مسلمانی می گوئیم: چون حق است خدا فرمود و نه چون خدا فرمود حق است. یعنی سخن را مستقل از کوبنده او می باید موضوع نقد کرد و از راه آزمودنش، نقد کرد.

● اما اینکه پرسیده اید آیا فیلسوفان غرب گفته اند وجود خدا را نمی توان اثبات کرد، خاطر نشان می کنیم که هرگاه شما می شنوید و یا می خوانید که «خدا هست» و باز می شنوید و یا می خوانید «خدا نیست»، این پرسش به ذهن شما می رسد که آیا خدا هست یا نیست. دلایل وجودش کدامها هستند و دلایل نبودش کدامها؟ فیلسوف انگلیسی می گوید استدلالها بر بودن خدا یا استدلالها بر نبودن خدا متساوی هستند. اما منطق صوری او را از واقعیت پس مهمی غافل کرده است: قائل شدن به یکی از این دو قول، نیاز به زور ندارد یعنی آدمی را در روابط قوا قرار نمی دهد و دیگری نیاز به زور دارد. بنا بر این، دروغ است. توضیح این که انسان وقتی می گوید: خدا هست، رابطه او با هستی محض هوشمند و... رابطه قوا نمی شود و انسان را در مقام خلیفه خدا، از تمام استقلال و آزادی خویش، برخوردار می کند. از این رو است که فرمود: خود را بتناس با خدایا بتناسی. اما زمانی که آدمی می گوید: خدا نیست، خود را با هستی متعین در رابطه قرار می دهد. زیرا خدا نیست یعنی هستی متعین و متعین جبر است. پس انسان تابع تقدیر جبار می شود. و از آنجا که تنها قدرت (= زور) خدا ایجاد می کند و رابطه ها را رابطه قوا می کند، تصدیق خدا نیست، تصدیق قدرت جبار هست می شود. اما انسان وقتی در خود تأمل می کند، در می یابد که استقلال و آزادی ذاتی حیات او هستند. حقوق دیگر انسان ذاتی او هستند. غفلت از استقلال و آزادی و حقوق خود، با غفلت از خدا و افتادن در بند روابط قوا، همراه است. حال شما فراموش کنید که این قول از این جانب است. قول را به آزمایش نقد کنید. هرگاه به این نتیجه رسیدید که غفلت از استقلال و آزادی و حقوق خویش همان غفلت از خدا و افتادن در بند روابط خود و گرفتار جبر شدن است، درستی استدلال و نیز نقد از راسل را صحیح یافته اید.

و چون از فیلسوفان غرب پرسیده اید، یادآور می شوم که اولاً سارتر را فیلسوف آزادی خوانده اند و او بر اینست که تنها عقل انسان است که می تواند از تعین بیرون رود. او بیرون رفتن از تعین را تعین آزادی می شمارد. بیرون از تعین نا متعین است. پس آزادی رابطه برقرار کردن با خدا می شود. چند نوبت، از جمله در نوبت پاسخ به پرسشهای آقای رضائی آرای سارتر را موضوع بحث قرار داده ام. و ثانیاً فیلسوفان منکر خدا و باورمند به اصالت ماده، به ضرورت جبرگرا هستند. هرگاه خود را جانبدار آزادی انسان بشمارند، خویشتن را گرفتار تناقضی حل ناکردنی کرده اند. و آنها هم که می گویند خدا هست و برای او، نماینده ای در روی زمین می سازند که صاحب اختیار مطلق بر آدمیان است، در حقیقت، منکر خدا هستند زیرا رابطه انسانها را با نماینده خدا، رابطه با قدرت می کنند و بدین چهر، انسان را از حقوق و استقلال و آزادی خویش، محروم می شناسند و یا به زبان برخوردار و در عمل محروم می کنند.

۸ - در باره روش یادآوری ستم محضی که در کربلا رفت و به تعبیر قرآن، انسان ها و انسانیت در کربلا کشته شدند و این سخن بس گویا که «همه جا کربلا و همه روز عاشورا» هستند، بدون تردید، روش کنونی از جهات متعدد نا درست است: ۱/۸ - نخست بدانیم که در جامعه های مختلف روی زمین، اینگونه مراسم وجود دارند. پیش از اسلام نیز در ایران، در سوگ سیاوش عزاداری می شد. چرا چنین است؟ زیرا هر زمان، تمام حق با تمام ناحق رویارو می شوند، نماد حق وارد وجدان همگانی

می شود. همچنانکه نماد ناحق. این دو وارد وجدان همگانی و هر انسان می شوند. زیرا این تقابل، تقابل مستمر اکثریت بزرگ زیر سلطه و اقلیت سلطه گر است. زیر سلطه، با یادآوری این تقابل، میان خود و نماد حق و میان اقلیت سلطه گر و نماد زور، این همگانی بوجود می آورد. معنای همه جا کربلا و همه روز عاشورا است، همین است.

۲/۸ - اما نوعی از بوجود آوردن این همگانی میان خود و نماد حق و میان اقلیت سلطه گر و نماد ناحق، کارپذیرانه است. زیر سلطه در همان حال که میان خود و نماد حق این همگانی بوجود می آورد، وضعیت خویش را همچون تقدیری تغییر ناپذیر می پذیرد و در همان حال که می پندارد برای حسین (ع) اشک می ریزد، در واقع بر وضعیت و موقعیت خویش اشک می ریزد. در کشور ما، سه پایه قدرت (سلطنت و روحانیت و بزرگ مالکی و قشر حاکم بر اقتصاد بازار)، مراسم عاشورا را به نمایش کارپذیری جامعه زیر سلطه استبداد بدل کردند. با وجود این، گاه، جامعه زیر سلطه عاشورا را فرصت حضور فعال در صحنه و تغییر وضعیت و موقعیت خویش کرده است. از جمله در انقلاب ایران و نیز در دوران ریاست جمهوری و در عاشورای زمستان ۱۳۸۸.

بدین سان، نوع دوم بوجود آوردن اینهمگانی میان خود و نماد حق، برخاستن به مبارزه با اقلیت سلطه گر، بقصد ایجاد جامعه رها از روابط مسلطه - زیر سلطه است. پس اگر می بینید ملاتاریا اینهمه از عاشورای سال ۵۹ در وحشت است و عاشورای سال ۸۸ را تکرار آن عاشورا تبلیغ می کند، بخاطر وحشتش از تبدیل شدن هر عاشورا، به روز قیام بر ضد بی عدالتی و برای استقرار جامعه ای از انسانهای حقوقمند، مستقل و آزاد است. دستگاه تبلیغاتی دولتی که نماد ستم است، با استفاده از منطق صوری، معنای دلخواه را به کف زدن حاضران در اجتماع روز عاشورا می دهد و مدعی می شود که مردم حرمت شکنی کرده اند. حال این که مردم از رهگذر کشف خویش بمتابه قیام کننده (این همگانی با نماد حق ایستاده بر حق)، این نقش را تصدیق و تصویب می کنند. فاصله کشف خویش بمتابه صاحب حق و برخاسته برای احقاق حق، کجا و ابراز شادمانی، آنچه در عاشورا کجا؟ با این حال، کف زدن در مقام تصدیق و تأیید، در روز عاشورا، ترجمان تردید نیز هست. جامعه در همان حال که خود را در نقش تغییر دهنده کشف می کند، اما هنوز از عزم

کردن و برخاستن فاصله دارد. کف می زند زیرا از کشف خویشتن بمتابه موجودی فعال و ایستاده برحق، به هیجان می آید اما هنوز مصمم به ترک عادت به فعل پذیری و رها کردن خود از جبر تقدیری که تگون روزی را سهم او از زندگی کرده است، نشده است. بدین خاطر بود که در عاشورای سال ۵۹، کوشش بر این بود که جامعه را از توانائیش به ایجاد تغییر آگاه کنیم. اینست آن گناه که ملاتاریا - که عاشورا را دکان سخت پر رونق خود کرده است - بر بنی صدر نمی بخشد.

۹ - به پرسش نهم شما در کتاب حق، انسان، قضاوت در اسلام و حقوق انسان، به تفصیل پاسخ داده ام. این کتاب هم در سایت بنی صدر و هم در سایت انقلاب اسلامی موجود است.

۱۰ - جنگ بخاطر ناگزیر بودن دیگران به پذیرفتن دین، مخالف نص قرآن است که مقرر می فرماید: «در دین اکراه نیست». باز یادآور می شود که حتی آقای مصباح یزدی نیز

تصدیق می کند که آغاز کردن جنگ و جنگ پیشگیرانه در قرآن نیست. تردید نیست که حمله نظامی به ایران برای استقرار اسلام نبود که اسلام بمتابه بیان آزاد، برای انتشار خود، نیازمند درکار نیامدن زور بود. بنا بر سلطه گری بود و رابطه سلطه گر - زیر سلطه را نیز پدید آورد و بساط خرافتهای اموی و عباسی حاصل آن شد و مانع از برخورداری انسانها از بیان آزادی گشت.

دروغ سازانی که، با استفاده از بسط خیانت و جنایت و فساد که ملاتاریا گسترده است و بدست خویش مافیاهای نظامی - مالی را بر کشور مسلط کرده است، تاریخ جعل می کنند و انتشار می دهند، نیک می دانند که قصدشان از دروغهایی که می سازند و انتشار می دهند چیست. آنها می خواهند نمادهای حق و آزادی را به گمان خود خراب کنند تا مگر وجدان همگانی جامعه را مشوش سازند و جامعه را برای باز سازی استبداد وابسته ای از آن نوع آماده کنند که انقلاب ایران بدان پایان بخشید. دانستی است که مدرس، در مهاجرت از ایران، بهنگام جنگ جهانی اول، روزی با خلیفه عثمانی، با حضور قاضی القضاة، دیدار کرد. خلیفه گفت: اگر دنیای مسیحی بر کشورهای مسلمان می تازد، بخاطر نبود اتحاد میان مسلمانان است. مدرس به او این پاسخ شجاعانه را داد: علی می خواست میان عرب و غیر عرب برابری برقرار کند، عرب زیر بار نرفت. بنی امیه و بنی عباس خواستند عرب را بر غیر عرب مسلط کنند، غیر عرب زیر بار نرفت. این امر که کشورهای دیگر زیر سلطه ترکیه بروند غیر ممکن است و چرا از غیر ممکن صحبت کنیم؟

اقسوس که ولایت مطلقه فقیه وضعیت کنونی را بوجود آورده است و این وضعیت، به زور پرستان در خدمت امریکا و اسرائیل امکان داده است علی (ع) را با سید علی خامنه ای، این همان کنند. ۱۳ - قسمت اول و دوم پرسش سیزدهم شما با یکدیگر ربط ندارند. قسمت اول، تأکید مکرر بر این اصل است که هرکس خود خویشتن را هدایت می کند. خداوند در آیه دیگری به پیامبر می فرماید: اگر هم بخواهی نمی توانی کسی را هدایت کنی. این هشدار، بر دو اساس است: یکی استقلال و آزادی انسان و دیگری تغییر از بیرون (در اینجا توسط پیامبر (ص)) نیاز به زور پیدا می کند و زور نمی سازد و ویران می کند. از این رو، خداوند می فرماید تا قومی خود خویشتن را تغییر ندهد، خداوند چیزی را در او تغییر نمی دهد. در حقیقت، وقتی انسان خود خویشتن را تغییر می دهد که از بندگی زور رها می شود و استقلال و آزادی خود را باز می یابد و بدان، با خدا رابطه برقرار می کند و راست راه عمل به حقوق خویش را باز می جوید و در آن می شود.

اما بنا بر قرآن، پیامبر (ص) برگزیده مردم مسلمان نیز بود. بدین صفت، می باید احکام قضائی را اجرا می کرد. باوجود این، بر وفق موازنه عدلی، مأمور انجام یکی از بزرگ ترین انقلاب های قضائی در جهان شد: قضاوت را تابع ۲۰ اصل کرد. در سامانه های قضائی دنیای کنونی، یکچند از این اصول بر قضاوت حاکم شده اند اما نه همه آنها. حکومت آن شمار از اصول بر قضاوت نیز کامل نیست. این اصول در کتاب «حق، انسان، قضاوت در اسلام و حقوق انسان» شرح شده اند.

۱۴ - پرسیده اید صلح امام حسن (ع) و ولایت عهدی امام رضا (ع) را چرا عمل به حق دانسته ام و نه عمل به

مصلحت. زیرا هر دو شهید شدند. هرگاه به مصلحت عمل کرده بودند، پس دانسته مرگ را پذیرفته بودند و دانسته سلطه امویان و عباسیان را بر خود و مسلمانان تصدیق کرده بودند. به سخن دیگر، چنین رفتاری هم بدین معنی است که مصلحت بیرون از حق عین مفسدت است و هم بدین معنی است که آنان، بنام مصلحتی که عین مفسدت بوده است، دانسته مرگ را به جان خریده و مردم قلمرو بزرگی از جهان را اسیر حکومت جباران کرده اند.

اما حقیقت اینست که آنها می دانستند مصلحت بیرون از حق عین مفسدت است و البته بدان تن نمی دادند. پس آنچه کرده اند، عمل به حق بوده است و درسی بس بزرگ به نسلهایی که از پی هم می آیند، آموخته اند:

آنان روشی را بکار برده اند که قرآن می آموزد: ابتلی و آزمایش. در آزمایشی که صحنه آن جامعه است، آزمایشی کننده می باید بر حق استوار بایستد و با طرف مقابل، در حق توافق کند. استوار ماندن بر حق، طرف مقابل را ناگزیر می کند از وفای به عهد با حق و یا شکستن عهد و فضای با حق و گزیدن بندگی قدرت. هرگاه، طرف مقابل وفای به عهد کرد، حق حاکم گشته و انسانها حقوقمند شده و راه رشد را بر میزان داد و وداد، در پیش می گیرند. اگر نه، ماهیت بندگان قدرت شناخته می شود و انحطاط و انحلالشان آغاز می گیرد. بدین سان که نخست اقلیت می شوند و سپس افراد همان اقلیت نیز چون حاضر نمی شوند به ستمگری شناخته شوند، به اکثریت می پیوندند.

در دوران معاصر، یکی از چند ابتلا و آزمایش، ورود در آزمایش با آقای خمینی و سران حزب جمهوری اسلامی بود. با سران این حزب میثاق امضاء شد اما آنها در کمتر از ۲۴ ساعت، میثاق را شکستند. آقای خمینی نیز، نوبت به نوبت، ناگزیر شد میان وفای به عهد و شکستن عهد، انتخاب کند. از بد اقبالی، همواره شکستن عهد را برگزید. حاصل این شد که آقای بهشتی، در نامه ۲۲ اسفند به آقای خمینی، اعتراف می کند اقلیت شده اند و از آقای خمینی می خواهد بر ضد بنی صدر کودتا کند. در خرداد ۶۰ نیز، نوبت به آقای خمینی رسید که اعتراف کند اقلیت و زور (= یکی در برابر همه) است وقتی گفت: ۳۵ میلیون بگویند بله من می گویم نه.

در طول ۳۰ سال، ایستادن بر حق و در برابر ولایت مطلقه فقیه، جانب ولایت جمهور مردم را گرفتن و در برابر بیان قدرت فراگیری ملاتاریا، بیان آزادی را پیشنهاد کردن و صد البته جنایتها و خیانتها و فسادهای حاکمان و مقاومت ایرانیان آزاده، سبب شد که اقلیت آن روز، همچنان اقلیت و گرفتار سازوکار تقسیم به دو و حذف یکی از دو بماند. این جریان، تا انحلال بدین سان، روحانیت قدرتمنداری که یکی از سه پایه داخلی دولت استبدادی بود و در طول تاریخ، همواره اکثریت می داشت، اقلیت در حال انحلال شد. پس اگر ملاتاریا چنین کینه ای به بنی صدر ابراز می کند، دلیلی جز آن ابتلا که سبب شد اقلیت بگردد، ندارد. در تاریخ ایران، فصل استبداد، در خرداد ۶۰، به پایان رسیده است. از آن سال بدین سو، این استبداد دوران احتضار خود را می گذراند. این دوران کوتاه می شود هرگاه جمهور مردم بیان آزادی را اندیشه راهنما کنند و در جریان جنبش همگانی خود، به ولایت جمهور مردم سازمان دهند.

به پرسشهای دیگر شما، در سرمقاله شماره آینده انقلاب اسلامی پاسخ خواهیم نوشت.



راست و دروغهای مشفق، حقایق مهم دیگری را آشکار و راه جنبش را مشخص می کند:

انقلاب اسلامی: یک چند از حقایق مهم (ساخت آمریکا بودن گروگانگیری و نزاع بر سر رهبر و رهبری و عزم مافیای خامنه ای و مافیاهای نظامی - مالی بر حذف سران و کادرهای اصلاح طلب) که سخنان «سردار» مشفق، رئیس اداره اطلاعات ستاد مشترک سپاه، نمایان می ساختند، در شماره پیش، از خوانندگان گرامی گذراندم. در داخل کشور نیز، سخنان «سردار» مشفق تحلیل شده و حقایق مهم دیگری استخراج شده اند که به شرح زیر از نظر خوانندگان می گذرند:

● مخاطب اول «سردار» مشفق (اسم واقعی او شیخ الاسلام است و پس از استعفا از او ای از وزارت واک، معاون واک نیز شده است)، شخص خامنه ایست. بنا بر اطلاع موثق، خامنه ای دچار تردید جدی شده است. تردید بدین خاطر که:

۱ - روی کار آوردن احمدی نژاد برای حذف کسان و گرایشانی (راست سستی و اصلاح طلبان) بود که با استبداد فردی خامنه ای و نقش پیدا کردن سپاه در دولت، موافق نبودند. اینک کار به جایی رسیده است که جز از راه خشونت عریان نمی توان کار حذف را پیش برد و بکار بردن خشونت عریان، خامنه ای را منزوی تر و وابسته تر به حزب سیاسی - نظامی - مالی می کند.

۲ - چون سخنان «سردار» مشفق معلوم کرد که از اصول گرایان نیز، کسان و گرایشانی حذف شدنی هستند، آنها دست به عمل متقابل زدند (مصاحبه همسفری که در اختیار قالیباف شهردار تهران است و پالیزدار، مورد اخیر است): مجلس طرحی را تصویب کرد که انقای مصوبه شورایی انقلاب فرهنگی بود. و حمله به احمدی نژاد، سگرتده تر شد. تا این که پالیزدار، همان که فسادهای مالی امثال هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری را افشا کرده بود، در مصاحبه با همسفری، از آنها پوزش می خواهد و این بار، می گوید: احمدی نژاد به او وعده وزارت داده بود! و دو نامه خامنه ای در باره دانشگاه آزاد (دانشگاه آزاد در وضعیت کنونی خود بماند: وقف نشود و مصوبه شورایی انقلاب فرهنگی نیز اجرا نشود)، نه تنها گویای حالت تردید و درماندگی او است، بلکه حاکی از اینست که توانا به ادامه سیاست حذف به تریبی که مافیاهای نظامی - مالی می خواهند نیست.

۳ - چون این تردید پیش از آن بوجود آمده است که «سردار» مشفق سخنرانی «محرمانه» کند، مخاطب «سردار» ناگزیر او است. زیرا مرتب تکرار می کند که شنودها همه به دستور انجام گرفته اند و همه به عرض مقام معظم رهبری رسیده اند. توفیقها نیز به دستور او انجام گرفته و اقرارها نیز به دستور او انجام گرفته اند. به سخن دیگر، مافیاهای نظامی - مالی به او اخطار کرده اند، راه پشت سر خراب شده است.

باوجود این، این پرسش محل پیدا می کند: آیا مافیاهای نظامی - مالی ضعیف شده اند؟ مخالفت با آنها، در سپاه نیز گسترش می یابد. آیا ضعیف شدن مافیاهای نظامی مالی، خامنه ای

رژیم در گرداب بحران

دیدن گردنبندهای زنی بود با مشکل برخورد. وگرنه او جاسوس نیست و او را جاسوس خواندن، جعل اطلاع برای متهم کردن اصلاح طلبان است.

اما این «سردار»، دروغهای دیگر نیز می گوید: مثلاً قضیه کشتن گوسفند برای سلامت رفسنجانی از سوی خمینی، دروغ است. در نامه دفتر هاشمی رفسنجانی آمده بود که خمینی هر بار که او سلامت از سفر باز می گشت، برای سلامت او دستور می داد گوسفند قربانی کنند. یا انتشار خبر افسای تصویر بی حجاب زن میر حسین موسوی برای اولین بار چند سال قبل هنگامی که احتمال آمدن میر حسین موسوی برای انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم مطرح شده بود، از سوی مخبران شورای نگهبان و هیات مولفانه مطرح شده بود نه از سوی بهزاد نبوی و اصلاح طلبان در این دوره از انتخابات. و با اینکه برای کربوبی مشکلات سوء استفاده مالی ایجاد کنند برای اولین بار از سوی خود احمدی نژاد در مناظره های تلویزیونی مطرح شد و اصلاح طلبان در این امر دخالتی نداشتند. روشن است که هدف «اطاق فکر» از ساختن و انتشار دادن این دروغها، هم کرده های خود را بر دوش اصلاح طلبان نهادن است و هم القای بی اعتمادی نسبت به سران اصلاح طلب و هم القای ناموران سرکوب و هم ایجاد اختلاف میان اصلاح طلبان است.

● سخنرانی «سردار» مشفق روشن می کند که بسیاری از مستندات وی از طریق شنودها تحصیل شده اند. اطلاعات سپاه و اوواک شنودهای مکتوب در اختیار ندارند. اما پرونده سازی بر پایه شنودها، خود سند است بر این که طرح کودتای ۲۲ خرداد، ماه ها پیش از آن تاریخ تهیه شده و گفت و شنودهای نامزدهای احتمالی و نزدیکان آنها، شنود شده اند. همراه شنود، طرح حذف اصلاح طلبانی که می باید حذف می شده اند، نیز تهیه شده بوده است. بخصوص که یکی از سرداران سپاه یکسال قبل از انتخابات گفته بود: قرار است آشوب هایی در این کشور روی دهد و ما خود را برای مقابله با آنها، آماده ساخته ایم. سخنان «سردار» مشفق و اینکه از سال قبل از انتخابات در پی آماده سازی و کسب و جمع آوری اطلاعات بوده اند نیز گویای همین طراحی برای انجام کودتای بزرگند.

● از جمله شنودها که مشفق از آن سود جسته است، شنود سخنان خاتمی است که بنا بر آن، خاتمی به قرآن باور ندارد. اما اطلاع واصل حاکی از اینست که دستگاههای بسیار پیشرفته خریداری و بکار گرفته اند. با استفاده از آنها، می توانند صدای اشخاص را باز تولید کنند و هر سخن و اعترافی می خواهند، تولید و انتشار دهند. از این «شنود» های قلابی، برای متقاعد کردن مقامهایی که مشفق از آنها نام می برد، استفاده می کنند.

● امر مهم دیگری که سخنان «سردار» مشفق آشکار می کند، اینست که دستگیری ها و شکنجه دستگیر شدگان و اعتراف گریها زیر شکنجه توسط اطلاعات سپاه انجام گرفته اند. به سخن دیگر، کودتا را حزب سیاسی - نظامی - مالی سپاه کرده است. یاد آور می شود که از کودتای ۲۲ خرداد بدین سو، مرتب، اطلاعاتی از بازجویی برخی بازداشت شدگان از طریق نشریاتی مانند کیهان و جوان و وب سایت هایی مانند رجا نیوز و فارس منتشر می شدند. سخنان مشفق آشکار می کند که شاخه مطبوعاتی حزبی که مافیاهای نظامی - مالی تشکیل داده اند، با اطلاعات سپاه همکاری تنگاتنگ دارند.

● سخنرانی مشفق از ضد و نقیض گویی سرشار است. هدف او توجیه کودتا و ضرورت سرکوب بس وحشیانه مردم ایران است. برای مثال، در مورد میر حسین موسوی و اینکه در جنگ کارشکنی می کرد و حمایت نمی کرد، او هم از سخنان سید علی خامنه ای استفاده می کند و هم از سخنان موسوی خوئینی ها. اما، پیش از او، مجری برنامه «دپروز - امروز و فردا»، در مصاحبه با شمخانی، از این ادعا استفاده کرد. پس سخنان مشفق و مجری برنامه را یک دستگاه ساخته و از مجاری مختلف، در تخریب موسوی، بکار برده است.

● اما سخنان مشفق نامزدهای بعدی حذف شدن را نیز، معلوم می کنند. بدین ترتیب، جریان تقسیم به دو و حذف یکی از دو، ادامه می یابد: هرگاه جریان حذف صانی و موسوی و کربوبی و خاتمی و هاشمی و موسوی خوئینی ها و همکارانشان به پایان برسد، نوبت به علی لاریجانی و قالیباف و محسن رضایی و شمخانی و همکاران آنها و شماری از همکاران احمدی نژاد و خیلی های دیگر می رسد.

گرچه این حذف کردنها یک خطای مرگ آور است، اما ادامه حیات رژیم نیز بدین حذف کردنها میسر است. بنا بر سندی که نامه بهشتی به خمینی است، به یمن استقامت بنی صدر بر حقوق مردم ایران، جماعت ملاتاریا اقلیت شدند. ۳۰ سال مبارزه، آنها را در اقلیت نگاه داشت. این اقلیت نخست به حذف گرایشها و شخصیتهای سیاسی پرداخت که در جامعه ایران اکثریت شدند و تداوم مبارزه سبب شد که اکثریت بمانند. پس از آن، مکانیسم تقسیم به دو و حذف یکی از دو، در اقلیت حاکم بکار افتاد. در حال حاضر، مافیاهای نظامی - مالی میان دو جبر گرفتارند: یکی این جبر که اگر هم اکنون حذف نکنند، حذف می شوند و دیگری این جبر که حذف کردن نیز به انحلال دولت اقلیت می انجامد.

با وجود این، اعلان اسامی کسانی که در فهرست حذف شوندگان هستند، در یک اشتباه استراتژیک است. در حذفهای پیشین، اسامی حذف شوندگان، از پیش اعلان نمی شد. حالا اعلان شده است و آنها می دانند که حذف خواهند شد. هرگاه بر آن شوند سرسپردگی خود را ثابت کنند، بسا مؤثر نمی شود. زیرا اقلیتی هر روز کوچک تر می شود و جبر بر جامعه ایست که حاضر نیست فعل پذیرانه، ستم ببیند و غارت بشود. خود را دائم در معرض سقوط می بیند و نمی تواند به اظهار کنندگان سرسپردگی، اعتماد کند.

افرادی مانند لاریجانی و محسن رضایی و قالیباف و ... از سرداران دوران جنگ بوده اند و با سپاه و شخصیتها و گروههای سیاسی، روابط دارند. باز کردن جبهه ای دیگر در مقابل سرداران قدیم و جدید به شدت از توان اقلیتی که مافیاهای نظامی - مالی و مافیای خامنه ایست، خواهد کاست. این جبهه، در کنار جبهه گشوده بر ضد تار عنکبوت خانواده خمینی و خانواده های دیگر و مراجع تقلید و علما و روحانیون و از همه مهمتر مردم، مافیاهای را درگیر جنگی طاقت فرسا می کند و زمان سقوط رژیم را نزدیک تر می سازد. الا این که مافیاهای ترجیح می دهند با حذف کردن، امروز و فردا را بمانند و اگر قرار بر سقوط کردن است، پس فردا سقوط کنند. از امروز به فردا فرج است را روبه کرده اند.

● یکی از مهمترین اموری که مشفق بدان می پردازد، نزاع بر سر «رهبر» و رهبری است. در نخستین گزارش در باره کودتای ۲۲ خرداد، انقلاب

اسلامی اطلاع داد که تعیین «رئیس جمهوری» ربط مستقیم دارد با مسئله رهبری. اینک، «سردار» مشفق هم این اعتراف تلخ را می کند که جنبش بزرگ مردم در ۲۰ خرداد، «رهبر» را بعنوان «فصل الخطاب» شکسته است و هم از وجود نزاع میان تار عنکبوت خانواده ها که خانواده خمینی با آنها روابط شخصی قدرت پیدا کرده است با خانواده خامنه ای و نیز نزاع هاشمی رفسنجانی با خامنه ای در باره چند و چون رهبری، برده بر می دارد. اما نادانسته این کار را می کند، اگر می دانست که در یک رژیم، وقتی رأس که محل تمرکز قدرت است، خود مسئله می شود، یعنی آن رژیم، چون ماهی از سر گندیده است و نیروی حیاتی لازم را ندارد. خامنه ای خود مسئله است و حل این مسئله به حذف ولایت فقیه و استقرار ولایت جمهور مردم است.

● از اظهارات مشفق معلوم می شود که جنگ شبکه های خانوادگی به مرحله ای رسیده است که بعد از خانواده های بهشتی و خمینی و خامنه ای و هاشمی، حال نوبت خانواده های قدوسی و مطهری و رجایی و محمدی گیلانی و فاضل لنکرانی و ... شده است که به جان هم بیفتند. حقیقت اینست که نوبت حذف به این خانواده ها نیز رسیده است. اختلافات حاکمان به حدی گسترش یافته که حتی به محمدی گیلانی، قضایی که هر روز دهها جوان را به جوخه اعدام می سپرد، نیز رحم نمی شود.

● اعلان اسامی کسانی که در فهرست حذف شوندگان قرار دارند، از سوی این مشفق، جریان ساز شد: جریانانی همچون حضور برخی نیروهای سپاه تحت عنوان دانشجوی بسیجی، در برابر مجلس، برای مخالفت با علی لاریجانی که از سوی ستاد کودتا و سردار کورتی و سردار کوچک زاده و روح الله حسینیان فراخوانده شده بودند و ترتیب دادن تظاهرات در حمله بر ضد لاریجانی و شعارها که حمله کنندگان به دفتر منتظری و خانه صانی، بر ضد سید حسن خمینی، آشکار می کند ماهها پیش ترتیب حذف این افراد داده شده است.

● مخالفت مشفق، عمل احمدی نژاد (درحفظ رحیم مثنائی) امر مهم دیگری را معلوم می کند: ۱- بسا این یک شگرد تبلیغاتی برای فریب افکار عمومی است. زیرا روزنامه نگار معروف و منتقد دولت یعنی حسین شریعتمداری - که مدال روزنامه نگار منتقد را از احمدی نژاد گرفت - بارها و بارها در بازی سیاسی حملاتی را متوجه رحیم مثنائی و برخی اوقات احمدی نژاد کرد تا مگر افکار عمومی را فریب دهد.

۲- احتمال قوی تر اینست که موقعیت احمدی نژاد نیز محکم نیست. پس برای او نیز باید پرونده ساخته و آماده شده باشد. تا چون زمان حذف او و دستیارانش رسید، از پیش، معلوم باشد حذف چگونه باید انجام پذیرد. یاد آور می شود که پرونده مالدی احمدی نژاد، وقتی شهردار بود و پرونده مالی و معاون اول او و پرونده مالی محصولی و پرونده های دستیاران او، رو آمده و مطرح شده اند اما به دستور خامنه ای مسکوت مانده اند. در حال حاضر نظر برخی از اصولگرایان منتقد دولت آشکارا می گویند کارهای حکومت احمدی نژاد مسئله دار و مشکوک هستند.

● دروغ دیگر و توجیه دیگر «سردار» مشفق نیز بسی گویانی دارد. او دو ادعا می کند: هاشمی می خواست هم از شر خاتمی رها شود و هم از شر احمدی نژاد. یکی اینست که هاشمی رفسنجانی نزد «آقا» (خامنه ای) رفت و پیشنهاد کرد این هر دو کنار گذاشته شوند و حسن روحانی نامزد شود و «آقا» پذیرفت. و دیگری اینست که



رژیم در گرداب بحران

می گوید که میرحسین موسوی از سوی اصلاح طلبان برای شرکت در انتخابات فرا خوانده شده بود. حال آنکه در سید علی خامنه ای برای اینکه مانع از حضور سید محمد خاتمی در انتخابات بشود، به خانه پدر میرحسین موسوی می رود. به پدر یک عطا هدیه می کند و از میرحسین موسوی می خواهد در انتخابات شرکت کند. قول می دهد قلب در انتخابات نمی شود. اما هدف واقعی او، همانطور که کودتای ۲۲ خرداد معلوم کرد، حذف اصلاح طلبان بوده است. گمان او بر این بوده است که چون نسل جوان موسوی را نمی شناسد، از وجود او استفاده می کند برای تبدیل کردن اقلیتی که هست به اکثریت و هم با مقداری تقلب، اسباب شکست موسوی و بازگشت او را به انزوا، فراهم می آورد. احتمال جنبش همگانی را نمی داده اما احتمال جنبش اعتراضی قابل کنترل را می داده است. نتیجه این که او و مافیاهای اقلیتی کوچک تر گشته اند. خون ریز و جنایتکارتر گشته اند و ناگزیر شده اند در درون و بیرون از مرزها چندین جبهه بکشایند. جبهه بر ضد بازاریان، جبهه دیگری است که رژیم مافیاهای گشوده است.

● «سردار» مشفق مدعی می شود: بنا بر اطلاعات، گروههایی از امریکا به ایران آمدند و بررسی کردند که چگونه می توان به این نظام ضربه زد؟ آنها سه مسئله را مورد بررسی قرار دادند که باید تضعیف شود یکی مداحان و نوحه خوانها، دیگری مراجع تقلید و سومی مقام رهبری.

بر فرض که ادعای او راست باشد، عامل تضعیف این سه، خمینی و جانشین او خامنه ای بوده اند و هستند: ۱ - زندانی کردن مراجع تقلید در خانه هاشان (شریعتمداری و قمی و دو برادر، سید صادق و سید محمد روحانی و شیر خاقانی و منتظری)، خلع از مقام مرجعیت (شریعتمداری و صانعی) و عنوان مرجعیت دادن به خدمتگزاران رژیم (شیخ حسین همدانی و...) و خود مرجع خواندن (خامنه ای که منتظری به او گفت شما سواد ندارید)، یورشهای مکرر به خانه های مراجع (شریعتمداری و منتظری و بتازگی صانعی و صافی گلپایگانی و وحید خراسانی و بیات زنجانی و موسوی اردبیلی و جوادی آملی و...) و سلب استقلال از حوزه قم و دیگر حوزه های دینی و بی قدر کردن فتاوی مراجع. به تریبی که امروز، بنیاد مرجعیت، ویرانه گشته و هرگاه مراجع مردم را بکاری بخوانند، خواست آنان را مردم اجابت نمی کنند.

۲ - اما ایجاد شبکه از نوحه خوانها و هیأت ها و تکیه ها و حسینیه ها و تبدیل آنها به وسیله تبلیغ رژیم مافیاهای نیز کار رژیم مافیاهای است. این رژیم است که مداحان را مطرب و خواننده های پاپ و مشرک کرده است و به آنها دستور داده است انواع نوحه های کفر آمیز را بخوانند مثلا بگویند: نور حضرت زینب است - صور حضرت زینب است -

و یا - من سگ درگاه توام ابوالفضل و یا - امام علی سید علی و...

۳ - اما تضعیف رهبری آیت الله العظمی بروجردی و خیانتهای به کشور (گروگانگیری و معامله بر سر گروگانها و ایران گیت و کودتا و جنگ ۸ ساله و ترور بحران سازیهای مداوم) و خیانتهای به اسلام (دعوی ولایت مطلقه کردن و آن را بر قرار نمودن و تقدیس خشونت و از خود بیگانه کردن اسلام در بیان قدرت توتالیتر) و خیانتهای به مردم (سلب حق حاکمیت از آنها و بازسازی رژیم استبدادی) و جنایت گستری (کشتار مردم در شهرها و قتل عام زندانیان و بکار انداختن ماشین اعدام که ۳۰ سال است همچنان

نوجوان و جوان و میان سال و پیر، از زن و مرد بدان سپرده می شوند و کشتن زخمی ها و گستردن بساط شکنجه و ایجاد زندان کهریزک که گوی سبقت از زندان ابوغریب ربود (...). و فساد گستری (گم شدن پولها، ۱۰۰ میلیارد دلار در دوران جنگ و بر باد دادن درآمد نفت و رانت خواری که نیمی از اقتصاد کشور را تسکین می دهد و گسترش قاچاق که سر به ۲۰ میلیارد دلار می زند و پدید آوردن حزب مافیاهای نظامی - مالی و گسترش ناپسامانی ها و آسیبهای اجتماعی به تریبی که ایران در مصرف مواد مخدر مقام اول را در جهان یافته است و گریزاندن مغزها از کشور و...).

قول «سردار» مشفق گویانی بسیار دارد: اعتراف است به ورشکست رهبری و مرجعیت در خدمت قدرت و تبلیغاتی که در وارونه سازی حقیقت، خلاصه می شوند. اعتراف است به این واقعیت که ولایت مطلقه فقیه، هر سه عامل بقای خود را از دست داده است. برای «رهبر» ورشکسته، جز حزب سیاسی - نظامی و مالی مافیاهای نمانده است و این حزب، نه می تواند حتی از «اسلام فیزی» (فقه تکلیف مدار) مشروعیت بگیرد و نه مرام دیگری در دسترس دارد که از آن مشروعیت بستاند و نه می تواند از تجزیه اقلیتی جلوگیری کند که بنا بر قول مشفق، خود مأمور تقسیم آن به دو و حذف یکی از دو است. هم اکنون، سپاه خود نیز بازجبه جریان شدت گیر تقسیم به دو و حذف یکی از دو، گشته است.

اظهارات «سردار» مشفق، راه را از بیراهه مشخص می کند: راهی که جنبش می باید در آن شود، راهی است که استبدادبان را در انزوا نگاه می دارد و به مردم امکان می دهد، بطور مستمر و به تدریج، قلمروهای حاکمیت را از آن خود کنند و ولایت جمهور مردم را برقرار سازند.

جنگ بر سر قدرت در درون سپاه: مقابله با مافیاهای نظامی - مالی

* اصرار خامنه ای به تحمیل مافیاهای نظامی - مالی به زور، برضد خود او نتیجه بخشید:

در طول عمر رژیم ولایت فقیه، تا این حد شیخ مرگ خود را آشکار نکرده بود. از دو سال پیش که «رهبر» در پی انتصاب مجدد احمدی نژاد به سمت رئیس جمهوری شد، تا به حال، او همه سرمایه های خود را صرف حفظ این مهره نادان نموده و کار را به جایی رسانده است که دیگر نه سرمایه ای برایش مانده است و نه اگر بخواهد بازگردد، راه بازگشت به عقب باقی است. کاری که ممکن است برایش مانده باشد اینست که بسیاری از امتیازات و اختیارات خود را واگذار کند. شماری از «اصلاح طلبان» در انتظار این رویداد هستند. آنها می گویند وقتی خامنه ای احمدی نژاد را صاحب اختیار کرده است، چرا وقتی خود را ناچار دید، موسوی را رئیس جمهور نکند؟ غافل از این که احمدی نژاد متعلق به مافیاهای نظامی - مالی و

حزب سیاسی - مالی - نظامی است. هرکسی که متعلق به این حزب نباشد، اختیار نمی جوید و اگر خامنه ای تن به دادن اختیار بدهد، بمعنای ناتوان شدن حزب و توانا شدن جنبش مردم است. از آن پس، مردم صبر نخواهند کرد تا حزب ضعف خود را جبران کند و باردیگر صاحب اختیار کشور شود. مزه بسیار تلخ این تجربه را چند نوبت چشیده اند.

سید علی خامنه ای که به دلیل نادانی و جهل خود اسیر دست برنامه ریزان و تحلیلگران ابله داخلی و خارجی بیت گردیده بود، آنچنان در گرداب سقوط دست و پا میزند که دل هر ناظری به حال او می سوزد.

«رهبر» به اصطلاح معظم، در طول حدود بیست ماه گذشته همه داشته های خود را خرج حکومتی کرد که به آن امید بسته بود: امید بسته بود که دولت (سه قوه) یکدست و مطیع امر او می شود و حاکمیت بعد از او نیز به فرزندش می رسد و سلسله خامنه ای تشکیل می شود و... او می پنداشت با سیاست تهاجمی می تواند هر مانعی را از سر راه بردارد. به تدریج متوجه خطای خود می شد اما هم سر رشته کارها از دستش به می رفت و هم چون قمار بازان، چاره ای جز ادامه دادن به سرکوب نمی دید. هر چند این روزها وی تا حدی متوجه خطر ادامه رفتار و کردار رئیس جمهوری منصوب خود شده است و تلاش می کند آب رفته را به جوی بازگرداند، اما دیگر نمی تواند تسلط خود را بر نهادها و ارگانها حفظ کند. او در میان روحانیون و مراجع تقلید و نیروهای نظامی و از همه مهمتر مردمی که کشته داده اند، حامی از دست داده است و می دهد و حامی بدست نمی آورد.

در طول این مدت، رهبری برای حفظ قدرت و نگاه داشتن فردی مانند احمدی نژاد در مقام رئیس جمهوری، دست به کارهایی زده که او را بیش از پیش به ورطه سقوط نزدیک تر کرده اند:

● حمایت سرسختانه از احمدی نژاد و حامیان وی - این حمایت را تا جایی ادامه داد که نزدیکترین افراد به او، از او دوری جسته اند. این روزها، مرتضی نبوی، احمدی نژاد و دار و دسته او را خطرناک توصیف می کند. چرا که به مرجعیت و روحانیت معتقد نیستند و قصد حذف اصول گرایان را دارند. لاریجانی و توکللی به احمدی نژاد حمله می کنند بدین خاطر که در برابر قانون ایستاده است. توکللی او را تهدید به استیضاح نیز می کند. این بار، قالیباف، شهردار تهران، پالیزدار را به جان احمدی نژاد می اندازد و او در مصاحبه با همشهری می گوید احمدی نژاد او را تحریک کرد از مافیاهای هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری و... سخن بگوید و به او قول وزارت داد. و... و می گویند رحیم مشائی، گفته است: مردم نه نیاز به مرجع دارند و نه نیاز به روحانی. خود می دانند چه کنند. حتی اگر این حمله ها با اجازه خامنه ای باشد، گویای شکست خامنه ای هستند.

● فرمان تقلب در انتخابات برای بر سرکار نگاه داشتن احمدی نژاد - کودتای انتخاباتی که به فرمان سید علی انجام شد تنها راهی بود که وی گمان می کرد او را به هدف می رساند. اما بر عکس موجب فروپاشی قدرت و حاکمیت وی شد.

● بروز درگیری میان او و هاشمی رفسنجانی که سالها حامی او در کلیه جنایت ها و خیانتهای او و فسادها بود - شاید یکی از اشتباهات وی و تحلیل گران پیرامون وی از دست دادن هاشمی در برابر احمدی نژاد بود.

امروز، اکثر سیاسیون وابسته به گروههای مختلف اصولگرا، به جز باند جنگ طلب، بر این خطا واقف هستند و بازگویی می کنند.

● تهدید و تحقیر بسیاری از روحانیون که سالها حامی وی بودند - سید علی که فکر می کرد با انجام تقلب در انتخابات و بر سر کار آوردن احمدی نژاد می تواند از موقعیت خود استفاده کند و با تأیید انتخابات دیگران را وادار به حمایت از آن و یا سکوت نماید، اشتباهی بزرگ انجام داد زیرا رئیس جمهوری منتصب او از سوی بسیاری از روحانیون بلند پایه حاکمیت فاقد مدیریت لازم برای این مقام شمار بود.

● مخالفت و تهدید برخی مراجع تقلید که دست به مخالفت با کارهای او زده اند - سید علی خامنه ای با برگزاری انتخابات تقلبی ته مانده اعتبار خود را نزد مراجع تقلید از دست داد. به گونه ای که بعد از تأیید احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور منتخب، تنها شیخ حسین نوری همدانی به وی تبریک گفت. او هم در مصاحبه ای گفت فریب یاران احمدی نژاد را خورده و گرنه پیام تبریک ارسال نمی کرد. مراجع معتبر نیز تا به حال نه تنها از ریاست جمهوری احمدی نژاد حمایت نکرده اند بلکه در بسیاری موارد وی را مورد حمله قرار داده اند. آیت الله منتظری ولایت مطلقه فقیه را از مصادیق شرک دانست.

● تهدید و مخالفت با بیت خمینی از طریق تحقیر سید حسن خمینی - سید علی خامنه ای در خطابی دیگر که برایش بسیار گران تمام شد می پنداشت با حذف سید حسن خمینی و ممانعت از بزرگ شدن وی می تواند شرایط را برای جانشین شدن فرزندش، فراهم کند. اما ممانعت از سخنرانی وی در روز ۱۴ خرداد آنچنان مورد انتقاد روحانیون و مراجع قرار گرفت که او تصورش را را نمی کرد. این رویداد ضعف مفرط او را آشکار کرد و بسا خود او نیز متوجه شد که همه وی را مقصر اصلی وضعیتی می دانند که روحانیت بدان گرفتار آمده است.

● فرمان سرکوب و کشتار جوانان کشور برای حفظ موقعیت لوزان خود در سال گذشته - یکی از دلایلی که بسیاری از همراهان سابق در برابر وی قرار گرفتند کشتار جنایت کارانه ای بود که به دستور او، بدست نیروهای تحت امر مافیاهای نظامی - مالی انجام گشت. بعد از آن بود که مردم با شعار مرگ بر دیکتاتور پرونده سید علی را برای همیشه بستند.

● فرمان اعدام جوانان و مبارزان سیاسی جهت تحکیم حاکمیت خود - دستور اعدام برخی از افرادی که از قبل از کودتای انتخاباتی دستگیر شده بودند، به جرم شرکت در اعتراضات بعد از انتخابات، آنچنان دروغگو و جنایتکار بودن رژیم ولایت فقیه را برملا ساخت که میسر.

● رها کردن افسار احمدی نژاد در حمله به دیگران و ایجاد بحران های داخلی و خارجی با عنوان حمایت از سیاست های تهاجمی حاکمیت در برابر دشمنان - سید علی خامنه ای می پنداشت که شرایط داخلی و جهانی به همان گونه ایست او می پندارد. به همین دلیل بود که افسار احمدی نژاد را در حمله به «بزرگان نظام» رها کرد. در حقیقت مأموریت او و حکومتش انجام یک رشته حذف ها بود برای این که خامنه ای در حکومت بکه تاز شود و فرزندش جانشین او بگردد. احمدی نژاد اندازه نگاه نداشت تا جایی که دیگر هیچ کسی نماند که مورد حمله قرار نگردد. کار به جایی رسید که در نهایت وی مجبور به دخالت و کنترل رئیس جمهوری

منصوب خود شد تا مگر وضعیت از دست نرود. در پی بحران بین المللی دست ساخت خامنه ای - احمدی نژاد نیز، موضع نابخردانه احمدی نژاد ایران را با تحریم های گسترده و سخت روبرو ساخت. تحریم هایی که روز به روز شدید تر می شود. هم اکنون برخی از اصولگرا ها نیز صدا به اعتراض بلند کرده اند.

● فرمان حمله به سران و کادرهای اصلاح طلبان - سید علی خامنه ای هنگامی که متوجه شد در درون رژیم، اکثریت بزرگ کادرها حاضر به پذیرش ولایت مطلقه وی نیستند و برای تأیید وی از انتخابات کوچکترین ارزشی قابل نمی شوند، فرمان داد آنها را سرکوب کنند. سرکوب مردم و سرکوب اصلاح طلبان موجب شد که موسوی و کروبی، روز به روز، مواضع خود را نسبت به خامنه ای و عملکرد او قاطع تر کنند و کار را به جایی برسانند که از ولایت و نظام بگذرند و خود را از کشتی ساخته شده خامنه ای خارج نمایند تا همراه مردم شوند.

● فرمان حمله به بیت مراجع - در پی خطاهای آشکار او، خطاها بر یکدیگر افزوده شدند. کار به دستور حمله به بیوت مراجع مخالف کشید. اما حمله به بیت آیت الله صانعی و مخالفت و برخورد مراجع دیگر با این عمل زشت به گونه ای شد که او را مجبور به کوتاه آمدن کرد. کوتاه آمدن یعنی در سرایشب ضعف افتادن.

● مجلس خبرگان را با تهدید وادار به اطاعت از فرامین خود کرد - هنگامی که مجلس خبرگان تشکیل جلسه داد و قرار شد در آن جلسه، انتقاداتی از «رهبر» بعمل آید، - همانگونه که آیت الله دستغیب انتقاد کرد - وی فرمان داد با وارد کردن فشار بر «خبرگان»، مانع از ادامه کار آن مجلس، به ترتیب مقرر شوند. در نتیجه، برخوردهایی در این مجلس میان حامیان و مخالفان وی روی داد که برای اولین بار تا این اندازه جدی شد.

● مجمع تشخیص مصلحت را تا توانست ضعیف کرد - سید علی خامنه ای برای حفظ احمدی نژاد حتی یکی از قوی ترین نهادهایی که جهت تشخیص مصلحت نظام از سوی خمینی ایجاد شده بود را برای جلوگیری از مخالفت با سیاست های خود، آفندر تحت فشار قرار داد که امروز، ارگان بی خاصیتی شده است. او مصلحت نظام را که این مجمع تشخیص داد، نپذیرفت و جاهلانه در مقابل انتقادات این مجمع از احمدی نژاد و حکومت او ایستاد.

● مجلس «شورای اسلامی» را مجبور به اطاعت از خواسته های خود و حکومت کرد - در طول سال گذشته در بیشتر اوقات که رئیس جمهوری دست ساز وی بر خلاف قوانین مصوب مجلس عمل می کرد، او به حمایت از حکومت می پرداخت و مجلس و نمایندگان را مجبور به سکوت می کرد. این عمل بارها اتفاق افتاد تا هنگام طرح و تصویب موضوع دانشگاه آزاد اسلامی. این بار، توصیه «رهبر» هم در نمایندگان موثر نشد. مجلس طرحی را تصویب کرد تا مانع از جنگ انداختن احمدی نژاد بر دانشگاه آزاد شود. ناچار از نیروی چماقدار استفاده شد. با گسیل چماقداران در برابر درب مجلس، بر نمایندگان فشار وارد کردند تا که برای دلخواه احمدی نژاد، تصمیم خود را تغییر دهند. پس از آن که اقتضای بزرگ بیار آمد و معلوم شد که در این رژیم مجلس و قوه قضائیه آلت فعلی بیش نیستند و بی کفایتی خامنه ای عیان گشت، او در حکم حکومتی خود فرار را بر مسکوت ماندن و بقای دانشگاه آزاد در وضع موجود گذاشت. اما این فرار، ضعف او را از هرجهت عیان کرد: او که گویا



ولی امر است و نظر فقهی او بر فتاوی مراجع مقدم و حاکم است، چون می داند اعتباری برای نظر او نمانده است، سرانجام بخشیدن به ماجرای وقف دانشگاه آزاد، از سه روحانی خواست. بدین سان، خود و احمدی نژاد و حکومت او را بی وفور و اعتبار گرداند. جالب اینکه روز بعد از دادن حکم حکومتی، نماینده وابسته به جبهه اصولگرا، احمد توکلی، بار دیگر احمدی نژاد را در مجلس مورد حمله قرار داد و حتی تهدید به استیضاح توسط مجلس و دادن رای به عدم کفایت سیاسی او کرد.

● سرمایه های کشور را به باد فنا داد - بر هیچ کس پوشیده نیست که حمایت خامنه ای از احمدی نژاد زبان های مالی عظیمی را بر کشور وارد ساخته است؛ به خورد و برد رانت خواران درآمدهای نفتی و گشودن دروازه ها بر روی واردات و رساندن قاچاق به ۲۰ میلیارد دلار در سال و... و حتی خرید طلا و تقیر ارز از دلار به یورو و از یورو به دلار و چه در تحمیل هزینه های سنگین بحران هسته ای به کشور و...

- با اعلام فتنه عده بیشماری را از حاکمیت خارج ساخت - سید علی رهبر در جریان کودتای انتخاباتی تحت تأثیر حرفهای افرادی چون حسین شریعتمداری و یاران مستقر وی در بیت جریان اعتراضات مردمی را فتنه خواند و همین مسئله موجب دور شدن بسیاری از افراد حامی از گرد او گردید.

● بسیاری از همراهان سابق حاکمیت و مخالفان فعلی را به زندان افکند - سید علی خامنه ای برای حمایت از رئیس جمهوری دست ساز خود به ناچار مجبور به دستگیری بسیاری از سیاسیون و روحانیون حامی قبلی نظام ولایت فقیه شد. او زندانها را از کودتاچیان سال شصت پر کرد تا بتواند بر اقتدار پوشالی خود بیفزاید.

● فرمان برگزاری دادگاههای مضحک را صادر کرد - بعد از کودتای انتخاباتی، خامنه ای، همانند بعد از قتل های سیاسی که آمران و مأموران آنها را «قتلهای زنجیره ای» نامیدند، دستور برگزاری دادگاههای نمایشی را صادر کرد. این دادگاهها آنچه را که فرمایشی بود که به جز زبان برای وی و برگزار کنندگانش چیزی ببار نیاورد.

● * شکافها که اعمال خامنه ای در رژیم پدید آورده اند:

یکچند از شکافها که در رژیم ایجاد شده اند، بدین قرارند:

● بروز شکاف عظیم میان ولایت مطلقه فقیه و مراجع تقلید در قم و اصفهان و مشهد و نجف - عملکرد سید علی خامنه ای و حمایت او از حکومت منصوب خود، که کشیده شدن کار به حمله به بیت خمینی و خانه صافی منجر شد، سبب بروز شکاف میان سید علی و مراجع تقلید گشت. به گونه ای که بعد از سالها مراجع تقلید به صورت علنی به مخالفت با ولی مطلقه فقیه پرداختند و این مخالفت و اعتراض بعد از حمله به بیت صافی و دفتر منتظری و ممانعت از سخنرانی سید حسن خمینی و هتک حرمت ها به اوج خود رسید به گونه ای که حتی آیت الله سیستانی نیز، با اعزام نماینده خود به بیت آیت الله خمینی، از آنها دلجویی چون کرد. علاوه بر این، روحانیانی چون بیات زنجانی - وحید خراسانی - موسوی اردبیلی - دستغیب شیرازی - شبیری زنجانی - صافی گلپایگانی و حتی مکارم شیرازی نسبت به عمل انجام شده اعتراض خود را به گوش خامنه ای رساندند.

رژیم در گرداب بحران

ای جرات کند و تدبیری بکند، سپاه صحنه نزاع شده است: ● بروز جنگ در میان فرماندهان سپاه پاسداران - به جز جنگ قدرت میان سران حاکمیت و میان روحانیون و سیاسیون و امنیتی ها و اطلاعاتی ها، جنگ میان سرداران سپاه این روزها دارد شدت می گیرد. طبقه جدید فرماندهان جنگ طلب جبهه رفته و جبهه ندیده به سمت بن بست می روند و سید علی خامنه ای را هم با خود می برند.

اخبار به دست آمده از جلسه برخی فرماندهان سپاه و فحاشی به احمدی نژاد از سوی تعدادی از آنها که معتقدند عملکرد احمدی نژاد و بکار برده شدن سپاه در سرکوب مردم برای تحمیل او، موجب گشته است که نظر دشمن خود بیندازند. مهمترین رویداد، دور شدن فرماندهان عالی رتبه سپاه در دوران جنگ و سردارانی از سپاه است که سید علی خامنه ای به دلیل بی کفایتی و اصرار به حذف ها، مجبور به حذف آنها و قرار دادن مهره های دیگری به جای آنها شده است.

در طول یکی دو سال گذشته، سید علی خامنه ای، براساس گزارشها که به او می دادند، به این نتیجه رسید که می باید وارد جنگی طاقت فرسا با مردم شود. لذا پذیرفت برخی از فرماندهان سپاه را حذف کند و جای آنها را به کسانی بسپارد که آماده انجام هر گونه خشونت سبعانه ای هستند. اما عزل و نصبها اینک او را با مشکل روبرو کرده است.

در میان افسران صفی و ستادی سپاه چندین گروه مختلف وجود داشتند که تا قبل از کودتای ۲۲ خرداد ۸۸ سکوت گزیدند و سعی کردند خود را به بی اطلاع بزنند و وارد ماجرا نشوند. در عوض، شماری از سرداران سپاه از این کودتا عصبانی شدند. البته قبل از آن، سید علی خامنه ای با توجه به اطلاعاتی که مأموران اطلاعاتی به او می دادند، تغییراتی در میان فرماندهان سپاه ایجاد و جانیترین سرداران سپاه را در راس امور گمارده بود. در شمار این سرداران جانیکار کسانی هستند چون سعید قاسمی - محمد رضا تقدی - غلامحسین رضایی - مسعود جزایری - مجتبی ذوالنور - حسین طائب - احمد سالک کاشانی - علی فضلی - بدالله جوانی - جباری - عراقی - همدانی و...

در بین این سرداران مأمور سرکوب مردم، برخی ها سرداران جنگ دیده بودند که در دوران جنگ نیز در رده های بالایی قرار نداشتند و برخی از سرداران حاضر و مسئول، اصلا جنگ ندیده سردار سپاه شده اند. در طول این مدت، سید علی خامنه ای، با ایجاد تغییرهای فراوان در لشکرها - سپاه که با هدایت جعفری - فیروزآبادی - کوثری و همدانی صورت گرفت، شورتترین افراد موجود را به کار گرفت و افراد تا حدی موجه را از کار برکنار کرد به گونه ای که دیگر نامی از آنها در سپاه برده نمی شود.

با تگاهی گذرا به برخی از سرداران از کار برکنار شده یا از امور نظامی دور شده به خوبی می توان دریافت که چه افرادی مورد اعتماد «رهبر» در اجرای پروژه حذف نبوده اند: ● سردار سرلشکر محسن رضایی - محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران در دوران جنگ و دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و شریک کودتاچیان خرداد ۶۰ - اکبر سورپرایز و ایران گیت و ترورها، از جمله سردارانی است که مورد بی مهری سید علی خامنه ای و به خصوص محمود احمدی نژاد و برخی

سرداران رده های پایین تر و سرداران جبهه ندیده قرار گرفته است به گونه ای که در انتخابات دور گذشته وارد کارزار شد تا شاید بتواند مانع از ادامه کار احمدی نژاد شود. اما کیسه قلب خامنه ای بر تن وی نیز کشیده شد و او، به خصوص بعد از اینکه فرزند مشاور عالی اش در زندان کهریزک زیر شکنجه به قتل رسید، تازه متوجه شد دارد همان را می درود که کشته است. لازم به ذکر است که در حال حاضر محسن رضایی روابط خوبی با برخی فرماندهان دوران جنگ دارد.

● سردار سرلشکر مرتضی رضایی - فردی که حدود سی سال در راس اطلاعات سپاه قرار گرفته بود، دو سال قبل، با آمدن آخوندی به نام احمد سالک کاشانی و سرداری به نام غلامحسین رضایی و در نهایت معاونی به نام حسین طائب، دیگر محلی از اعراب برای وی نماند. در واقع، رهبری، دیگر به وی اعتماد نداشت و او را برکنار نمود. جالب اینکه مسئولیت دیگری به وی واگذار نشد. اینکه سردار سرلشکر مرتضی رضایی هم اکنون چه می کند؟ پاسخی جز این ندارد که کاره ای نیست.

● سردار سرلشکر غلامعلی رشید مسئول اطلاعات و عملیات سپاه ذوقول، جانشین ستاد عملیات جنوب، فرمانده قرارگاه فتح در عملیات بیت المقدس، مسئول عملیات قرارگاه مرکزی سپاه، معاون اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح و جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح. به دلیل نزدیکی با محسن رشید، مدتهاست که از وی خبری در سپاه نیست. با توجه به سابقه وی در فعالیت های قبل از انقلاب در گروههای سیاسی به نظر می رسد که توانسته است آن کاری را که از او خواسته شده است، تصدیق کند. مدتهاست که از او خبری نیست و وضعیت او در حال حاضر نیز نامعلوم است.

● سردار محسن رشید معاونت تحقیقات پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس - محسن رشید مسئول موسسه ایثارگران و رزمندگان، حامی میر حسین موسوی بود و به همین دلیل مورد بی مهری برخی از فرماندهان جنگ طلب سپاه واقع شد. اما او در میان نیروهای سپاه پاسداران حامیانی برای خود دارد.

● سردار دریا دار علی شمخانی - از جمله فرماندهان جنگ در طول مدت جنگ به جز دورانی که جهت حمایت از کودتای برضد بنی صدر به تهران آمد، در بقیه دوران جنگ در جبهه ها حضور داشت. او با توجه به نزدیکی به محسن رضایی و سید حسن خمینی، بعد از انتخابات و سرکوب ها، تا حدی خود را از حامیان جنگ کنار نگاه داشت و حتی در یک مناظره تلویزیونی به مجری آن تاخت و تازید. حامیان درگیری ها را افراد جبهه نرفته خواند و فتنه خواندن حضور مردم در تظاهرات را مردود دانست. او همواره چه در دوران بعد از جنگ و چه در دورانی که وزیر دفاع در حکومت سید محمد خاتمی بود، خود را از سیاست های تند روانه برخی سپاهیان دور نگاه می داشت و تنها به امور نظامی می پرداخت.

● سردار سرلشکر رحیم صفوی همایی ده سال فرماندهی سپاه را بر عهده داشت. فرماندهی وی، به دلیل روحیه ای که دارد، مناسب سرکوب نبود و سید علی قبل از دست زدن به سرکوب های جدید، وی را برکنار و با عنوان مشاور ارشد در کنار خود نگاه داشت تا در کنترل باشد. او هم مانند علی شمخانی در مصاحبه ای با خانن ندانستن بنی صدر رئیس جمهوری منتخب، دست بر نقطه حساس جنگ طلبان گذاشت و مورد بی مهری

سردارانی چون سعید قاسمی معاون قرارگاه ثارالله قرار گرفت. از وی و شمخانی به عنوان سردارانی که الزامی دارند یاد می شود.

● سردار سرلشکر محمد باقر قالیباف نیز از فرماندهانی بود که در انتخابات دوره قبل به دلیل خیانت مجتبی با محمود ای و بند و بست مجتبی با محمود احمدی نژاد نتوانست رای بیاورد و بعد از انتخاب احمدی نژاد، با وجود تمام مخالفت های احمدی نژاد، شهردار تهران شد تا هم تحت کنترل بماند و هم وی او را از نزدیک شدن به افسران سپاه، دور نگاه دارند. سردار سرلشکر قالیباف بعد از انتخابات مخالفت خود با احمدی نژاد را علنی تر نمود و در سخنرانی خود گفت: وی حتی یک روز به جبهه نرفته و اطرافانش مسئله دار هستند. تازه ترین اقدام او، مصاحبه همشهری با پالیزدار است.

او که مسئولیت نشریه همشهری را بر عهده دارد با قرار دادن نیروهای سپاهی نزدیک خود مانند سردار محمد تقی فروتن و سرهنگ علی اصغر محکی و... این نشریه را در اختیار نیروهای سپاهی نزدیک خود قرار داده است تا هم معلوم کند در سپاه طرفدار دارد و هم از همشهری برضد احمدی نژاد استفاده کند. پالیزدار این بار گفته است احمدی نژاد به او وعده وزارت داد و تحریک کرد بر ضد هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری و... صحبت کند.

● سردار مقدم - از فرماندهان سپاه که به دلیل همکاری با فرزند پهلوی و الوری در جریان بررسی و شناسایی خانواده های کشته داده و مجروح شده دستگیر و با ضرب و شتم به زندان انداخته شد. افسران سپاه که به تازگی دستگیر شده اند از نزدیکان سردار مقدم هستند.

● سردار علی لاریجانی از جمله سردارانی بود که از سپاه خارج و وارد سیاست شد. با توجه به اطلاعاتی که از قرائت آراء داشت، در اولین ساعات بعد از پایان رای گیری، طی پیامی تلفنی به میر حسین موسوی تبریک گفت. اما با قلب بزرگی که شد، وی ناچار از اتخاذ موضع مبهمی شد که خوشایند خامنه ای نبود. اما به دلیل سرسپردگی، رئیس مجلس باقی ماند.

پس از آن که او و دو برادرش مورد حمله احمدی نژاد شدند، مخالفت با احمدی نژاد را علنی کرد. تصویب طرح دانشگاه آزاد موجب شد که تعدادی از همان نیروهای دست ساز سپاه و شخصی پوش، با برنامه ریزی سردار کوچک زاده و سردار کوثری و حسینیان به درب مجلس آمدند و وی را به باد فحاشی گرفتند. جالب اینکه در نماز جمعه قم نیز چماقداران بر ضد وی دست به تظاهرات زدند تا به او بفهماند که در فهرست حذف شوندگان قرار دارد. همانگونه که سردار مشفق در سخنرانی خود گفته بود.

● سردار عباس دوزدوزانی از سرداران اسبق جنگ که سالهاست که در صف مخالفان ولایت خامنه ای قرار گرفته اما روابط خود را با فرماندهان جنگ حفظ کرده است، او نیز در انتخابات جانب اصلاح طلبان را گرفت و از آنها حمایت کرد.

● سردار بختیاری نژاد از سردارانی است که بعد از وقوع قلب انتخاباتی بزرگ، به صراحت دست به انتقاد از حاکمیت و تقلب انتخاباتی زد.

● سردار مسعود حجازیان کاشانی - (معاونت مهندسی وزارت سپاه، ریاست دانشگاه امام حسین (ع) و معاونت اقتصادی و برنامه ریزی محسن رفیق دوست در بنیاد مستضعفان و جانبازان) وی به دلیل اینکه برادر سعید حجازیان است، مورد بی مهری قرار گرفته است. علاوه بر این، در برخی جلسات، او صحبت هایی کرد که خوشایند



کودتاجیان نشد و بهتر دیده شد وی گوشه دنجی رانده شود.

● سردار صنیعی - برادر سردار صنیعی بزرگ که به دلیل مخالفت با کودتای انتخاباتی در برخی محل ها بر ضد کودتا چنان سخنرانی می کند. لذا او نیز مورد بی مهری برخی فرماندهان قرار گرفته است.

● سردار هدایت الله لطفیان - فرمانده اسبق نیروی انتظامی که در حمله به خوابگاه دانشگاه در ۱۸ تیر، دخالت داشت. بعد از آن از این مقام برکنار شد. تنها در برخی مواقع به عنوان مشاور در اختیار سپاه است. او نیز به دلیل برخی نظرات و مخالفت ها در حال حاضر از کلیه امور برکنار شده و شایع است که به کار تعویض روغن اتومبیل اشتغال دارد.

● سردار محمد باقر ذوالقدر زمانی از سرداران مورد تأیید خامنه ای بود. بعد از تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ و به ریاست جمهوری رسیدن احمدی نژاد که او تقلب را «عملیات پیچیده» توصیف کرد، در وزارت کشور پور محمدی به وزارت کشور منتقل شد و معاون امنیتی آن وزارت شد. اما مورد بی مهری احمدی نژاد و باران وی قرار گرفت و مجبور به خروج از این وزارتخانه و بازگشت به سپاه شد. در آنجا دیگر کاری برای وی در نظر گرفته نشد زیرا مشاور رئیس قوه قضاییه شده است.

● افرادی مانند رضا سیف اللهی و رضا امراللهی و... هم اکنون در چه کاری هستند، پرسشی است بی پاسخ زیرا در سپاه نامی از آنها برده نمی شود.

● بنا بر آخرین اطلاع - هنوز تأیید نشده - سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس قرار است تعویض شود. گفته می شود که چون رژیم تکران حمله به ایران است و سپاه قدس می باید از انسجام و فرماندهی قوی برخوردار باشد، او تغییر سمت داده می شود. اما در صورتی که تغییر داده شود، علت واقعی مناسبات خوب او با هاشمی رفسنجانی است.

انقلاب اسلامی: تنها رؤسای جمهور آمریکا نیستند که دست آموز اسرائیل شده اند، به شهادت اکبر سورپرایز و ایران گیت و جنگ ۸ ساله، نخست ملاتاریا و سپس مافیاهای نظامی - مالی دست آموز اسرائیل بوده اند و هستند:

از دست آموز شدن رؤسای جمهوری آمریکا توسط اسرائیل تا تحول افکار عمومی آمریکا:

انقلاب اسلامی: قسمت اول این تحقیق که مرگان استراک انجام داده و در سایت کنسرسیوم به تاریخ ۳۱ مه انتشار یافته است را در شماره ۷۵۲ از نظر خوانندگان گذرانیدیم. در این فاصله، سنجش افکاری در آمریکا، در این باره که آیا وجود اسرائیل آمریکا را امن تر می کند و سنجش دیگری در باره تجاوزهای مستمراسرائیل به حقوق مردم فلسطین انجام گرفته اند. هر دو گویای تحولی مهم در طرز فکر مردم آمریکا هستند. بخصوص که هم اکنون، برخی از سناتور های آمریکایی حامی حمله نظامی اسرائیل به ایران شده اند و بشار اسد نیز به این نتیجه رسیده است که سیاست

رژیم در گرداب بحران

بودند، او از فشارها و فریبها مصون نماند.

در حقیقت، از آنجا که بگین خود را شریک در پیروزی ریگان، در انتخابات ریاست جمهوری، می دانست و احساس می کرد حکومت جدید حامی اسرائیل است، میزان گستاخی خویش را بالا برد. در ۱۹۸۱، اسرائیل جناتان پولارد، تحلیل گر اطلاعاتی نیروی دریایی آمریکا را بعنوان جاسوس، به استخدام خود در آورد. او مأموریت داشت عکسهایی را بدست آورد و در اختیار اسرائیل بگذارد که قمرهای مصنوعی آمریکا می گرفتند. از قرار، پولارد آنبوهی از اطلاعات سری را در اختیار اسرائیل می گذارد و اسرائیل برخی از این اطلاعات را بخاطر جلب حمایت مسکو، به شوروی سابق می دهد. بگین، همچنین، احساس می کند که نسبت به دشمنان عرب اسرائیل، دست بالا را پیدا کرده است. توجه خود را به لبنان معطوف می کند که پایگاه سازمان آزادیبخش فلسطین در این کشور بود.

● جنگ لبنان:

وقتی سیا ریگان را آگاه کرد که اسرائیل قوای خود را در مرز لبنان متمرکز کرده است، ریگان تلگرافی برای بگین فرستاد و از او خواست به لبنان حمله نکند. اما بگین خواست ریگان را نادیده گرفت و روز بعد، ۶ ژوئن ۱۹۸۲، لبنان را به تصرف قوای اسرائیل درآورد.

همانطور که قوای اسرائیل پیشروی می کردند، ریگان خواست که جنگ میان قوای اسرائیل و سازمان رهایی بخش فلسطین متوقف شود. اما اسرائیل مصر بود که تا می تواند افراد این سازمان را بکشد. اسرائیل با این ادعا که جنگ بخاطر دفاع از خود است، اصرارها بر اعلان آتش بس را ناشنیده گرفت.

ریگان به بگین گفت: وقتی جنگ با افراد سازمان رهایی بخش فلسطین، ۱۴ ساعت متوالی بمباران به دنبال آورده است، چگونه شما می گوئید از خود دفاع می کنید؟! عکس کودک سوخته لبنانی، روی میز ریگان، قرار گرفت تا یادآور تراژدی لبنان باشد. همه شب، مردم آمریکا فیلمهای بمبارانهای بیروت را که از تلویزیون ها پخش می شدند، می دیدند. عکسهایی گشته شدگان و تن های متلاشی کودکان را مشاهده می کردند. این شد افکار عمومی موافق مجبور کردن اسرائیل به متوقف کردن جنگ شدند.

وقتی ریگان به اسرائیل هشدار داد هرگاه به حمله بدون تمیز به بیروت دست نکند، مجازات خواهد شد. اما ارتش اسرائیل بدون اعتناء به این اخطار، به کشتار و ویرانگری ادامه داد... بگین گفت: «هیچکس نمی تواند اسرائیل را وادار کند در برابرش زانو بزند. شما می باید هیچگاه از یاد نبرید که اسرائیل، جز خدا، به احدی نیاز ندارد. هیچکس حق ندارد بما درس انسان دوستی بدهد». حکومت بگین تراژدی لبنان را فرصتی گرداند برای آنکه از طرفداران آمریکایی اسرائیل، حمایت ویژه مطالبه کند...

● کشتار صبرا و شتیلا:

توپخانه اسرائیل بر شدت آتش خود افزود. این بار قسمتی از بیروت را زیر آتش شدید گرفت که جمعیتی آنبوه و متراکم داشت. خانه ها و مغازه ها را ویران و کوچک و بزرگ را یاد کشت. اردوگاه پناهندگان فلسطینی زیر شدید ترین آتشفشان قرار گرفت. سرنجام، با آتش بس موافقت کرد به این شرط که یاسر عرفات و جنگجویان سازمان رهایی بخش فلسطین خاک لبنان را ترک کنند. آمریکا تصمیم گرفت که زنان و بچه های فلسطینی

که در اردوگاهها باقی می ماندند، از تعرض مصون بمانند. در اوت ۱۹۸۲، سازمان رهایی بخش، لبنان را ترک گفت و ستاد آن در تونس استقرار جست.

و باز، اسرائیل دست از جنایت نشست: در ۱۶ سپتامبر ۸۲، جنگجویان مسیحی لبنان که متحد اسرائیل بودند، اردوگاه فلسطینیان در صبرا و شتیلا شدند و بمدت ۳ روز کشتار کردند. بیشتر کشته ها زنان و کودکان بودند. اسرائیل شمار کشته ها را ۴۰۰ و فلسطینی ها ۱۰۰۰ تن گفتند. بدین سان، اسرائیل تصمیم آمریکا را نیز به چیزی نشمرد. قوای دریایی آمریکا که برای نظارت بر تخلیه لبنان از سوی سازمان آزادی بخش فلسطین، در آبهای لبنان مستقر شده بودند، بازگشته بودند. اما در پی کشتار صبرا و شتیلا، بازگشتند و تفتنداران آمریکا در فرودگاه بیرون و حوالی آن مستقر شدند.

سال بعد، قوای آمریکا به جنگ داخلی لبنان کشانده شدند. در ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۳، مک فارلین، مشاور امنیتی ریگان که از هواداران اسرائیل بود، به نیروی دریایی آمریکا دستور داد بخش مسلمان نشین لبنان را بمباران کند... در واکنش به این حمله، در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳، دو مسلمان شیعه، سوار بر دو کامیون انباشته به محل انفجاری، وارد دو بنا شدند یکی مستقر قوای فرانسه و دیگری محل استقرار تفتنداران دریایی آمریکا و کامیونها را منفجر کردند. پراثر دو انفجار، ۲۴۱ آمریکایی و ۵۸ فرانسوی کشته شدند. در هفته های بعد، نظامیان آمریکایی مستقر در فرودگاه بیروت زیر حمله های شیعه ها قرار گرفتند و غیر نظامیان آمریکایی با مورد آزار قرار گرفتند و یا به گروگان گرفته شدند. در ۷ فوریه ۱۹۸۴، ریگان اعلام کرد قوای آمریکا را از لبنان بیرون می برد...

در... ششده زمانه را ببین! به گروگان گرفتن آمریکاییان در بیروت، سبب شد که اسرائیل فرصت را برای ایفای نقش مغتنم بشمارد: اسرائیل با استفاده از ادراتهای خود در ایران، از رژیم آیت الله خمینی خواستار با درمیانی برای آزاد کردن گروگانهای آمریکا توسط شیعه های لبنان شد.

فروشنندگان اسرائیلی اسلحه و محافظه کاران جدیدی چون مایکل لودین، بعنوان واسطه، بکار گرفته شدند تا معامله فروش اسلحه به ایران در ازای آزاد کردن گروگانهای آمریکایی در لبنان را انجام دهند. ریگان با این معامله موافقت کرده بود و مک فارلین بر انجام آن نظارت می کرد. با وجود این، فروشنندگان اسلحه از طریق اسرائیل، ناتوان شدند از آزاد کردن تمامی گروگانهای آمریکایی در لبنان. در سال ۱۹۸۶، اقتضای از پرده بیرون افتاد و بدترین اقتضای شد که حکومت ریگان ببار آورد. این اقتضای ایران گیت نام گرفت.

انقلاب اسلامی: حمله اسرائیل به لبنان، از پیش برنامه گذاری شده بود. یاسر عرفات، در تهران، دیدارها با خمینی و بنی صدر، از طرح آکاردئون سخن گفت و استدلال کرد که ادامه جنگ ایران و عراق و استقرار ریگان در کاخ سفید، فرصت شده است برای اسرائیل و می خواهد با استفاده از این فرصت، به لبنان حمله کند و سازمان رهایی بخش فلسطین را از میان بردارد. نام نقشه جنگی، آکاردئون است. خمینی نه تنها هشدار او را نشنید، با کودتای در خرداد ۶۰، فرصت خاتمه جنگ را از میان برد و در سود اسرائیل و انگلستان و آمریکا، جنگ را بمدت ۸ سال ادامه داد.

● نوریگا و هرری:

اسرائیل گرچه در دسرها برای ریگان فراهم آورد، اما به حکومت ریگان در اجرای سیاست نیز کمک رساند. توضیح این که فروشنندگان اسلحه و ماموران اطلاعاتی اسرائیل بمدد حکومت ریگان در سامان دادن عملیات پنهانی فروش اسلحه به کنتراهای نیکاراگوا و سازمان دادن قتل رهبران ساندینیستها آمدند که بر نیکاراگوا حکومت می کردند.

جورج بوش که معاون رئیس جمهوری بود با دیکتاتور پاناما، مانوئل نوریگا، دیدار کرد. نوریگا شریک و همکار تلقی می شد. او پاناما را مجرای جریان اسلحه و پول به کنتراها کرد که برضد حکومت ساندینیستها می جنگیدند. یکی از ارشد ترین دستیاران عملیاتی نوریگا، مایکل هرری Harari بود. او تیم آدمکشی اسرائیل را رهبری می کرد و بعنوان رئیس گروه موساد در مزیکو خدمت می کرد. در پاناما، هرری واسطه اسرائیل با نقشی کلیدی در ارسال اسلحه برای کنتراها و تعلیم افراد آنها شد.

اما نوریگا و هرری کار دیگری نیز می کردند و آن سازمان دادن به قاچاق کواکابین به آمریکا بود. وقتی نقش این دو در امریکا فاش شد، بوش که اینک رئیس جمهوری آمریکا بود، زیر فشار شدید سیاسی، ناگزیر شد به پاناما حمله کند و رژیم نوریگا را براندازد و خود او را دستگیر کند و به آمریکا بیاورد.

انقلاب اسلامی: نوریگا نخست در آمریکا به ۲۰ سال زندان محکوم شد. بتازگی او را به فرانسه، برای محاکمه شدن، انتقال دادند و ۷ ژوئیه ۲۰۱۰، به ۷ سال زندان محکوم شد. آیا دست نشاندگان عبرت می گیرند؟

اما هرری با خود رو سفارت اسرائیل از عمر که بیرون برده شد و با یک پرواز دیپلماتیک، با گذرنامه دیپلماتیک، به اسرائیل بازگردانده شد. حکومت آمریکا تقاضای تحویل او را کرد اما اسرائیل وقتی به این تقاضا نپردازد، لابی اسرائیل بکار آن می آمد و می آید که هر زمان، سیاست آمریکا مصالح آمریکا را به خطر انداخت و زبانه به انتقاد باز شدند، زبان انتقاد کنندگان را با برچسب ضد یهود ببندند و هرگاه، تحقیقات پیرامون عملیات مخفی اسرائیل خواست اقتضای را بر ملاء کند، با تهدید، مقامات تعقیب کننده را ناگزیر کند پرونده را به بایگانی بفرستند.

نویسند، شرح می دهد چسان اسرائیل مانع به نتیجه رسیدن کوشش کلیتون، رئیس جمهوری آمریکا، بعد از ریگان و بوش شد: مشاوران کلیتون به او گفتند: نتان باهو مردی دروغگو و دغل است. وقتی زبان باز می کند، شما باید مطمئن باشید که جز دروغ از آن بیرون نمی آید. در ۱۹۹۹، کلیتون کوشید و با عرفات را با راه حلی موافق کند. در ۲۳ بتامبر ۱۹۹۹ توافق بعمل آمد. بنا بر آن، اسرائیل می باید از خانه سازی در سرزمینهای اشغالی دست می بستاند اما اسرائیل نه خانه سازی را پایان داد و نه از خراب کردن خانه های فلسطینی و محدود کردن امکان آمد و شد فلسطینیان دست برداشت. سرنجام، کلیتون از حل مسئله فلسطین ناتوان شد.

● دست آموز کردن بوش (پسر):

در ۲۰۰۱، وقتی بوش بعنوان رئیس جمهوری در کاخ سفید مستقر شد، دنیا به کام اسرائیل گشت. بخلاف بوش پدر که به اسرائیل به دیده سوء ظن می نگریست و با دولتهای عرب صاحب ثروت نفت سر و سر داشت، بوش پسر جانبدار بی قید و شرط اسرائیل بود. به محافظه کاران جدید جوان که ریگان برکشیده بود، بوش اداره سیاست آمریکا در خاورمیانه را سپرد. کسانی چون ایوبت آبرامس را در شورای امنیت ملی و پل ولفویتز و



دوگلاس فیث را در وزارت دفاع، و لوئیس لیبای Libbay را در دفتر، دیک چنی، معاون ریاست جمهوری، مقام بخشید.

محافظه کاران جدید سیاست آمریکا را در خاورمیانه در اختیار گرفتند برای اجرای نقشه ای که داشتند. این نقشه را محافظه کاران جدید، که پرل و فیث در شمار آنها بودند، در ۱۹۹۶، تهیه کرده بودند. نام نقشه

Clean Break: A New strategy for Securing the Realm نقشه برانداختن همه دولتهای خصم اسرائیل بود.

معنی «Clean Break» این بود که می باید فکر برقراری صلح در منطقه را، از راه راضی کردن دو طرف به سازش، از سر بدر کرد. بجای آن، «استقرار صلح از راه اعمال قدرت»، از جمله بکار بردن زور برای سرنگون کردن دولتهای مخالف منافع اسرائیل، فکر راهنما می گشت. بدین سان، سرنگون کردن رژیم صدام که سرنگونی آن «یکی از هدفهای استراتژیک بزرگ اسرائیل» خوانده می شد، در دستور کار قرار گرفت. پس از آن، نوبت رژیم اسد می شد که باید جای به رژیمی مساعد با منافع اسرائیل، می داد. لبنان نیز به ارتش اسرائیل سپرده می شد تا حزب الله را از میان بردارد. از میان برداشتن حزب الله نفوذ ایران را در لبنان و سرزمینهای اشغالی فلسطین کاهش می داد.

اما سرنگون کردن رژیم صدام در توان اسرائیل نبود. اسرائیل توانایی نظامی و اقتصادی لازم برای این کار را نداشت. تلفات جانی اسرائیل نیز سنگین می شد. لذا، کار را می باید ارتش آمریکا بر عهده می گرفت و بر عهده گرفت. برای این کار لازم بود که بوش و حکومت او و کنگره با حمله آمریکا به عراق موافقت کنند. تروهرای ۱۱ سپتامبر، شرایط و جوی سیاسی را برای تحویل این موافقت، فراهم آورد.

بوش و محافظه کاران جدید توانستند کنگره و افکار عمومی را با جنگ با عراق موافق کنند... به دنبال جنگ، بررسی در زبان شوخی محافظه کاران جدید، از یکدیگر، بعمل می آوردند: حالا نوبت ایران است و با نوبت سوریه؟ و به این پرسش پاسخ می دادند: نوبت ایران است:

● بعد از عراق، نوبت ایران است: در این میان، اسرائیل در کار آن بود که بیشترین اطلاعات را از درون حکومت بوش در باره هدف بعدی حمله آمریکا بدست آورد. هدف دلخواه ایران بود. در ۲۷ اوت ۲۰۰۴، CBS News خبری در باره تحقیق اف بی آی در باره شخصی که در وزارت دفاع آمریکا، بسود اسرائیل جاسوسی می کند. نام این شخص لورنس فرانکلین بود. او اعتراف کرد که مدارکی مربوط به سیاست خارجی آمریکا در باره ایران را به لابی قدرتمند اسرائیل در واشنگتن، یعنی کمیته امور عمومی آمریکا - اسرائیل (AIPAC) داده است. بنا بر شواهد اف بی آی، او این مدارک را به استو روزن، مدیر سیاسی این لابی و کیت وایسمن، تحلیل گر سیاسی AIPAC می داده است.

در ۳۰ اوت ۲۰۰۴، مقامات اسرائیل پذیرفتند که فرانکلین مکرر با نائور جیلون رئیس قسمت سیاسی سفارت اسرائیل و متخصص برنامه های اتمی ایران، در واشنگتن دیدار کرده است. فرانکلین به ۱۲ سال و ۷ ماه زندان محکوم شد اما به مأمور سفارت اسرائیل و لابی AIPAC از گل نازک نرگفته شد.

... طی دو سال اخیر، اسرائیل برای این که تسلیحات اتمیش توجیهی را به خود جلب نکنند، توجه ها را متوجه

رژیم در گرداب بحران

نظامی - مالی از عوامل قدرت گرفتن اسرائیل و رفتار سلطه جویان دولت اسرائیل و پی گرفتن سیاست تجزیه کشورهای منطقه بوده است.

تحول افکار عمومی آمریکا در باره اسرائیل: وجود اسرائیل عامل زیست در صلح و سلم امریکائیان و یهودیان نیست:

◀ در ۴ ژوئیه ۲۰۱۰، تادوس روسل، در **Daily Beast** مقاله ای انتشار داده است که چکیده آن اینست: او با ما نخستین رئیس جمهوری آمریکا است که این اقبال را یافته است که این پرسش را، در دیدار ۶ ژوئیه نتان یاهو از کاخ سفید، از او بعمل آورد: آیا وجود اسرائیل عامل زیست امریکائیان و یهودیان در صلح و سلم است یا خیر؟ چرا که این پرسش، پرسش مالیات دهندگان امریکائی است. از زمان ایجاد اسرائیل، بخشی از مالیاتی که می پردازند، به اسرائیل می رود. پرسش آتهائی هم اجداد یهودی داشته اند هست زیرا مدام گرفتار پی آمدهای سیاستهای اسرائیل هستند.

در حقیقت، تا سال ۱۹۶۸ (قتل ادوارد کندی نامزد ریاست جمهوری توسط یک فلسطینی) که امریکا حامی اصلی اسرائیل شد، هیچ عمل تروریستی از سوی عربهای مسلمان بر ضد امریکا انجام نگرفته بود. در زمان ایجاد اسرائیل در ۱۹۴۸، جیمس فورستال James Forrestal وزیر دفاع آمریکا و ژرژ مارشال وزیر خارجه

امریکا و ژرژ کنان که استرژای وزارت خارجه را تهیه می کرد، با باز شناختن اسرائیل مخالف بودند و ایجاد این دولت را آغاز عملیات تروریستی برضد امریکا می دانستند. با وجود این، حکومت امریکا دولت اسرائیل را برسمیت شناخت.

از آن زمان بدین سو، امریکا بیشتر از ۱۰۰ میلیارد دلار به اسرائیل کمک کرده است. ۱۵ هزار اسرائیلی و ۵۰۰۰ امریکائی کشته شده اند. سازمان القاعده یکی از سازمانهای تروریست است که ایجاد شده اند. کار بجائی رسیده است که امروز، ژنرال پترائوس، فرمانده قوای امریکا در خاورمیانه می گوید: سیاست تجاوز آمیز اسرائیل در فلسطین، عامل بزرگ عضوگیری سازمانهای ضد امریکائی است. و

● در ۶ ژوئیه ۲۰۱۰، نتایج یک نظر سنجی، در امریکا، برای پی بردن به نظر مردم امریکا نسبت به اسرائیل و سیاستهایش، انتشار یافته است. بنا بر آن،

● ۵۶ درصد امریکائیان بر این نظر هستند که غزه گرفتار یک بحران انسانی از رهگذر محاصره اش توسط اسرائیل است. و ۴۳ درصد از امریکائیان این مردم را گرفتار گرسنگی تحمیلی می دانند.

● طرفه این که تنها ۳۴ درصد از امریکائیان از حمله اسرائیل به کشتی حامل کمکهای انسان دوستانه به مردم غزه حمایت می کنند حال آنکه ۷۱ درصد از اعضای کنگره، زیر فشار لابی اسرائیل (AIPAC)، از این حمله حمایت می کنند!

● تنها ۲۰٪ امریکائیان اعلان کاستن از شدت محاصره غزه توسط اسرائیل را کافی می دانند.

انقلاب اسلامی: بدین سان، نظر مردم امریکا در باره اسرائیل و بخصوص سیاست حکومت ائتلافی به ریاست نتان یاهو، تغییر کرده است. هرگاه کشورهای عرب و مسلمان سیاست قاطع و متحدی را در پیش گیرند و به جای آنکه موافقت و یا مخالفت با این و آن گرایش فلسطینی را اساس سیاست خود کردن، حقوق مردم فلسطین را پایه سیاست خود کنند و بر سر این حقوق استوار بایستند، انزوای اسرائیل کامل و امکان رسیدن فلسطینیان، دست کم، به بخشی از حقوق خویش فراهم می شود. اما راستی اینست که رژیمهای کشورهای مسلمان، به بنای خود تقدم مطلق می بخشند و چون سیاستهای تجاوز گرانه اسرائیل را مساعد بقای خود می بینند، هر کار که گرایشهای راست اسرائیل لازم دارند، انجام می دهند. بیشتر از همه، رژیم مافیهای نظامی - مالی ایران که چون تحریم را فرصت خورد و بردهای بزرگ می داند، اسباب آن را فراهم کرده است:

اقتصاد ورمی شکند زیرا ملت صاحب خانه نیست و همسایه ها صاحب خانه او می شوند:

* دولت ورشکسته: حجم بدهی دولت به بانکها به ۱۲۷ میلیارد دلار رسید

◀ در ۱۸ تیر ۸۹، به گزارش سحام نیوز، حجم بدهیهای دولت احمدی نژاد به نهادهای داخلی و خارجی، به ۱۲۷ میلیارد دلار رسیده است. دولت می کوشد با افزایش مالیات اصناف و قطع یارانه بنزین و نان، بدهیها را کنترل کند، اما این تدابیر زمینه ساز نا آرامیهای تازه است.

● برپایه آخرین گزارش بانک مرکزی، میزان بدهیهای دولت و شرکت های دولتی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۸۸ به بیش از ۵۴ میلیارد دلار رسید. یعنی نسبت به یک سال پیش از آن ۲۱ درصد افزایش یافت.

● در فاصله بهمن ۱۳۸۷ تا بهمن ۱۳۸۸ دولت و شرکت های دولتی توانستند ۳ درصد از بدهیهای خود به بانک مرکزی بکاهند و آن را به حدود ۱۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برسانند. اما در همین مدت، بدهی دولت و شرکت های دولتی به بانکهای تجاری ۱۵ درصد افزایش یافت.

● آفتاب نیوز به استناد گزارش بانک مرکزی مجموع بدهیهای دولت را به بانکها و نهادهای داخلی و خارجی حدود ۱۲۷ هزار میلیارد تومان (۱۲۷ میلیارد دلار) اعلام کرده است.

● در گزارش بانک مرکزی به این نکته اشاره شده است که بانکها از وصول ۴۰ میلیارد دلار مطالبات خود عاجز مانده اند. به گزارش "آفتاب نیوز"، بیشترین بدهکاران را دولت و شرکت های دولتی تشکیل می دهند. بازپرداخت نشدن بدهیهای دولت به بانکها، سبب شده که بانکها از

تأمین اعتبار برای پروژه های اقتصادی عاجز بمانند و این امر سبب کاهش تولید و اشتغال شده است.

● آفتاب نیوز در تفسیری بر بدهیهای دولت می نویسد: «بودجه امسال دولت حدود ۶۰ هزار میلیارد ریال کسری دارد. یعنی مصارف دولت بیش از درآمدهای آن است. به این ترتیب، دولت نه توان پرداخت بدهیهای خود را خواهد داشت و نه توان کنترل درآمدها و مخارج خود را دارد.»

● دولت به قصد کاستن از بدهیهای خود، در شرایطی که تحریمهای خارجی تنگناهای شدیدی برای مردم ایجاد کرده اند، تصمیم به حذف یارانه بنزین، گندم و بسیاری دیگر از کالاهای مورد نیاز مردم گرفته است. همزمان، دولت تصمیم داشت ۷۰ درصد بر مالیات اصناف و بازاریان بیافزاید.

این اقدامات، پائیزی سخت را در برابر مردم ایران قرار داده است که می تواند با گسترش ناراضیها، اعتصابها و اعتراضهای گسترده را بیار آورد. نخستین نشانه، در اعتصاب بازار تهران آشکار شده است. این اعتصاب از روز ۱۵ تیرماه آغاز شد. یک روز پس از آن، محمد علی ضیغمی، معاون وزیر بازرگانی، اعلام کرد که افزایش ۷۰ درصدی مالیات اصناف در دستور کار نبوده است. در حالی که به گفته نمایندگان اصناف، این تصمیم در دومین روز اعتصاب، شورای اصناف ۳۰ درصد از آن کاست.

● آنچه بر اقتصاد داخلی ایران اثر بسیار ویرانگری می نهد، افزایش بهای بنزین خواهد بود. یارانه دولتی بنزین از آغاز پائیز امسال قطع می شود. به گزارش رسانه های داخلی، گروه هدفمند کردن یارانهها تاکنون سه پیشنهاد برای افزایش بهای بنزین دریافت کرده است. اما آفتاب نیوز می نویسد که به احتمال زیاد، هر لیتر بنزین، به قیمت ۶۵۰ تومان در اختیار مصرف کنندگان قرار خواهد گرفت. این، شش و نیم برابر نرخ فعلی بنزین سهمیه ای و ۲۵۰ تومان بیش از بنزین آزاد فعلی است.

نرخ بنزین یکی از شاخصهای تعیین کننده برای کاهش و افزایش بهای سایر کالاهای مصرفی است. به این ترتیب، افزایش بهای بنزین در پائیز، روند گرانی را، که هم اکنون نیز یکی از مشکلات بزرگ مردم ایران است، تشدید خواهد کرد و زمینه ساز اعتراضات و ناآرامیهای تازه خواهد بود.

● دولت همزمان تصمیم گرفته است یارانه گندم را نیز در پائیز کاهش دهد. این امر سبب خواهد شد که قیمت نان، در سطحی قابل توجه افزایش یابد. در حال حاضر مهم ترین وسیله تغذیه خانوادهای کم درآمد ایران است.

● ممنوعیت پرواز دو سوم از هواپیماهای جمهوری اسلامی به کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز، سبب خواهد شد که شرکت های هوایی خارجی با تراکم مسافر روبرو شوند و نرخ پرواز را افزایش دهند.

مجموعه این عوامل، مردم ایران را ناآرام قرار داده است.

* اقتصاد ایران زیر سقف کاغذی و باران مشکلات که بر آن می بارد:

◀ در ۱۵ تیر ۸۹، به گزارش ایلنا: فعالان اقتصادی هنوز صورتشان از شدت سوزش سیلی نورم همراه با رکود اقتصادی رها نشده که شرایط



جدیدی همچون تحریم‌های تحمیلی، کمبود منابع بانکی، رکود جهانی، کاهش صادرات، افت شاخص‌های بازار داخلی، شتاب خروج سرمایه و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی نیز وزن نارسایی‌های اقتصادی را بیشتر و عرصه را تنگ‌تر می‌کند.

این البته همان موضوعی است که از ماه‌ها و سال‌ها گذشته بسیاری از فعالان بخش خصوصی و کارشناسان مستقل اقتصادی نسبت به آن هشدار داده بودند. فضایی که از ماه‌ها پیش اقتصاد را در شرایط سختی قرار داده است.

بدون تعارف، اکسیژن اقتصادی ایران در حال پایان است و زودتر از آنچه که تصور می‌رفت نفس‌های پریده فعالان اقتصادی، کم توان‌تر خواهد شد. این یک ادعا نیست و نمی‌توان آن را سیاه‌نمایی تلقی کرد بلکه واقعیتی است که امروز بسیاری از دست‌اندرکاران اقتصادی از آن سخن می‌گویند.

در روزگاری که بسیاری از نگاه‌ها و کارخانجات بخش خصوصی در آستانه ورشکستگی ایستاده‌اند و با زیر ظرفیت به فعالیت مشغول هستند وزیر صنایع و معادن از افزایش تعداد واحدهای تولیدی در طی ۵ سال گذشته خبر می‌دهد.

شاید به قول برخی از کارشناسان، منظور محرابیان افتتاح ساختمان واحدهای تولیدی بدون فعالیت است و شاید با این لوکیشن‌های تولیدی مسئولین صنعتی دل خوش باشند که روزی صنعت کشور در آنها جریان یابد.

اما شرایط برای تولیدکنندگانی که در ویرانه‌های اقتصادی با چک‌های برگشتی دست به گریبان هستند امید را نیز به گونه‌ای دیگر تعبیر کرده است. آنها فقط آرزوی روزی را دارند که اقتصاد از مناسبات سیاسی و پارکری‌های سیاسی جدا شود و کارکرد واقعی خود را به دست آورد.

البته به نقل از پدرام سلطانی، عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، وجود پدیده‌ای به نام چک‌های برگشتی موضوعی طبیعی است چرا که در شرایط رکود تورمی، اقتصاد ایران چنان نابسامان است که نسبت چک‌های برگشتی به ۱۰۷ درصد رسیده، نسبتی که در ۳۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. همین مساله در کنار تند شدن ضرابهنگ ورشکستگی، اقتصاد کشور را از شعارها و وعده‌های رسمی جدا کرده و پشت و پیرین قرار داده است.

اما هنوز واحدهایی هستند که به کمک بارانه و دیگر کمک‌های دولتی در فضای ملتهب اقتصادی کشور هر چند نفس می‌کشند اما ریتم نفس آنان کند است.

فعالان اقتصادی زیر سقف کاغذی هستند و باران مشکلهای بر این سقف فرو می‌ریزند.

*** فاجعه‌ای که رژیم، منابع نفت و گاز را با آن روبرو کرده است: آیا ایران تا ۵ سال آینده توان صدور نفت را از دست می‌دهد؟**

در ۱۰ تیر، فرارو گزارش کرده است: چند روز پیش خبری منتشر شد که نشان می‌داد عراق در حال پیشی گرفتن از ایران در تولید نفت است و احتمالاً جایگاه ایران را اشغال خواهد نمود. به همین منظور به گفتگو با سیدعماد حسینی، نماینده مردم قروه و سختگوی کمیسیون انرژی پرداختیم. سیدعماد حسینی معتقد است این امر اتفاق خواهد افتاد. وی جانش اصلی را عدم سرمایه‌گذاری در حوزه نفت

می‌داند و معتقد است در صورت قوت یافتن این مشکلات حتی تولید سهمیه اوپک و تامین نیازهای پالایشگاه‌ها با مشکل مواجه خواهد شد.

سال‌ها پیش یک تحلیل‌گر جغرافیای سیاسی آمریکایی مدعی شده بود وضعیت تولید نفت ایران به گونه‌ای است که ایران تا سال ۲۰۱۵ اساساً قادر به تولید نفت نخواهد بود. اگرچه ادعاهای وی کمی بزرگ و دور از واقعیت می‌نمود، اما پیش‌بینی‌های او کمی تا قسمتی صحیح از آب درآمده‌اند.

در بهمن‌ماه سال ۸۸ بود که هادی نژادحسینیان در مصاحبه با اعتماد گفت: «با این شرایطی که صنعت نفت ایران دارد، رسیدن به جایگاه اول منطقه پیشکش، خدا کند از جرگه کشورهای نفت خیز خارج نشویم. سه سال پیش مطالعاتی انجام شد که نشان داد اگر روال تولید و مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی به همان منوال تداوم یابد حداکثر تا ۱۰ سال دیگر ما نفت خام برای صادرات خواهیم داشت و بعد از آن بایدکل نفت تولیدی به مصرف داخل برسد.»

عماد حسینی اعتقاد دارد با ادامه وضعیت فعلی، عراق حتماً جایگاه ایران را اشغال خواهد نمود و این امر بر نفوذ و اقتدار ایران در اوپک تأثیر منفی خواهد گذاشت. حسینی به برداشت غیرصیانتی از مخازن نفتی انتقاد دارد و سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه نفت را ناکافی می‌داند. او می‌گوید: «وضعیت تولید نفت ما بستگی به شرایط خاصی دارد. ما نیازمند شرایطی هستیم که تولید نفت خود را در وضعیت پایداری نگاه داریم و برای این منظور باید توان تکنولوژیک خود را از لحاظ افزایش ضریب بازیافت برداشت نفت به طریق ثانویه، تزریق گاز و سایر روش‌ها ارتقا دهیم. باید دید تا چه میزان توانسته ایم از مخازن خود صیانت و نگاهداری کنیم. در حال حاضر متأسفانه برداشت‌هایی غیرصیانتی طی چند سال اخیر باعث کاهش عمر مخازن نفتی شده و این امر خود را در کاهش تولید نفت نشان می‌دهد. این معضل وقتی نمایان‌تر می‌شود که برداشت ما در حوزه‌های مشترک به نسبت کشورهای همسایه بسیار کمتر است. از این منظر ما در آینده دچار افت تولیدی بدي خواهیم شد. امیدواریم با اتخاذ روش‌ها و تکنیک‌های مناسب وضعیت فعلی را حفظ کنیم. برای رسیدن به افق ۱۴۰۴ بعضی برنامه‌ها را در مدنظر داشتیم. در برنامه پنجم نیز پیشنهاد دادیم تا علاوه بر تولید فعلی ۱ میلیون بشکه نفت و هم‌چنین ۲۵۰ میلیون متر مکعب گاز را به تولیدات خود اضافه کنیم. اما اگر مشکلات فعلی پابرجا باشد، نه تنها این برنامه‌ها محقق نخواهد شد که سالانه ۱۰ درصد کاهش تولید خواهیم داشت.»

*** همسایه‌ها صاحب خانه می‌شوند و نفت و گاز ایران را می‌برند:**

در ۱۷ تیر ۸۹، ایلنا گزارش کرده است: داستان توسعه میادین نفتی و اجرای پروژه‌ها در ایران به کلاف سردرگمی می‌ماند که رمزگشایی از آن بسیار دشوار است. عدم انفع ۲.۵ میلیون یورویی روزانه برای هر فاز پارس جنوبی، تاخیر در تزریق گاز به میادین نفتی که تولید غیرصیانتی بیش از ۳۰۰ هزار بشکه نفت خام در کشور و غیر قابل برداشت شدن بخشی از ذخایر نفت خام میادین مربوطه را موجب می‌سود، برداشت ۲۰ میلیارد تومانی

رژیم در گرداب بحران

فقر از سهم گاز ایران در روز، کاهش ۳۰ درصدی سهم ایران از میدان گازی سلمان و سایه سنگین عراق بر مخازن مشترک نفتی همه و همه نتیجه آزمون و خطاهای سالیان اخیر است.

این بی‌برنامه‌گی‌ها از یک سو و روند رو به رشد مشارکت شرکت‌های بزرگ خارجی در توسعه میادین مشترک در کشورهای همسایه و به کارگیری فن‌آوری‌های نوین از میزان سهم ایران به نفع این کشورها کاسته است. در حالی که سیاستمداران ایرانی آرزوهای خود را در توسعه میادین و به دست آوردن دلارهای بی‌حساب و کتاب نفتی جست‌وجو می‌کنند، کمی آن‌طرف‌تر همسایگان ما جیب‌های خود را از فروش منابع هیدروکربوری ملت ایران پر می‌کنند. وقتی می‌گوییم منابع ملی ایران توسط همسایگان به تازاج می‌رود زیاد شکفت زده نشود. دولت‌مردان ومخالفان این نظر حق دارند. آنها اعتقاد دارند توسعه صنعت نفت ایران با سقوط در گودال انزوا و کابوسی فقر دانش و تکنولوژی روبرو نبوده است. بدون شک اما در چند سال گذشته بسیاری از شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بزرگ جای خود را به شرکت‌های متوسط داخلی و کوتاه قد آسیایی داده‌اند. اینها حقایق غیر قابل انکار است. اما استدلال‌های مخالفان زمانی قطعیست دارد که ما به صورت یک بدعی به قضیه نگاه کنیم. اما این موضوع نیاز به جدانگری و همه سوتگری دارد. ما نباید راه اندازی‌های تبلیغاتی و تاخیر در افتتاح با تاخیر پروژه‌ها را به عنوان یک موفقیت ببینیم. این واقعیت تلخ دارای ابعاد مختلف به ویژه زبان‌های چند ده میلیارد دلاری است.

واقعیت‌ها زمانی کام همه را تلخ می‌کند که وضعیت میادین مشترک نفت و گاز مورد بررسی قرار گیرد: ● پارس جنوبی یا همان شاه‌رک اقتصادی ایران سال‌هاست که به حیات خلوت قطر تبدیل شده و این کشور توانسته ۱۱ سال زودتر از ایران استخراج گاز را شروع کند و تاکنون افزون بر ۵۰ میلیارد دلار بیشتر از ایران از این میدان مشترک گاز برداشت کند.

بر اساس این گزارش میدان سلمان یکی از میادین مشترک ایران با کشور امارات است. بر اساس موقعیت جغرافیایی میدان ۵۰ درصد مالکیت آن در اختیار ایران است و امارات تنها از ۳۰ درصد حق برداشت برخوردار است. اما تاخیر در برداشت از این میدان امارات سهم ایران را تا ۴۰ درصد کاهش داده است و با ادامه این روند سهم ایران از این میزان هم کمتر خواهد شد.

● در بخش میادین مشترک نفتی نیز جایی همین نزدیکی‌ها کشوری نشسته دلارهای نفتی و آگاه از مشکلات ایران در توسعه میادین مشترک، پاشنه کفش‌های خود را کشیده و می‌خواهد با پرواز بلند خود بر مخازن نفتی مشترک با ایران سایه افکند.

آری امروز دیگر نمی‌توان از برخی میادین انرژی به عنوان میدانی مشترک یاد کرد چرا که برنامه‌های قطر به گونه‌ای بوده که اکنون به صراحت می‌توان گفت برداشت قطر از منابع ایران شتاب بیشتری گرفته است.

درمیدان گازی سلمان نیز قرارداد کرست به یک معضل تبدیل شده و اولین برآوردهای حقوقی ستان می‌دهد احتمال دارد ایران ۱۰ میلیارد دلار خسارت بابت لغو احتمالی قرارداد بپردازد، پولی که بی‌شک، از کیسه «ملت ایران» هزینه خواهد شد.

*** قیمت واقعی گازی که به پاکستان فروخته می‌شود، ۴۵ درصد زیر قیمت روز جهانی است:**

◀ در ۹ تیر ۸۹، به گزارش چکیده: بهای گاز در سال ۲۰۱۴ میلادی طبق پیش‌بینی‌های معتبر بین‌المللی حدود ۷۰۰ دلار به ازاء هزار متر مکعب خواهد بود. یعنی در زمان شروع صادرات گاز در این سال، حداکثر قیمت تعیین شده در قرارداد حداقل ۴۵ درصد زیر قیمت روز جهانی خواهد بود.

صنایع قرارداد انتقال گاز به پاکستان برای ۲۵ سال و برای تامین حدود ۲۰ درصد از مصرف انرژی گاز این کشور در حدود دو هفته پیش نهایی شد. پس از چند روز اما و اگرهای فراوان و نامحرم دانستن مردم توسط وزیر نفت و سپس مهر تأیید ۱۲۹ نفر نماینده مجلس، قرار داد امضاء اما مشمول تحریم‌ها گشت. علی‌رغم خبر کناره‌گیری پاکستان از این قرارداد روز گذشته، اوجی، مدیرعامل شرکت ملی گاز، بار دیگر رقم فروش این حجم عظیم از سرمایه کشور را جزء اسرار و محرمانه دانست! این در حالی است که کلیات مالی این قرارداد شامل قیمت احوادث خط لوله و قیمت توافق شده گاز صادراتی توسط تعداد بسیار زیادی از خبرگزاری‌های معتبر دنیا اعلام شده‌اند.

علت سری کردن احتمالاً اینست که ثروت کشور را حراج کرده‌اند و حکومت نمی‌خواهد مردم از کارش سر در آورند.

*** گازسوزیهای ایران، ۷۵ برابر عربستان است**

◀ در ۲۱ تیر ۸۹، خبرگزاری مهر گزارش کرده است: سازمان بازرسی کل کشور در واکنش به گزارش اخیر شرکت ملی پالایش و پخش نفتی، حجم گاز سوزی‌های ایران را ۷۵ برابر عربستان عنوان کرد و گفت: بر اساس گزارشهای رسمی روزانه در فرآیند تولید نفت، پالایش، انتقال و تبدیل گاز معادل تولید ۵ فاز پارس جنوبی گاز اتلاف می‌شود.

سازمان بازرسی کل کشور با انتشار گزارشی در واکنش به جوابیه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، اعلام کرد: پیرو خبر برخی رسانه‌ها به نقل از شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی که در پاسخ به سخنرانی مدیر کل نظارت و بازرسی امور نفت سازمان بازرسی کل کشور منعکس شد، روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور توضیحاتی به شرح زیر داد:

۱- سخنرانی مدیرکل نظارت و بازرسی امور نفت سازمان بازرسی کل کشور در پنجمین کنگره ملی انرژی و اقتصاد در تاریخ ۳۱ خرداد ماه امسال تحت عنوان "ضرورت تدوین الگوی بهینه بهره‌برداری از منابع گاز کشور" ایراد شد و طبعاً بخشی از آن به اتلاف منابع گاز در حوزه تولید و تبدیل اشاره داشته است و به دلیل عدم انعکاس دقیق آن در برخی رسانه‌ها، گزیده مطالب آن در تاریخ یک تیر ماه در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان بازرسی کل کشور منتشر و به خبرگزاری‌های کشور نیز منعکس شد.

یادآور می‌شود در این سخنرانی نامی از پالایشگاه‌های نفت برده نشده و مطالب بیان شده بر موضوع گاز و راهبرد ملی انرژی، متمرکز بوده است. ۲- اساساً موضوع تلفات انرژی در کشور از مسائل کلیدی حوزه اقتصاد انرژی و همواره دغدغه کارشناسان، مدیران دلسوز و مسؤولان ارشد نظام بوده است و ارقام آن بسیار تکران‌کننده و غیرقابل قبول است. ۳- از سوی دیگر موضوع جمع‌آوری گازهای همراه نفت در حوزه مسؤولیت شرکت ملی نفت ایران و گازهای تلف شده در فرآیند پالایش مربوط به شرکت ملی گاز ایران و تلفات انرژی نیروگاه‌های کشور مربوط به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی و تلفات با ضایعات پالایشگاه‌های نفت ندارد و از این رو اظهار نظر شرکت ملی پالایش و پخش در خصوص مسأله اتلاف منابع گاز بی‌مورد است.

انقلاب اسلامی: پس از انتشار تحقیق مجید محقق محمدی در انقلاب اسلامی در باره اتلاف انرژی، این اطلاع‌هم تصدیق آن تحقیق است و هم‌گویی انتشار تحقیق‌های جدی در باره بلائی است که این رژیم بر سر منابع و ثروت ملی ایران می‌آورد.

*** نرخ بیکاری در ۲۲ استان کشور دو رقمی شد:**

◀ در ۱۶ تیر ۸۹، خبرگزاری مهر گزارش کرده است: در حالی که نرخ بیکاری کشور در سال گذشته از ۱۱.۱ تا ۱۴.۱ درصد طی فصول مختلف در نوسان بود، استانهای لرستان و همدان با نرخ بیکاری ۱۹ و ۱۸ درصدی به رقابت با یکدیگر در بالای جدول از نظر دارا بودن بیشترین نرخ بیکاری در بین ۳۰ استان کشور پرداختند.

بررسی وضعیت نرخ بیکاری در فصول مختلف سال گذشته در ۳۰ استان کشور نشان می‌دهد که طی سال گذشته، کل کشور نرخ بیکاری دو رقمی ۱۱.۹ درصدی را تجربه کرده است در حالی که این نرخ در بهار ۸۸ معادل ۱۱.۱ درصد، پاییز ۸۸ معادل ۱۱.۳ درصد و زمستان سال گذشته نیز برابر با ۱۴.۱ درصد بوده است.

انقلاب اسلامی: این نرخها را بانک مرکزی انتشار می‌دهد که حکومت احمدی نژاد مجبورش می‌کند آمار دروغ انتشار دهد. وقتی صنایع با ۴۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند و سرمایه‌گذاری نمی‌شود و... چگونه ممکن است نرخ بیکاری از ۳ برابر نرخهای که رژیم انتشار می‌دهد، بیشتر نباشد؟

*** جوانان ۲ سال منتظر کار می‌مانند / نرخ غیر فعال بودن جوانان ۷۰ درصد است:**

◀ در ۲۱ تیر ۸۹، به گزارش خبرگزاری مهر: در سال ۸۸ نرخ غیرفعال بودن جوانان به دلایلی همچون تحصیل، بیماری و بی‌اطلاعی از روشهای جستجوی کار به ۷۰.۴ درصد رسید. و ۲۶.۳ درصد جوانان نیز حداقل ۲ سال برای پیدا کردن شغل انتظار می‌کشند.

کارشناسان سازمان جهانی کار بر این باورند که بررسی نرخ بیکاری به تنهایی نشان دهنده وضعیت بازار کار نیست به نحوی که توجه بیش از حد به آن بدون در نظر گرفتن سایر شاخص‌ها، گمراه‌کننده است:

در صفحه ۱۰



● جوانانی که نه شاغلند نه محصل: بر اساس این گزارش، یکی از شاخص‌های مهمی که در کنار نرخ بیکاری باید مورد توجه قرار گیرد مربوط به بررسی روند غیرفعال بودن جوانان است که به دو صورت نسبت جوانانی که «نه محصل هستند و نه شاغل» در بین شاخص‌های کار شایسته معرفی شده است.

● این گزارش می‌افزاید، ۲۷.۲ درصد از جوانان نیز از ۳ تا کمتر از ۱ سال منتظر کار بوده‌اند که در این قسمت نیز مردان با ۲۹ درصد و زنان با ۲۲.۳ درصد بیکار بوده‌اند. همچنین بررسی وضعیت انتظار ادا کمتر از ۲ سال نیز نشان می‌دهد که ۲۴.۹ درصد از جوانان کشور در زمان جستجو برای شغل انتظار کشیده‌اند که در این بخش مردان ۲۲ درصد و زنان نیز ۲۲.۸ درصد سهم داشته‌اند.

البته ۲۶.۳ درصد از جوانان بیکار نیز از ۲ سال و بیشتر منتظر کار بوده‌اند که این میزان در مورد فقط مردان ۲۵.۸ درصد و زنان نیز ۲۷.۸ درصد بوده است.

* سپاه بر نفت و اتوبوس رانی ... جنگ می‌اندازد:

◀ در ۱۳ تیر ۸۹، «سردار» قاسمی، فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) گفته است: این قرارگاه با ورود به عرصه بهینه‌سازی انرژی، به مدیریت انرژی کشور کمک خواهد کرد.

به گزارش روابط عمومی کنفرانس مدیریت و بهینه‌سازی انرژی، سردار رستم قاسمی با اعلام این خبر از حمایت این قرارگاه از کنفرانس مدیریت و بهینه‌سازی انرژی خبر داد. او همچنین از شرکت زیرمجموعه‌های این قرارگاه در کنفرانس مدیریت و بهینه‌سازی انرژی خبر داد.

همایش و نمایشگاه مدیریت و بهینه‌سازی انرژی ۲ و ۳ مرداد ماه ۸۹ در محل هتل المپیک تهران برگزار خواهد شد.

◀ در تیر ۸۹، به گزارش فعالیت حقوق بشر و دموکراسی در ایران، تعدادی زیادی از کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شدیداً زیر فشار هستند تا در برابر مبالغ (معادل ۱۵ میلیون تومان برای ۲۰ سال سابقه کار) کمی که هیچگونه رابطه منطقی با سوابق کار آنان ندارد، تن به باز خرید شدن بدهند. در همین حال خطوط جدید اتوبوسرانی در تهران و حومه به تدریج به شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران واگذار میشوند.

در این خصوص میتوان به راه اندازی ترمینال جنوب و پایانه افشار اشاره نمود. همچنین در راستای طرح خصوصی سازی، تعداد بسیاری از اتوبوس‌های موجود شرکت واحد برای فروش به اینگونه شرکت‌های وابسته به سپاه آماده میشوند.

علاوه بر دوتن از رهبران سندیکای اتوبوسرانی تهران و حومه، یعنی آقایان منصور اصانلو و ابراهیم مددی که چند سال است در شرایط طاقت فرسا در زندان‌های اوین و گوه‌ر دشت بسر می‌برند، سعید تریبان و رضا شهبانی دوتن دیگر از فعالین سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز طی هفته‌های گذشته بوسیله مأمورین وزارت اطلاعات دستگیر و زندانی شده‌اند.

انقلاب اسلامی: وضعیت اقتصاد کشور، ورشکسته و در انتظار بحران شدید، مانع رانت خواری مافیای نظامی - مالی نمی‌شود. بخشی دیگر از فهرست اسامی مافیای نظامی مالی:

رژیم در گرداب بحران

فهرست اسامی اعضای مافیایها که از رهگذر استبداد ملاتاریا، از انقلاب بدین سو، تشکیل شده اند - ۹

عبدالله زاده - گروه منصورون - از اعضای باند امنیتی - اطلاعاتی - از اعضای گروه منصورون - سازمان مجاهدین انقلاب - علی زاده - حسن محمود - حراست وزارت خارجه. علی عبدالله - دادستان دادگاه ویژه روحانیت قم - حجت الاسلام. علی محمدی - از مدیران زندانهای کشور، وی زمانی معاون زندان گوه‌ر دشت بود.

علی محمدی - محمد حسن - زورق - از اعضای باند رسانه ای نظام ولایت مافیایها، مسئول صدا و سیما در لندن که حاضر به استعفا نیست. علیان - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. علیان - حمیدرضا - قائم مقام گروه مشاوران جوان رئیس جمهور. از اعضای باند سرکوب های خیابانی. علیجان - محمد - از مدیران حراست - سردار سپاه. علیخان - علی - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور، وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی.

علیخان - قدرت - الله - عباس علی آقا جانی - از حکام شرع دادگاههای انقلاب و نماینده مجلس - حجت الاسلام. علیدوست - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. علیزاده - حاج داود - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

علیزاده - عباسعلی - از دادستانهای انقلاب اسلامی، باند مافیای قضایی. حجت الاسلام، وی زمانی در مشهد به کار قضا مشغول بود. به دلیل اختلاس دستگیر شد و به تهران آمد و دادستان تهران شد و در نهایت به جرم جاسوسی و اختلاس برکنار شد. وی پدر عروس پسر محسن دعاگو است.

علیزاده - قاسم - پاسدار زندان اوین. علیزاده - محمد رضا - حقوقدان شورای نگهبان. او سالها در همین پست به نگرانی از ولایت مافیایها پرداخت. علیزاده - یوسف - فرمانده سابق سپاه خراسان که کاندیدای شهرداری مشهد بود، سردار سپاه. علمبی - حاج حمید - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. عموزاده خلیلی - فریدون - موسسه افتابگردان - از موسسات مالی باند مافیای اقتصادی.

عمید زنجانی - عباسعلی - نماینده مجلس، رئیس دانشگاه تهران که استادان بسیاری را اخراج کرد، از اعضای کمیته انقلاب اسلامی، داماد آیت الله گلپایگانی. عندلیب - حاکم شرع دادگاههای انقلاب اسلامی شیراز - حجت الاسلام. عینی فرد - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

غرضی - سید محمد - محمد حیدری - عضو سپاه پاسداران، استانداری کردستان و استانداری خوزستان را عهده دار گردید و در سال 1360 به عنوان وزیر نفت انتخاب و از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۶ به عنوان وزیر پست و تلگراف و تلفن در دولت مشغول به خدمت بود. از اعضای باند امنیتی -

اطلاعاتی - نظامی - اقتصادی - وی فرزندان آیت الله طالقانی را در ابتدای انقلاب دستگیر نمود. در خیر است که وی اکنون بی سر و صدا رئیس و مدیرکل موسسه ای است که نظارت دارد بر کتال ساختمان سازیهای کلان دولتی و غیر دولتی که در کشور ساخته میشود. غروی - سید محمد - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام. غرویان - محسن - عضو مرکز پژوهشی امام خمینی، امام جمعه و از اعضای باند قضایی. غضنفری - دادستان عمومی و انقلاب گرمسار. غفاری - هادی - نماینده سابق مجلس - از چماقداران معروف و از اعضای باند سرکوب های خیابانی دهه شصت که بعدها اصلاح طلب شد اما به دلایل اخلاقی و مالی رد صلاحیت گردید. وی کارخانه جوراب استارلایت را از بنیاد مستضعفان گرفت و بنیاد الهادی را نیز دارد.

غفوری فرد - حجت الاسلام - امام جمعه دلیجان. غفوری فرد - حسن - دبیرکل فعلی جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی. گفته می‌شود داماد واعظ طوسی است. وی از جمله نیروهای وفادار به باند مافیایی سیاسی - اقتصادی نظام ولایت می‌باشد و نماینده مجلس است. زمانی در ورزش مشغول به کار بود.

غلامی - پاسدار نگهبان زندان گوه‌ر دشت. غمیری - از نیروهای وزارت اطلاعات. غیائی فرمانده بسیج استان خراسان رضوی که قبل از نیروی انتظامی مشغول به کار بوده است - سردار سپاه. غیوری نجف آبادی - علی - نماینده مجلس. فاتحی از نیروهای اطلاعات مستقر در کرج.

فارسی - جلال الدین - نماینده سابق مجلس - گروه ۹۹ نفره. از بنیانگذاران ترورهای خارجی. فارسی - فرزاد - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور، وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. فارسی نژاد - معاون تبلیغات هیات مولف. فاضل - ایرج - از اعضای وابسته به گروه کارگزاران سازندگی. فاضل - بازجوی وزارت اطلاعات در شعبة هفت زندان اوین.

فاضل نژاد - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فاضل کاشان - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فاضلی - رضا - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور، وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. فاطمی - عباس - دبیرکل جبهه یاران رهبر - از اعضای وابسته به باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت مافیایها. فاطمی - علیرضا - از نیروهای وابسته به باند اطلاعات خارجی مستقر در فرانسه. فانیان - سعید - از معاونان و مشاوران صدا و سیما و عضو باند رسانه ای. فاکر - محمدرضا - از حکام شرع بسیار خشن و بد نام - نماینده مجلس - حجت الاسلام.

فاتح - از سرداران سیاسی - نظامی سپاه که در حال حاضر وزیر نیرو است - سردار سپاه. فتح الهی - محمد علی - مشاور احمدی نژاد، معاون دفتر رئیس جمهور. فتح آبادی - سردار سپاه - مشاور فرمانده ناجا و رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر. فتوت - عباس - پاسدار نگهبان اوین که به افسر نگهبانی ارتقا یافت.

فتوت نصیری - دادستان گنبد کاووس در سال ۵۸ فتوحی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فخر آرا - رئیس کل دادگستری استان خراسان جنوبی - نیشابور - حجت الاسلام. فخری - حاج حسین - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فدایی - حسین - سردار سپاه - از نیروهای اطلاعات در دهه شصت. فدایی - غلامرضا - نماینده مجلس - گروه ۹۹ نفره.

فردوسی پور - اسماعیل، از اعضای باند قضایی - اطلاعاتی که فوت کرد. فراتی - سید عطا - عضو باند کبیر - عضو باند نظامی - امنیتی نظام ولایت مافیایها. فراتیان - عباسعلی - از مسئولین وزارت اطلاعات. فراهانی - باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فراهانیان - از مدیران سازمان صدا و سیما و عضو باند رسانه ای. فرازمنند - محمد - سفیر ایران در بحرین.

فرجیان زاده - رئیس سازمان بسیج فرهنگیان - سردار سپاه. فرحزادی - حبیب الله - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فرد زنجانی - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فرطوسی - احمد - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور، وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی.

فرنود - فرج - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. فرهادی - محمد - جانشین کمیته بسیج ستاد - سردار سپاه. فرهادی - عیسی - معاون سیاسی استاندار خراسان جنوبی. فرهنگساز - محمد حسین - نماینده مجلس هفتم و هشتم - سردار سپاه. فرهودی - از مدیران سابق سازمان صدا و سیما - عضو باند رسانه ای. فروتن - از روسای زندانهای ایران و عضو مافیای قضایی.

فروتن - حسین - نماینده دور سوم مجلس شورای اسلامی، باند سیاسی. فروزان - رضا - از نیروهای اطلاعات مسئول سونای زعفرانیه. فروزش - غلامرضا - عضو حزب کارگزاران - نماینده مجلس - وزیر جهاد سازندگی از اعضای مافیای سیاسی و اقتصادی.

فروزنده - احمد - از اعضای انجمن حجتیه - سال ۵۸ وارد اطلاعات سپاه شد - مسئول خنثی سازی بمب و تله های انفجاری سپاه در سالهای ۶۱-۶۳ و فرمانده گشت های ثار الله سپاه در سال ۶۴-۶۵ - از عوامل کشتار ایرانی - عربیهای خوزستان و بعدها به عراق رفت و در بحران سازی در آنجا مشغول به کار از سوی سپاه قدس شد. فروزنده - لطف الله - از وابستگان به باند سیاسی نظام ولایت مافیایها و از اعضای گروه آبادگران جوان.

فروزنده - محمد - سردار سپاه - استنادار خوزستان - وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح سابق، رئیس اسبق بنیاد مستضعفین و عضو مجمع تشخیص مصلحت. فروزنده - مسعود - قبل از انقلاب همکار هنری ساواک، بعد از انقلاب از اعضای باند سپاه پاسداران. فروزنده - کاظم - فرماندار زنجان - سال ۵۹.

فروزنده - فرزاد - برادر محمد و مسعود و احمد و فرشاد - از اعضای باند اطلاعاتی و نظامی ولایت مافیایها. فروزنده فرشاد - برادر احمد و محمد از اعضای باند نظامی سپاه.

فروغی - عطا الله - مسئول بهداری زندان اوین که مجوز مرگ اعدام شدگان را صادر می‌کرد. فروغی - از باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فرید زاده - مهدی - عضو شورای سرپرستی و نظارت صدا و سیما - از مدیران سابق اعضای باند رسانه ای نظام ولایت مافیایها. فریدون - حسن - حسن روحانی - دبیر شورای امنیت - عضو مجلس و از افراد دخیل در کودتا و سرکوب - حجت الاسلام.

فشارکی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فصیحی - سردار سپاه - حجت الاسلام - فرمانده سپاه منطقه قم. فضالی - احمد - از فرماندهان قبلی دانشگاه امام حسین و مشاور فرمانده سپاه - سردار سپاه. فضلی - علی - سردار سپاه از سرداران ارشد سپاه پاسداران. فضلی نژاد - پیام - معاون قضایی مرتضوی - مسئول برخورد با سایت‌ها. فلسفی - معاون پارلمانی وزیر جهاد کشاورزی. فغانی - حجت الاسلام - مدیر کل زندانهای استان گیلان و نصیری جانشین او. فقیه - ابوالحسن - معاون مدیرکل روابط عمومی شهرداری تهران در دوران احمدی نژاد - سرپرست سازمان بهزیستی. فقیه - از اعضای ستاد مشترک سپاه و از انصار اسلامشهر. فلاخ - پرسنل معاونت امنیت و در اداره عملیات آن معاونت در قتل فروهر - اسکندری شرکت داشته. فلاخی - زندانبان و شکنجه گر زندانهای اصفهان. فلاحیان - حسین - برادر علی فلاحیان و از معاونین وی در دوران وزارت او - حجت الاسلام.

فلاحیان - علی - وزیر اطلاعات - عامل بسیاری از جنایات داخل و خارج از کشور، مدیر موسسه امیر المومنین و عضو بنیاد همگرایی اندیشه از اعضای باند اطلاعاتی - امنیتی - اقتصادی - سیاسی و ... فهیم کرمانی - مرتضی - آیت الله - دادستان و همکار لاجوردی و معاون موسوی تبریزی. در زندان اوین و نماینده مجلس - گروه ۹۹ نفره. فهیمی - حسین - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور، وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. فهیمی - فرید بیژن - از نیروهای وابسته به باند ترورهای خارجی و مستقر در سوئد. فورسند - ماریا - از اعضای باند ترورهای خارجی وابسته به حسن قشقاوی در سوئد. فولاد آملی - محمد رضا - رئیس کل دادگستری استان مازندران - حجت الاسلام.

فیاض بخش - محمد علی - وزیر بهزیستی در دوران رجایی. در بمبگذاری ۷ تیر حزب جمهوری اسلامی کشته شد. فیاض بخش - نفیسه - از اعضای باند سرکوب های خیابانی و سیاسی و از یاران مریم بهروزی که سالها در جامعه زینب در برنامه سرکوب زنان شرکت داشته است. فیاضی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فیاضی - غلامرضا - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام. فیروز - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فیروزان - مهدی - از مدیران سازمان صدا و سیما - عضو باند رسانه ای. فیروززی - مرتضی - از نیروهای وزارت اطلاعات. فیض - اکبر - رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی - حجت الاسلام. فیضانی - میرزا علی - علی مشکینی - از حکام شرع دادگاههای انقلاب در سال شصت به بعد - آیت الله.

فردوسی پور - اسماعیل، از اعضای باند قضایی - اطلاعاتی که فوت کرد. فراتی - سید عطا - عضو باند کبیر - عضو باند نظامی - امنیتی نظام ولایت مافیایها. فراتیان - عباسعلی - از مسئولین وزارت اطلاعات. فراهانی - باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فراهانیان - از مدیران سازمان صدا و سیما و عضو باند رسانه ای. فرازمنند - محمد - سفیر ایران در بحرین.

فرجیان زاده - رئیس سازمان بسیج فرهنگیان - سردار سپاه. فرحزادی - حبیب الله - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فرد زنجانی - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فرطوسی - احمد - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور، وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی.

فرنود - فرج - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. فرهادی - محمد - جانشین کمیته بسیج ستاد - سردار سپاه. فرهادی - عیسی - معاون سیاسی استاندار خراسان جنوبی. فرهنگساز - محمد حسین - نماینده مجلس هفتم و هشتم - سردار سپاه. فرهودی - از مدیران سابق سازمان صدا و سیما - عضو باند رسانه ای. فروتن - از روسای زندانهای ایران و عضو مافیای قضایی.

فروتن - حسین - نماینده دور سوم مجلس شورای اسلامی، باند سیاسی. فروزان - رضا - از نیروهای اطلاعات مسئول سونای زعفرانیه. فروزش - غلامرضا - عضو حزب کارگزاران - نماینده مجلس - وزیر جهاد سازندگی از اعضای مافیای سیاسی و اقتصادی.

فروزنده - احمد - از اعضای انجمن حجتیه - سال ۵۸ وارد اطلاعات سپاه شد - مسئول خنثی سازی بمب و تله های انفجاری سپاه در سالهای ۶۱-۶۳ و فرمانده گشت های ثار الله سپاه در سال ۶۴-۶۵ - از عوامل کشتار ایرانی - عربیهای خوزستان و بعدها به عراق رفت و در بحران سازی در آنجا مشغول به کار از سوی سپاه قدس شد. فروزنده - لطف الله - از وابستگان به باند سیاسی نظام ولایت مافیایها و از اعضای گروه آبادگران جوان.

فروزنده - محمد - سردار سپاه - استنادار خوزستان - وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح سابق، رئیس اسبق بنیاد مستضعفین و عضو مجمع تشخیص مصلحت. فروزنده - مسعود - قبل از انقلاب همکار هنری ساواک، بعد از انقلاب از اعضای باند سپاه پاسداران. فروزنده - کاظم - فرماندار زنجان - سال ۵۹.

فروزنده - فرزاد - برادر محمد و مسعود و احمد و فرشاد - از اعضای باند اطلاعاتی و نظامی ولایت مافیایها. فروزنده فرشاد - برادر احمد و محمد از اعضای باند نظامی سپاه.

فروغی - عطا الله - مسئول بهداری زندان اوین که مجوز مرگ اعدام شدگان را صادر می‌کرد. فروغی - از باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فرید زاده - مهدی - عضو شورای سرپرستی و نظارت صدا و سیما - از مدیران سابق اعضای باند رسانه ای نظام ولایت مافیایها. فریدون - حسن - حسن روحانی - دبیر شورای امنیت - عضو مجلس و از افراد دخیل در کودتا و سرکوب - حجت الاسلام.

فشارکی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فصیحی - سردار سپاه - حجت الاسلام - فرمانده سپاه منطقه قم. فضالی - احمد - از فرماندهان قبلی دانشگاه امام حسین و مشاور فرمانده سپاه - سردار سپاه. فضلی - علی - سردار سپاه از سرداران ارشد سپاه پاسداران. فضلی نژاد - پیام - معاون قضایی مرتضوی - مسئول برخورد با سایت‌ها. فلسفی - معاون پارلمانی وزیر جهاد کشاورزی. فغانی - حجت الاسلام - مدیر کل زندانهای استان گیلان و نصیری جانشین او. فقیه - ابوالحسن - معاون مدیرکل روابط عمومی شهرداری تهران در دوران احمدی نژاد - سرپرست سازمان بهزیستی. فقیه - از اعضای ستاد مشترک سپاه و از انصار اسلامشهر. فلاخ - پرسنل معاونت امنیت و در اداره عملیات آن معاونت در قتل فروهر - اسکندری شرکت داشته. فلاخی - زندانبان و شکنجه گر زندانهای اصفهان. فلاحیان - حسین - برادر علی فلاحیان و از معاونین وی در دوران وزارت او - حجت الاسلام.

فلاحیان - علی - وزیر اطلاعات - عامل بسیاری از جنایات داخل و خارج از کشور، مدیر موسسه امیر المومنین و عضو بنیاد همگرایی اندیشه از اعضای باند اطلاعاتی - امنیتی - اقتصادی - سیاسی و ... فهیم کرمانی - مرتضی - آیت الله - دادستان و همکار لاجوردی و معاون موسوی تبریزی. در زندان اوین و نماینده مجلس - گروه ۹۹ نفره. فهیمی - حسین - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور، وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. فهیمی - فرید بیژن - از نیروهای وابسته به باند ترورهای خارجی و مستقر در سوئد. فورسند - ماریا - از اعضای باند ترورهای خارجی وابسته به حسن قشقاوی در سوئد. فولاد آملی - محمد رضا - رئیس کل دادگستری استان مازندران - حجت الاسلام.

فیاض بخش - محمد علی - وزیر بهزیستی در دوران رجایی. در بمبگذاری ۷ تیر حزب جمهوری اسلامی کشته شد. فیاض بخش - نفیسه - از اعضای باند سرکوب های خیابانی و سیاسی و از یاران مریم بهروزی که سالها در جامعه زینب در برنامه سرکوب زنان شرکت داشته است. فیاضی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فیاضی - غلامرضا - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام. فیروز - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فیروزان - مهدی - از مدیران سازمان صدا و سیما - عضو باند رسانه ای. فیروززی - مرتضی - از نیروهای وزارت اطلاعات. فیض - اکبر - رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی - حجت الاسلام. فیضانی - میرزا علی - علی مشکینی - از حکام شرع دادگاههای انقلاب در سال شصت به بعد - آیت الله.

فروغی - عطا الله - مسئول بهداری زندان اوین که مجوز مرگ اعدام شدگان را صادر می‌کرد. فروغی - از باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فرید زاده - مهدی - عضو شورای سرپرستی و نظارت صدا و سیما - از مدیران سابق اعضای باند رسانه ای نظام ولایت مافیایها. فریدون - حسن - حسن روحانی - دبیر شورای امنیت - عضو مجلس و از افراد دخیل در کودتا و سرکوب - حجت الاسلام.

فشارکی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فصیحی - سردار سپاه - حجت الاسلام - فرمانده سپاه منطقه قم. فضالی - احمد - از فرماندهان قبلی دانشگاه امام حسین و مشاور فرمانده سپاه - سردار سپاه. فضلی - علی - سردار سپاه از سرداران ارشد سپاه پاسداران. فضلی نژاد - پیام - معاون قضایی مرتضوی - مسئول برخورد با سایت‌ها. فلسفی - معاون پارلمانی وزیر جهاد کشاورزی. فغانی - حجت الاسلام - مدیر کل زندانهای استان گیلان و نصیری جانشین او. فقیه - ابوالحسن - معاون مدیرکل روابط عمومی شهرداری تهران در دوران احمدی نژاد - سرپرست سازمان بهزیستی. فقیه - از اعضای ستاد مشترک سپاه و از انصار اسلامشهر. فلاخ - پرسنل معاونت امنیت و در اداره عملیات آن معاونت در قتل فروهر - اسکندری شرکت داشته. فلاخی - زندانبان و شکنجه گر زندانهای اصفهان. فلاحیان - حسین - برادر علی فلاحیان و از معاونین وی در دوران وزارت او - حجت الاسلام.

فلاحیان - علی - وزیر اطلاعات - عامل بسیاری از جنایات داخل و خارج از کشور، مدیر موسسه امیر المومنین و عضو بنیاد همگرایی اندیشه از اعضای باند اطلاعاتی - امنیتی - اقتصادی - سیاسی و ... فهیم کرمانی - مرتضی - آیت الله - دادستان و همکار لاجوردی و معاون موسوی تبریزی. در زندان اوین و نماینده مجلس - گروه ۹۹ نفره. فهیمی - حسین - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور، وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. فهیمی - فرید بیژن - از نیروهای وابسته به باند ترورهای خارجی و مستقر در سوئد. فورسند - ماریا - از اعضای باند ترورهای خارجی وابسته به حسن قشقاوی در سوئد. فولاد آملی - محمد رضا - رئیس کل دادگستری استان مازندران - حجت الاسلام.

فیاض بخش - محمد علی - وزیر بهزیستی در دوران رجایی. در بمبگذاری ۷ تیر حزب جمهوری اسلامی کشته شد. فیاض بخش - نفیسه - از اعضای باند سرکوب های خیابانی و سیاسی و از یاران مریم بهروزی که سالها در جامعه زینب در برنامه سرکوب زنان شرکت داشته است. فیاضی - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. فیاضی - غلامرضا - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام. فیروز - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. فیروزان - مهدی - از مدیران سازمان صدا و سیما - عضو باند رسانه ای. فیروززی - مرتضی - از نیروهای وزارت اطلاعات. فیض - اکبر - رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی - حجت الاسلام. فیضانی - میرزا علی - علی مشکینی - از حکام شرع دادگاههای انقلاب در سال شصت به بعد - آیت الله.



رژیم در گرداب بحران

فیض سرابی - محمد - از حکام شرع دادگاههای انقلاب.

فیضان - باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

قادی - مدیر کل وزارت نیرو.

قانی - فاطمه - از اعضای باند سرکوب های خیابانی و سیاسی و عضو جامعه زینب.

قاسم زاده - ابوالقاسم - از مدیران سابق صدا و سیما - داماد موسوی اردبیلی - از اعضای باند رسانه ای نظام ولایت مافیها.

قاسمی - بازجوی زندان اوین در سالهای بعد از انقلاب.

قاسمی - رستم - سردار سپاه - مسئول جدید فرارگاه سازندگی خاتم الانبیا - وی قبلاً مسئول فرارگاه سازندگی نوح وابسته به نیروی دریایی سپاه پاسداران بود.

قاسمی - سعید - سردار سپاه - کسی که اسلحه ها را در روزهای ۱۸ تیر از پادگان ثار الله به شهرک محلاتی برد. فرارگاه ثارالله حافظ تهران است و فرمانده آن مستقیماً از سوی رهبری تعیین می شود.

قاسمی - رئیس کل دادگستری استان قزوین - حجت الاسلام.

قانع - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

قبه - مرتضی - رضا اصفهانی - حاجی کمیل - مسئول دفتر سعید امامی در وزارت اطلاعات.

قبه - برادر قبه روئیس دفتر سعید امامی که رئیس دفتر کرباسچی بود، از اعضای باند مافیایی - امنیتی و اقتصادی.

قدیمی - احد - رئیس حراست فرمانداری ها و دهمی های وزارت کشور - داماد پروین احمدی نژاد که به جرم اختلاس اخراج شد. وی از گروه مداحان نظام ولایت است.

قدوسی - سعید مجید - از بازجویان زندان اوین که به مقام دادپاری در اوین رسید. وی فرزند آیت الله قدوسی بود.

قدوسی - علی - از دادستانهای انقلاب در سال های اول انقلاب - آیت الله.

قدیانی - اکبر - از نیروهای وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی وابسته به گروه صف - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی.

قدیری - جواد - از نیروهای اطلاعات در دهه شصت.

قدیری ابیانه - آبادگران جوان - وزارت اطلاعات.

قدیریان - احمد - معاون اجرایی دادستانی اسدالله لاجوردی.

قزائتی - محسن - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام.

قربانی - از پاسداران زندان اوین.

قربانی - از دوستان احمدی نژاد، استاندار آذربایجان شرقی.

قربانی - زین العابدین - از مرتبطين به قوه قضاییه - حجت الاسلام.

قربانی - دادستان استان خراسان جنوبی.

قربانی دماوندی - علی - از باند اطلاعات خارجی مستقر در فرانسه.

قربانی فر - علی از نیروهای وابسته به اطلاعات در فرانسه.

قره باغی - سیداکبر - از حکام شرع و مسئولین قضایی.

قزایی - میر محمد - استاندار ایلام در دوره اکبر هاشمی.

قریشی - سیدعلی اکبر - از حکام شرع و امامان جمعه.

قزویی - محمد حسین - از سخنرانان مراسم انصار حزب الله.

قشقایی - سفیر ایران در سوئد و از اعضای باند ترورهای خارجی و سخنگوی فعلی وزارت امور خارجه. وی منعم به قتل کریم محمد زاده - عفت قاضی و نایبانی کامران هدایتی است.

قضاعی عباسعلی - از بازماندگان خاندان بزرگ سرمایه دار قضاعی و از بزرگترین فعالان صنعت چینی در کشور - از اعضای مورد تأیید در باند اقتصادی نظام.

قطبی - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام. وی منتسب به مصباح یزدی است.

قطبی - مدیر نمونه بسیجی استان و مدیر کل زندانها استان قم.

قلی پور - از نیروهای وابسته به انصار حزب الله.

قلی ها، مدیرکل دفتر ستاد مبارزه با قاچاق کالا - از نزدیکان بذریاش.

قنادان - از نیروهای اطلاعات در دهه شصت. از همکاران مصطفی پور محمدی در سالهای بعد از اطلاعات.

قنبری - خسرو - تهرانی - تهرانی - از نیروهای اطلاعات نخست وزیری و اطلاعات در دهه شصت.

قند فروش - مشاور خانواده وزیر کشور، زن برادر هاشمی ثمره.

قندی سید محمود - وزیر مخابرات ابتدای انقلاب و عضو حزب جمهوری اسلامی که در ۷ تیر در انفجار دفتر حزب کشته شد.

قندی - مسعود - از نیروهای باند سرکوب های خیابانی که در حملات به مردم شرکت می کرد.

قنوتی - مشاور جوان وزیر نفت و رئیس روابط عمومی آن وزارتخانه.

قهرودی - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت.

قوامی هنر - مهدی - معروف به "قوام" از اعضای باند ترورهای داخلی و خارجی.

قیاسی - سردار سپاه - فرمانده بسیج استان خراسان رضوی که قبلاً در نیروی انتظامی مشغول به کار بوده است.

انقلاب اسلامی: ویرانگرهای دولت مافیها در داخل و خارج از کشور نمی تواند با تجاوزها به حقوق انسان همراه نباشد:

اعدام به جرم محاربه و کشتن به جرم اعتراض به سنگینی مالیات و سانسور و...

در تاریخ ۹ تیر ۸۹، به گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، از وضعیت و شرایط سعید ترابیان و رضا شهابی دو فعال سندیکای شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه که از چند هفته پیش با یورش مامورین واواک دستگیر و به سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ منتقل شدند خبری در دست نیست.

در تاریخ ۱۰ تیر ۸۹، به گزارش شکل های کارگری، خسرو بوکانی، فعال کارگری و عضو هیات اجرایی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد شکل های کارگری به دوسال زندان محکوم شد.

در تاریخ ۱۰ تیر ۸۹، به گزارش دانشجویان، پدram رفعتی فعال سابق دانشجویی پلی تکنیک از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به دو سال حبس تعزیری و ۳۰۰ هزار تومان جریمه نقدی محکوم شد.

در تاریخ ۱۰ تیر ۸۹، به گزارش سوسن نیبانیان شهروند بهایی ساکن سمنان که توسط دادگاه بدوی و تجدید نظر استان سمنان به اتهام تبلیغ علیه نظام و عضویت در تشکیلات بهایی به یک سال و نیم حبس تعزیری در تهران محکوم شده بود روز چهارشنبه ۹ تیر ماه به دایره اجرای احکام دادگاه

انقلاب سمنان احضار و بعد به محل بازداشت، زندان اوین منتقل شد.

در ۱۲ تیر ۸۹، به گزارش سایت حقوق بشر ایران به نقل از روزنامه کیهان یک نفر که به اتهام سرقت دستگیر شده بود، براساس حکم مرجع قضایی، به قطع دست محکوم شد. حکم صادره با حضور مسئولان قضایی ملایر و نمایندگان اجرای احکام دادگستری استان همدان، به اجرا درآمد.

در ۱۳ تیر ۸۹، نماینده کاشمر خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد در صحن علنی مجلس گفت: "وقتی یک نماینده مجلس از وضعیت اقتصادی و فرهنگی کشور انتقاد می کند، روزنامه ها جرات درج کردن آن را ندارند و می ترسند که از معاونت مطبوعاتی تذکر بگیرند. کما اینکه وقتی دبیر شورای عالی امنیت ملی در مورد دلارهای نفتی مساله ای را مطرح می کند، به خاطر درج آن به ۱۴ روزنامه تذکر می دهند! با این حساب تکلیف دیگران روشن است! به همین خاطر است که ۱۰ روزنامه به خاطر چاپ سخنان فرزند شهید مطهری تذکر می گیرند."

در ۱۳ تیر ۸۹، به گزارش خبرگزاری هرانا، بیش از ۶۰ تن از دانشجویان دختر دانشگاه آزاد قم از فروردین ماه سال جاری تاکنون به کمیته انضباطی این دانشگاه احضار شدند.

در ۱۳ تیر ۸۹، بنابر گزارش "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد شکل های کارگری"، در تاریخ ۱۱/۴/۸۹ شش نفر از اعضای کمیته هماهنگی به نامهای صمد احمدپور - رحمان تنها - رحمان ابراهیم زاده - فتح سلیمانی - حسین پیرونی - عباس هاشم پور و همچنین عیسی ابراهیم زاده از فعالین کارگری شهر اشونیه از طرف شعبه اول دادگاه انقلاب ارومیه احضار شدند و به آنها اعلام شد تا در تاریخ ۲/۵/۸۹ در این دادگاه حاضر شوند.

در ۱۳ تیر ۸۹، به گزارش روابط عمومی دادگستری سیستان و بلوچستان، به موجب احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی متهمان امان الله پوریان فرزند ملنگ و یونس رحمانی فرزند رئیس صبح امروز در زندان مرکزی زاهدان به دار آویخته شدند. بر پایه این گزارش، هر دو نفر به اتهام محاربه و مسد فی الارض بودن به اعدام محکوم شدند.

در ۱۴ تیر به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از دبیر هیات نظارت بر مطبوعات در جلسه مورخ ۸۹/۴/۱۴ هیات نظارت بر مطبوعات گزارش تخلفات نشریات مطرح و بشرح ذیل تصمیم گیری شد:

دو هفته نامه "مدینه گفتگو" با گستره توزیع استان مرکزی به دلیل افترا به مقامات و نهادهای کشور و پخش شایعات و مطالب خلاف واقع، به استاد بندهای ۸ و ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات و به علت اصرار بر تخلفات مورد اشاره به استاد تبصره ۲ ماده ۶ و تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات، توقیف و مراتب جهت پیگرد قانونی به مراجع قضایی ارسال شد.

براساس این گزارش به نشریه "نسیم بیداری" بدلیل افترا به مقامات کشور و ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به

استاد بندهای ۴ و ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات تذکر داده و مراتب جهت پیگرد قانونی به مرجع قضایی ارسال شد. همچنین به نشریات "رزم آور" و "دنیای کاراته" بدلیل پرداختن به موضوع عرفان های کاذب و اندیشه های ساختگی بر خلاف موازین اسلامی، بدون نفي منطقی و کارشناسانه آنها، به استاد بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات تذکر داده شد.

در ۱۴ تیر ۸۹، به گزارش هرانا، یک مرد و یک زن به اتهام قاچاق مواد مخدر در محوطه زندان مرکزی ارومیه اعدام شدند. نام یکی از افراد اعدام شده مصطفی رحیمی بوده که به همراه مادرش از طریق حلق آویز اعدام شد.

هم چنین صبح امروز ۵ تن دیگر از زندانیان محبوس در زندان مرکزی ارومیه به منظور اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شدند. فیصل ساعدی، کرم عزیزی و امید نورانی اسامی سه تن از این افراد است.

در ۱۵ تیر ۸۹، به گزارش ایسنا، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران پیشتر کیوان صمیمی را به استناد مواد ۵۰۰ و ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی مجموعاً به ۶ سال حبس و به استناد ماده ۱۹ قانون یاد شده به محرومیت مادام العمر از فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محکوم کرده بود.

شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر ضمن تأیید مدت حبس محکوم، محرومیت وی از فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به ۱۵ سال کاهش داد.

در ۱۵ تیر ۸۹، به گزارش جرس، اتهام لبلا توستی این است که در روز عاشورا شاهد جان باختن جوانی در زیر چرخهای خودروی نیروی انتظامی بوده و دیده های خود را برای رسانه ها بازگو کرده است.

در ۱۵ تیر ۸۹، به گزارش جهان نیوز، بازار طلا و پارچه فروشان تهران، با هدف مخالفت با مالیات بر اصناف دست به اعتصاب زدند.

در ۱۵ تیر ۸۹، به گزارش آفتاب، حدود ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت ساختمان نصب واقع در شرکت پالایش نفت آبادان، به دلیل عدم پرداخت حقوق خود، دست از کار کشیده و در محل پروژه فاز ۳ پالایشگاه آبادان تجمع نموده و خواستار حقوق و کسر کسورات از جمله مالیات شدند.

در ۱۵ تیر ۸۹، به گزارش فارس، تعدادی از کارگران کارخانه نساجی نازنخ قزوین مقابل مجلس تجمع کردند. این افراد به عدم دریافت حقوق خود پس از ۶ ماه معترض بودند.

در ۱۶ تیر ۸۹، جمعی از مادران عزادار در سالروز حمله به کوی دانشگاه توسط نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها به دیدار خانواده مجید توکلی، رفتند تا همدردی مادران را با مادر مجید که این روزها یکبار دیگر سخت نگران سلامتی اوست اعلام نمایند.

در ۱۶ تیر ۸۹، به گزارش هرانا، ابوالفضل عابدینی روزنامه نگار و از مسئولان سابق مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، از دیدار با خانواده خود منع شد.

در ۱۶ تیر ۸۹، تعدادی از خانواده های دستگیرشدگان ۲۲ خرداد، در مقابل درب دادسرا واقع در خیابان معلم تجمع کرده بودند و خواستار رسیدگی به وضعیت فرزندانشان بودند. مادران و پدران دستگیرشدگان در هوای گرم حاضر نبودند که محل را

ترک کنند و خواهان پاسخگویی مسئولین مربوطه بودند. شدت هوای گرم بصورتی بود که اکثر مادران و پدران که مجبور بودند گرمای هوا را تحمل کنند گرمزده شدند.

در ۱۶ تیر ۸۹، لباس شخصی ها و بسیجی ها و دیگر مأموران سرکوب رژیم به بازار در اعتصاب، یورش بردند. مغازه ها، بکنار، بازاریان نیز مورد ضرب و شتم مأموران قرار گرفتند. یکی از آنان، به نام حاج آقا کاشانی، به ضرب کارد لباس شخصی ها از پای درآمد.

در ۱۷ تیر به گزارش هرانا، در تداوم اعتراضات بازاریان تهران، اعتصابیون اعلام کرده اند که تا "از بین رفتن قانون افزایش مالیات های کلان"، دست از اعتصاب نخواهند کشید. همزمان یکی از رهبران اعتصاب بازار، توسط مأموران امنیتی و لباس شخصی ها بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شد.

در ۱۸ تیر ۸۹، به گزارش جرس، جمع گسترده ای از مردم، بعد از ظهر پنجشنبه ۱۷ تیرماه ۸۹، با تجمع در بهشت زهراي تهران، یاد و خاطره شهدای جنبش و بویژه بازداشت شدگان ۱۸ تیر گذشته که در بازداشتگاه کهریزک جان باختند را گرامی داشتند.

در ۲۱ تیر ۸۹، به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، خانواده بهزاد باقری، دانشجوی آزادی خواه و برابری طلب از سوی نهادهای امنیتی تحت فشار شدید قرار دارند. روز ۱۶ تیر پدر و مادر بهزاد باقری به ستاد خبری واواک احضار و پس از بازجویی و اخذ تعهد آزاد شدند. گفتنی است بازجوها حکم جلب مادر بهزاد باقری را نیز داشته اند.

در ۲۱ تیر ۸۹، به گزارش جرس، بازار پارچه فروشان و بخشی از بازار فرش فروشان تهران روز یکشنبه در اعتراض به کشته شدن یکی از بازاریان بدست لباس شخصی ها در حالت نیمه تعطیل بود.

در ۱۹ تیر ۸۹، به گزارش هرانا، مهران صفوی قمی، از دانشجویان مترجمی زبان دانشگاه آزاد ورامین از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه، به دو سال حبس محکوم شد.

در ۲۱ تیر ۸۹، به گزارش هرانا، هفته پیش از آن، یک دختر جوان به نام الناز بابازاده، توسط نیروهای لباس شخصی پس از تجاوز به قتل رسیده است.

یکی از افراد بسیج به بهانه بد حجابی، با سد کردن راه خودرو الناز بابازاده در منطقه ولیعصر تبریز دستور توقف و به اصطلاح "اصلاح حجاب" وی را می دهد. او با مقاومت این دختر جوان مواجه می شود. فرد مذکور، با کشیدن سلاح و تهدید وارد خودروی خانم بابازاده می شود و بلافاصله پس از آن دوتن دیگر از نیروهای لباس شخصی نیز وارد خودرو می شوند. این سه تن پس از ضرب و شتم وحشیانه و تعرض و تجاوز جنسی به این دختر جوان ۲۶ ساله وی را با شلیک گلوله به قتل می رسانند و جسد را در اطراف گورستان امامیه تبریز رها می کنند.

در ختم الناز بابازاده، معلوم می شود که فرزند یکی از سرداران پاسدار او را به قتل رسانده و انگیزه خود از قتل و تجاوز را مبارزه با بد حجابی و انجام فرمان خدا اعلام کرده است!

خانواده بابازاده از این فرد شکایت کرده اند. اما گفته می شود سپاه تبریز می خواهد پرونده این جنایت را در اختیار خود بگیرد.



«۲۶ خرداد» بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد دکتر مصدق

وثوق الدوله بمحض اینکه در نخستین روزهایی که زمام امور را در دست گرفت، به طور محرمانه مذاکراتی را برای انعقاد یک قرارداد با نمایندگان دولت انگلیس آغاز کرد که این مذاکرات، به صورت کاملاً سری، در حدود نه ماه به طول انجامید. سرانجام در روز هجدهم مرداد سال ۱۲۹۸ شمسی یک روز پس از امضای قرارداد ۱۹۱۹ خائنه در حالی که احمد شاه در جریان قرار داد قرار داشت، عازم اروپا گردید. (۳)

در این زمان بطور ناگهانی بدون زمینه قبلی، اعلامیه وثوق الدوله به ضمیمه متن قرارداد در ایران منتشر شد و اعلام گردید که این قرارداد مورد تصویب هیئت وزیران قرار گرفته است. این قرارداد شامل شش ماده و یک مقدمه و خلاصه آن عبارت بود از تعهدات انگلستان درباره احترام مطلق به استقلال و تمامیت ایران، تامین مستشاران انگلیسی برای ادارات ایران و همکاری با ایران در زمینه احداث خطوط آهن و شبکه ارتباطی به همراه اعطای وام از طرف انگلستان. همچنین به موجب این قرارداد، انگلیس، زمام امور مالی، اقتصادی و ارتش ایران را در دست می گرفت و ارتش متحدالشکل زیر نظر فرماندهان انگلیسی تشکیل می شد. تعرفه گمرکی نیز در ظاهر برای حفظ منافع ایران و در حقیقت به سود بریتانیا تغییر می یافت. (۴)

با انتشار این بیانیه، موجی از مخالفت و موافقت در کشور برخاست و وثوق الدوله برای آرام کردن اوضاع، به برخی مخالفان خود، مقادیر زیادی رشوه داد. این رشوه گرفتنها در بین اکثر رجال سیاسی متاسفانه رواج داشت. برایشان منافع شخصی مقدم بر حقوق و مصالح ملی بود.

دکتر جواد شیخ الاسلامی محقق سرشناس ایرانی می نویسد: «یکی از نخستین مواردی که در آن سوء نیت مجربان قرارداد را فاش و دم خروس آشکارا دیده شد، در طرح و تصویب این نامه مربوط به ارتقاء افسران ارتش جدید ایران بود.

این آئین نامه که متن آن را افسران انگلیسی (وابسته به وزارت جنگ ایران) تنظیم کرده بودند صریحاً مقرر می داشت که ارتقاء افسران ایرانی در آئین نامه درجه ستوان یکمی به بالا ممنوع است و صاحبان درجات بالاتر (از سروانی تا سرلشکری) همه باید انگلیسی، استرالیایی، یا نیوزلندی و به هر تقدیر باید دارای تابعیت بریتانیا باشند.

موقعی که مواد این آئین نامه در کمیسیون مشترک نظامی - مرکب از هفت افسر ارشد انگلیسی و هفت افسر ارشد ایرانی - خوانده شد، دو تن از اعضای ایرانی این کمیسیون که خوشبختانه میهن پرستی و تعصب ملی شان هنوز خشک نشده بود، احساس کردند که رای موافق دادن به چنین ماده ای خیانت محض به ایران و مغایر با شئون ملیت ایرانی است و به این دلیل حاضر نشدند پای گزارش کمیسیون را امضاء کنند. ولی بقیه همقطاران آنها امضاء کردند. (۵)

یکی از این دو افسر رشید ایرانی - مرحوم سرتیپ فضل الله خان آق اولی (۶) - که تحصیلات عالی نظامی خود را در انگلستان تمام کرده بود، به همین جرم که شئون و مصالح حکومت خود را بر منافع بریتانیا در ایران ترجیح داده است مورد بازخواست شدید سپهبد ارشد (فتح الله خان اکبر، وزیر جنگ

کابینه وثوق قرار گرفت و از شدت تأثر خاطر، موقعی که برایش مسلم شد که وزرای آبی ایران (مثل همین سپهبد) هر تصمیمی را که انگلیسها بگیرند، هر قدر هم مضر و مغایر با شئون ملی باشد کور کورانه و نوکر مناشانه اجرا خواهند کرد، مرگ را بر زندگی در چنین کشوری که در آن خارجی بی رفت حاکم و فعال مایشاء سرنوشت ایرانی گردد، ترجیح داد و در روز اول فروردین ۱۲۹۹ شمسی از شدت غم و اندوه در خانه اش خودکشی کرد. نامه وی (خطاب به وزیر جنگ ایران) که در آن علل انحرارش را ذکر کرده بود هرگز انتشار نیافت. ولی محارم وزارت جنگ که متن نامه افسر فقید را خوانده بودند بعداً تأیید کردند که تصمیم کمیسیون مشترک نظامی، و از آن بدتر ناسپاسی و نوکر منشی وزیر جنگ که به جای تقدیر از افسری چنین غیور و برازنده او را مورد توهین و بازخواست هم قرارداد بود که چرا به دلخواه انگلیسها در آن کمیسیون رفتار نکرده است، به مرگ و فناء آن مرحوم انجامیده بوده است. وی با این اعتراض مردانه که به قیمت جانش تمام شد، هموطنان خود را متوجه ساخت که انگلیسی ها در زیر پرده قرار داد چه سرنوشت شوم و خفت باری برای ایران تهیه دیده اند. دامنه این تبعیض (به همین صورت یا به نحوی مشابه) قرار بود به سایر وزارتخانه های ایرانی نیز کشیده شود و در آنجاها نیز مقامات حساس کشوری و اداری در درجه اول به عمال و مستشاران انگلیسی واگذار گردد.



احمد شاه

استقلال فرهنگی و آموزشی ایران پس از اجرا شدن قرار داد، عملاً از بین می رفت و ایرانیان مجبور می شدند سیاست علمی و فرهنگی خود را بدان سان انگلستان می خواست، و نه بدان سان که مصلحتشان بود، طرح و تنظیم کنند. استخدام مستشار و استاد دانشگاه از کشورهایی که مورد قبول انگلستان نبودند، حتی در مواردی که کشور مورد نظر از حیث علم و تمدن و فرهنگ بر انگلستان برتری داشت، عملاً مجاز نبود. حادثه ای که در زیر نقل می شود برای نشان دادن آن نوع سیاست فرهنگی که طراحان قرارداد می خواستند در آئین در ایران اجرا کنند، کاملاً کافی است:

به لرد کرزن خبر رسیده بود که هیئتی از استادان و کارشناسان قضائی فرانسه با تصویب و رضایت دولت متبوع خود عازم ایران هستند تا دانشکده حقوق در تهران تاسیس کنند. در تاریخ وصول این خبر به لندن (چهارم ژوئیه ۱۹۱۹) گرچه مذاکرات مربوط به امضای قرار داد به مراحل نهائی اش نزدیک می شد ولی متن آن هنوز امضاء نشده بود و با اینهمه لرد کرزن، عیناً مثل کسی که خود را فعال مایشاء ایران می داند، از دریافت این خبر به شدت برآشفته و از مسیو کامیون (سفر کبیر فرانسه در لندن) در خواست کرد که او را بیدرتنگ در وزارت

امور خارجه ملاقات کند. در گزارشی که پس از ختم این مصاحبه برای اطلاع سفیر کبیر انگلستان در پاریس (لرد دارابی) مخابره شده است، نکات جالبی هست که بعضی از آنها جا دارد عیناً نقل شود. لرد کرزن می نویسد: «... از مسیو کامیون سؤال کردم چطور شده است که حضور چهار استاد حقوقدان فرانسوی در کشوری که در آن قانون مدون، و به طور قطع قانون مدون اروپائی، وجود ندارد دفعتاً اینهمه ضرورت پیدا کرده است؟! آیا این عده برای تدریس فقه اسلامی به تهران می روند؟ که البته چنین نیست. پس من حق دارم از ایشان سؤال کنم که این استادان پس از اینکه وارد تهران شدند، چه می خواهند بکنند؟ با توجه به این حقیقت که مرز میان «حقوق» و «سیاست» خیلی باریک و پهنه این دو علم به تصدیق همگان قاطعی شدنی است، می ترسم که این آقایان پس از ورود به تهران چون کار و مشغله بهتری ندارند، شروع به دخالت در سیاستهای محلی بکنند و به ستایشگران تقنی تبدیل گردند... عالیجناب سفیر کبیر فرانسه با دقت و حوصله ای قابل تحسین به اعتراضات من گوش داد و سپس پرسید: آیا برای جلب رضایت انگلستان کافی است این استادان فرانسوی که به ایران می روند فقط متخصصان رشته های پزشکی، جراحی، ریاضیات، ادبیات و نظایر آنها باشند و حوزه تخصصشان به زمینه های وسیعتر (مانند حقوق، اقتصاد، سیاست) که ممکن است ایجاد اشکالاتی کند کشیده نشود؟ موقعی که به این سؤال جواب مثبت دادم مسیو کامیون قول داد که در سفر قریب الوقوعش به پاریس، شخصاً ترتیبات این کار را بدهد و اسباب رضایت ما را فراهم سازد...» (۷)

دخالت کرزن در سیاستهای داخلی ایران محدود به همین یک موضوع نبود بلکه هنوز مرکب قرارداد خشک نشده، عیناً مثل اینکه نایب السلطنه و فرمانروای حقیقی ایران است به خود حق می داد درباره انتصابات داخلی کشور اظهار نظر کند و از بکار گمارده شدن رجال میهن پرستی که مورد علاقه اش نبودند جلوگیری نماید.

در بیست و چهارم اوت ۱۹۱۹ (درست دو هفته پس از امضای قرارداد) وزیر مختار انگلیس در تهران (سرپرسی کاکس) به لرد کرزن اطلاع داد که وثوق الدوله خیال دارد احتشام همایون (دبیر سابق سفارت ایران در لندن) و محمد علی خان فروغی (ذکاء الملک) را به عنوان نمایندگان رسمی ایران در سازمان نو بنیان جهانی - جامعه ملل - تعیین کند. جواب لرد کرزن به این تلگراف، سرنوشتی را که انگلیسها برای ایران خواب دیده بودند (یعنی حکومت غیر مستقیم از پشت پرده) آشکارا نشان می دهد. وی به کاکس ابلاغ کرد: «هیچ کدام از این انتصابات را نمی پسندم و خیلی متعجبم که نخست وزیر آنها را برگزیده است. خیال دارم موقعی که نصرت الدوله به لندن آمد در این باره با او صحبت و پیشنهاد کنم صدیق السلطنه را به عنوان عضو اصلی هیئت انتخاب کند.»

در نظام آینده ایران (تحت قرار داد ۱۹۱۹) برنامه کار همین بود که اوامر مقامات تصمیم گیرنده انگلیس از لندن به سفارت انگلیس ابلاغ وزرای ایرانی در هر وزارتخانه ای که بودند مستشاری بالای سر خود داشتند که از اوامر نمی توانستند سر پیچی کنند و در صورت بروز اختلاف شدید میان وزیر و مستشار، البته هیچ کدام از این شرایط و مقررات در متن قرار داد قید نشده بود ولی با توجه به این حقیقت که پس از تصویب شدن آن در مجلس (که خوشبختانه نشد) اختیار ارتش و دارائی کشور عملاً بدست انگلیسیها می افتاد. همین قدرت استثنائی، توأم با روحیه زبون و فرمان پذیری دولت وقت، آنها را قادر می ساخت تا فعال مایشاء ایران شوند و اراده خود را به هر نحوی که خواستند بر ایرانیان تحمیل کنند. و توسط مستشاران

انگلیسی در ایران به معرض اجرا گذاشته شود. »

انگلیسی ها برای تسهیل امضای قرارداد، مبلغ چهار صد هزار تومان (که به پول آن زمان مبلغ بسیار هنگفتی می شد) میان سه وزیر عاقد قرار داد به شرح زیر تقسیم کرده بودند:

نخست وزیر (وثوق الدوله) ۲۰۰,۰۰۰ تومان
وزیر خارجه (شاهزاده فیروز میرزا نصرت الدوله) ۱۰۰,۰۰۰ تومان

وزیر دارائی (شاهزاده اکبر میرزا صادم الدوله) ۱۰۰,۰۰۰ تومان
پیش از تقسیم این پولها، از لندن به سرپرسی کاکس دستور داده شد حتی المقدور چانه بزند تا شاید حق العمل وزرای رشوه گیر را تقلیل بدهد. کاکس در تلگراف مورخ چهاردهم اوت ۱۹۱۹ خود جواب داد:

«... حد اعلاى موفقیتهای که در این کار نصیب شد پائین آوردن مبلغ مورد مطالبه به چهار صد هزار تومان بود که معادل است با یکصد و سی و یک هزار و صد و چهل و هفت لیره و یازده شلینگ و نه پنس... از لحاظ رعایت انصاف این موضوع را محرمانه باید به اطلاعان برسانم که در قضیه مطالبه پول، خود وثوق الدوله اقتدر پافشاری نداشت که آن دو وزیر دیگر (نصرت الدوله و صادم الدوله) که حقیقتاً جانم را به لب آوردند...» (۸)

اما قرار داد ۱۹۱۹ ضمایم محرمانه ای هم دارد که از نظر گاه موشکاف تاریخ حتی از متن خود قرار داد مهمتر است. علت الحاق شدن ضمایم اخیر به متن قرار داد، به طور خلاصه این بود که شاه و وزرای عاقد قرارداد هر کدام توقعاتی از انگلستان داشتند که همه را نمی شد اجابت کرد ولی به قسمتی از آن توقعات می شد جواب مساعد داد. قیمتی که احمد شاه برای پشتیبانی از قرار داد مطالعه می کرد از دو قلم مهم تشکیل می شد:

۱ - در نامه کاکس به وثوق الدوله در باره ادامه پرداخت مقرری ویژه اش (به ماخذ پانزده هزار تومان در ماه) مادام العمر به احمد شاه آمده است.



سر پرسسی کاکس

نامه مورخ نهم اوت کاکس به وثوق الدوله: عالیجناب،

عطف به قراردادی که امروز میان دولتین ایران و انگلیس امضاء شد و هدفش اجرای اصلاحات اساسی در ایران است، افتخار دارم طبق تمایل عالیجناب، نتیجه مکاتباتی را که با حکومت متبوع دربار شاه شخص علیحضرت سلطان احمد شاه انجام داده ام به استحضار برسانم.

دولت متبوع من مطالبی را که عالیجناب، بنام علیحضرت پادشاه

ایران به دوستاندار ابلاغ فرمودید، با کمال دقت و همدردی مورد بررسی قرار داده اید و اینک پاسخ آنها:

کابینه انگلستان چنین نظر داده است که جلب موافقت مجلس شورای ملی انگلیس با آن قسمت از درخواست علیحضرت که یک مقرری ثابت مادام العمر به ایشان پرداخت گردد، عملاً غیر ممکن است. اما در مقابل، دولت متبوع من حاضر است، پرداخت مقرری فعلی علیحضرت را کماتر از گذشته دهد. مشروط بر اینکه معظم له از صمیم قلب حامی کابینه عالیجناب باشند و آن را بر سر کار نگهدارند.

صرف نظر از اطمینان هائی که تا به حال داده شده، اجازه می خواهم این نکته را شخصاً اضافه کنم که علیحضرت می توانند کاملاً از این حیث احساس امیدواری و قوت قلب کنند که پس از آنکه وضع مالی ایران تحت قرارداد جدید سروسامانی پیدا کرد، شخص مقام سلطنت و کارمندان دربار ایشان بالمال از این افزایش درآمد داخلی سهمی شایان و قابل ملاحظه خواهند برد.

با احترامات: ب. ز. کاکس. (۹)

۲ - تضمین سلطنت وی و اعقابش در ایران از طرف بریتانیای کبیر.

پس از بحث ها و چانه زدنهای زیاد، انگلیسها سرانجام حاضر شدند سلطنت احمد شاه و جانشینان او را در ایران با شرایطی که دست زمامداران لندن را در اتخاذ هر نوع تصمیم بعدی آزاد می گذاشت تضمین کنند و نامه ای در این زمینه به وثوق الدوله نوشته شد که به احمد شاه تسلیم کند که در متن نامه وزیر مختار انگلیس خطاب به وثوق الدوله چنین است:

«در رابطه با قراردادی که امروز - نهم اوت ۱۹۱۹ - میان دولتین ایران و انگلستان بسته شد، از جانب حکومت عالیجناب برسانم که علیحضرت سلطان احمد شاه قاجار و جانشینان ایشان، مادام که بر وفق سیاست و صوابدید ما در ایران عمل کنند، از حمایت دوستانه حکومت علیحضرت پادشاه انگلستان برخوردار خواهند بود.

با احترامات: پرسسی. ز. کاکس»
همانطور که در سند شماره ۴ خواندید، اگر اما تقاضای دیگر احمد شاه (پرداخت مقرری مادام العمر به وی) مورد قبول لندن قرار نگرفت و محرمانه به معظم له خاطر نشان شد که بهبود وضع مالی و اقتصادی ایران که از هدفهای عمده قرار داد است، نه تنها درآمد عمومی مملکت بلکه عواید خصوصی مقام سلطنت را نیز بالا خواهد برد و به این ترتیب دیگر احتیاجی به ادامه این پرداخت باقی نخواهد ماند. (۱۰)

دومین ضمیمه محرمانه قرار داد، سندی است بسیار مهم و عبرت انگیز وزرای شاه گانه که این قرار داد را از جانب ایران امضا کرده بودند (حتی بی آنکه اعضای دیگر کابینه را از جریان مذاکرات مطلع سازند) هر سه از عاقبت خود بیمناک بودند و می ترسیدند که پیش از تصویب قرارداد در مجلس، انقلابی در ایران رخ دهد و زمام حکومت را به دست دموکراتها و ملیون افراطی بیندازد که در آن صورت (همچنانکه خودشان می دانستند) رهائی از دست چنین حکومتی برای هیچ کدامشان امکان پذیر نبود. از این جهت، و برای رهائی از کیفی که احتمال می رفت دامگیرشان شود، دو امتیاز اساسی از دولت بریتانیا می خواستند:

۱ - تضمین نامه کتبی از طرف دولت بریتانیا که اگر در نتیجه بسته شدن قرارداد، شورش در ایران بر پا خاست و حکومت وثوق الدوله سقوط کرد، دولت انگلستان هر سه وزیر عاقد قرارداد را در یکی از مستملکات خود به عنوان پناهنده سیاسی بپذیرد.



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد کتر مصدق»

تعیین خواهد کرد، پرداخت خواهد شد. مستشار مزبور که استخدامش در ماده ۲ قرارداد اصلی پیش بینی شده است، پس از اینکه وظایف خود را در تهران تحویل گرفت، نحوه دریافت این وام و محل مصرف آن را به دولت ایران پیشنهاد خواهد کرد.

ماده ۲ - حکومت ایران برعهده می گیرد که بهره این وام را ماه به ماه به ماخذ سالیانه ۷٪ پرداخت کند. هر آن مبلغی که تحت ماده یک این قرارداد، تا بیستم مارس ۱۹۲۰ به دولت ایران پرداخت شود، مشمول بهره ۷٪ خواهد بود. از آن تاریخ بعد، دولت ایران بازپرداخت وام خود را چنان تقسیم خواهد کرد که اصل مبلغ وام بهره سالیانه آن (۷٪) کلاً در عرض بیست سال بعدی مستهلک گردد.

ماده ۳ - کلیه درآمدها و عواید گمرکی کشور که طبق قرارداد مورخ هشتم مه ۱۹۱۱ برای بازپرداخت وام قبلی ایران به دولت انگلیس (به میزان ۱,۲۵۰,۰۰۰ لیره استرلینگ) تخصیص داده شده است از این تاریخ بعد، به عنوان محل تأدیه وام کنونی تلقی خواهد شد و تمام شرایط مندرج در قرارداد فوق (قرارداد ۱۹۱۱) به قوت و اعتبار سابق خود باقی خواهد ماند.

بازپرداخت وام کنونی از محل درآمدهای مذکور در این ماده، بر تمام بدهی های دیگر دولت ایران، به جز وام ۱۹۱۱ و وامهایی که در آئینه ممکن است از طرف حکومت انگلستان به حکومت ایران پرداخت گردد، تقدم خواهد داشت. در صورتی که درآمدهای مذکور در این ماده، برای بازپرداخت اقساط وام کنونی کافی نباشد، حکومت ایران برعهده می گیرد که کمبود آن را از درآمدهای دیگر تأمین کند و در صورت لزوم درآمدهای گمرکی تمام نقاط دیگر ایران را که تحت اختیارش هست، با رعایت تمام قیود و شرایطی که در قرارداد ۱۹۱۱ تصریح شده، بازپرداخت وام کنونی و دیگر وامهایی که ممکن است در آینده دریافت کند، اختصاص دهد.

ماده ۴ - حکومت ایران حق دارد وام کنونی را هر موقع که مایل بود از محل اعتبار وامهای جدید که ممکن است از انگلستان بگیرد، مستهلک سازد.

۵- (سند شماره ۴ = ۷۱۳ در مجموعه اسناد) - صص ۳۳ و ۳۴ تلگراف مورخ یازدهم اوت سر پرسی کاکس به لرد کرزن (که رونوشت آن به هندوستان نیز مخابره شده) در مورد اعزام مستشار عالیرتبه مالی و تعیین اعضای هیئت نظامی اشاره شده است که تأکید می کند:

جناب لرد، در اجرای قراردادی که دو روز پیش با دولت ایران بسته شد، ترتیبات لازم نسبت به این دو مورد که ذکر می کنم، باید بیدرنگ و بدون فوت وقت داده شود:

۱ - اعزام مستشار عالیرتبه مالی
۲ - تعیین اعضای هیئت نظامی
در مورد هیئت اخیر، مسائل عمده ای که در پیش داریم و ترتیباتش را باید هرچه زودتر بدهیم، به حسب اهمیت عبارتند از:

در درجه اول: تعیین شماره نفراتی که در ارتش جدید ایران لازم است، تشکیل واحدهای نظامی و نحوه پخش این واحدها در سراسر کشور، تقسیمات این واحدها (هنگ، تیپ، لشکر) - نحوه جذب کردن واحدهای موجود، ادغام آنها در واحدهای نو بنیان، و تأسیس ارتش نوین، مسئله تربیت افسران و سربازان در تشکیلات جدید.

در درجه دوم: تأمین مهمات، ساز و برگ، وسایل حمل و نقل، ایجاد پادگانها و سایر تأسیسات نظامی برای جا دادن سربازان و افسران.

هیئت مستشاری نظامی، ستاد تصمیم گیرنده خواهد بود و طرح سازمانی این هیئت، با کمی تغییر و تبدیل، باید از الگوی «ستاد لشکر» (در تشکیلات نظامی بریتانیا) اقتباس شود. در این کمیسیون (یا هیئت مستشاری نظامی) افسران زیر عضویت خواهند داشت:

۱ - فرمانده ارتش (رئیس هیئت)
۲ - یک افسر عالیرتبه ستاد (قائم مقام او)

۳ - ژنرال آجودان (معاون اول)
۴ - ژنرال مسئول تسلیحات و سررشته داری (معاون دوم)

۵ - افسر ارشد نیروی هوایی سلطنتی
۶ - افسر ارشد توپخانه
۷ - افسر سیاسی

۸ - افسر پزشکی و بهداشتی
اعضای این هیئت، پس از آشنا شدن با وضع واحدهای مستقر در پایتخت، به واحدهای استانها نیز سرکشی کنند تا از نزدیک، و پیش از تسلیم گزارش نهایی خود، با اوضاع و ترتیبات محلی آشنا گردند.

از نظر پیشرفت کار، خیلی بهتر و مناسبتر است که اعضای انگلیسی این هیئت از بین افسرانی که سابقاً در هندوستان خدمت کرده اند و از سیستم نظامی آنجا تجربه دست اول دارند برگزیده شوند و نیز آشنائی کامل به یکی از دو زبان فارسی یا فرانسه، جزء شرایط اصلی گزینش آنها باشد.

از آنجا که موفقیت یا شکست قراردادی که با ایران بسته ایم، ارتباط کامل با نحوه گزینش عادلانه مأموران انگلیسی خواهد داشت که باید مواد آن را اجرا کنند، لذا این فرصتی را که به دست آمده مغتنم می شمارم تا با کمال احترام از حکومت بریتانیای کبیر و حکومت هندوستان هر دو استدعا کنم این حقیقت را تشخیص بدهند که من، به علت وضع شغلی خود، در بهترین موقعیتی هستم که می توانم در باره نوع افرادی که برای مشاغل مورد نظر لازمند قضاوت یا اظهار نظر کنم. از این جهت انتظار دارم که به هنگام گزینش این افراد وزن و اعتبار لازم به توصیه های شخص من (که متضمن مصالح عالی بریتانیا هم هست) قایل شوند و کسانی را که من صلاح می دانم بر دیگران ترجیح دهند، و از همه مهمتر اینکه به هیچ وجه افرادی که دلیل با دلایل خاص علیه استخدام آنها در تشکیلات جدید ایران دارم به من تحمیل نکنند.

کلنل فضل الله خان آق اولی

۶ - فضل الله خان آق اولی فرزند امان الله خان طیب در سال ۱۲۶۵ شمسی در اصفهان متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی به فرانسه رفت. تحصیلات عالی نظامی را در آنجا به پایان رسانید. در موقع انقلاب مشروطیت به ایران مراجعت کرد و در زمان مستشاری شوستر وارد خدمت در ژاندارمری کل کشور شد و به معاونت ژاندارمری خزانه منصوب شد. بعد از رفتن شوستر از ایران، ژاندارمری خزانه از ژاندارمری کل کشور جدا شد و کلنل آق اولی به معاونت و آجودانی آن دو انتخاب گردید. با ژنرال پارلمارسن همکاری داشت و برای خلع سلاح عشایر لرستان به آن منطقه اعزام گردید. در مراجعت به سمت معاونت و آجودان ژنرال فرمانده کل ژاندارمری ایران انتخاب شد. با شروع جنگ جهانی اول و رفتن افسران سوئدی، کلنل آق اولی مأمور خدمت در ژاندارمری یزد گردید و مدتی در استانهای دیگر از جمله مازندران به خدمت مشغول گردید. موقع انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ کمیسیون مختلطی از افسران ایرانی و انگلیسی تشکیل شد که چون کلنل فضل الله خان به زبانهای فرانسه و انگلیسی تسلط داشت، برای

همکاری با ژنرال دیکسون رئیس کمیسیون انتخاب گردید. ولی از انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ ناراضی بود و تحمل نمی کرد که افسران ایرانی زیر دست افسران انگلیسی باشند. با بررسی اسناد و مدارک نامه ای نوشت و اظهار داشت که مسئول انتخاب من کسی نیست و در سن ۳۴ سالگی خود کشتی کردم. منزل او توسط افسران ایرانی و انگلیسی بازرسی شد و اسناد و مدارک را بردند. خود کشتی کلنل فضل الله خان در آن روزها موجب سر و صدای زیادی شد و در بهم خوردن قرارداد ۱۹۱۹ اثر بسیار مثبتی داشت.

۷ - همانجا - سند شماره ۱۳ - شماره ۷۱۷ در مجموعه اسناد) نامه مورخ سیزدهم اوت/ ۱۹۱۹ لرد کرزن به سر جرج گراهام (پاریس) صص ۴۲ تا ۴۵

۸ - همانجا - سند شماره ۱۶ در همین مجموعه) - شماره ۷۲۰ در مجموعه اسناد) تلگراف مورخ چهاردهم اوت/ ۱۹۱۹ سر پرسی کاکس به لرد کرزن صص ۴۶ تا ۴۷ و نگاه کنید به: ● سند شماره ۶ (برابر با سند شماره ۷۱۲ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ یازدهم اوت ۱۹۱۹ لرد کرزن به سر پرسی کاکس که در آن آمده است: جناب وزیر عطف به تلگرافهای مورخ نهم و دهم اوت جنابعالی:
۱ - پایان موفقیت آمیز مذاکرات مربوط به عقد قرارداد ایران و انگلستان را که در کلیه شئون و مراحل آن با یک چنین لیاقت فوق العاده شرکت و نظارت داشته اید، از صمیم قلب تبریک می گویم.

۲ - از اینکه امضای قرارداد را برای تغییر دادن یکی دو کلمه در متن آن که از طرف وثوق الدوله پیشنهاد شده بود، به تأخیر نینداخته اید، ممنونم و عملتان را در این مورد تصویب می کنم.

۳ - نسبت به انتشار متن قرارداد، در یکی از تلگرافهای اخیرتان اشاره شده است که دولت ایران می خواهد سه فقره از این اسناد را انتشار دهد. خواهشمندم بیدرنگ تلگراف کنید این اسنادی که حکومت ایران در صدد انتشار آنهاست، کدام است؟

تصور می کنم متن دو فقره قرارداد (قرارداد اصلی - قرارداد وام) و نیز نامه ای که به نخست وزیر ایران نوشته اید (مربوط به خواسته های ایران در باره تغییرات مرزی) که هر حال باید منتشر شوند. ولی نامه شماره ۴ و ۵ (تضمین نامه هایی که به شاه و ارکان ثلاثه داده شده است) بهتر است محرمانه تلقی گردد. نسبت به نامه شماره ۲ (مطالبات دولتین ایران و انگلستان از همدیگر) من برای انتشارش مانعی نمی بینم. لطفاً اعلام کنید دولت ایران برای خودش در این باره چه اقدامی کرده است، یا چه اقدامی در نظر دارد بکند؟ (همانجا - صص ۳۲ تا ۳۳)

۹ - همانجا - (سند شماره ۴ (جزء ضمیمه سند شماره ۷۳۴) نامه مورخ نهم اوت/ ۱۹۱۹ سر پرسی کاکس به وثوق الدوله - صص ۳۰ تا ۳۱

۱۰ - همانجا - (سند شماره ۴

۱۱ - همانجا - سند شماره ۵ (جزء ضمیمه سند شماره ۷۳۴ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا) رونوشت سه فقره نامه، نامه ای که در تاریخ نهم اوت/ ۱۹۱۹ (روز امضاء قرارداد) به امضای سر پرسی کاکس وزیر مختار بریتانیا در تهران و هر کدام از سه وزیر امضاء کننده قرارداد (میرزا حسن خان به وثوق الدوله نخست وزیر - اکبر میرزا صرم الدوله وزیر دارایی - و فیروز میرزا نصرت الدوله وزیر خارجه) تسلیم شده است. - - - صص - ۳۱ تا ۳۳ - و نگاه کنید به صص ۱۵ تا ۴۷ همان منبع.

۱۲ - منبع: دیپلماسی ایرانی یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۸۶

۱۳ - دکتر محمد جواد شیخ الاسلامی - «سیمای احمد شاه قاجار - جلد اول» نشر گفتار - ۱۳۷۵ - صص ۲۹۳

خبرها که در مجموعه

نخوانده اید

● دلیل سوم اینست: هم اکنون، شدت گرانی و کمی درآمد، سبب انصراف خریداران از خرید کالاها شدن اند. هرگاه مالیات سنگین نیز از بازاریان گرفته شود و آنها میزان مالیات را بر قیمت های کالاها بیفزایند، از شمار مشتریان بازمی گریزند می شود. در ایران، رژیم وارونه کاری را می کند که در کشورهای گرفتار بحران اقتصادی می کنند.

● چون رژیم بازاریان را مصمم به بستن بازارهای همه شهرها دید، روز یکشنبه ۲۰ تیر را به بهانه گرما، در ۲۱ استان کشور تعطیل اعلام کرد.

* حکومت احمدی نژاد رو به

ضعف می رود و «بیت» خامنه ای، آشفته بازار است:

● سیاست اقتصادی حکومت احمدی نژاد بیش از همه، سپاه را «پاشانده» است. بدین معنی که ریختن پول زیر دست و پای سران سپاه، سبب شده است که در ازای هر یک نفر که به ثروت هنگفت رسیده است، چندین نفر یا خود را مغبون می بینند زیرا سهمی از زانته ها به آنها نرسیده است و با چون مخالف آلوده شدن سپاه به فعالیتهای اقتصادی و فساد مالی هستند، با وضع موجود مخالفتند. البته اعتراض خود را متوجه خامنه ای می کنند. ثروتمند ترین ها که در خورد و برد اندازه نگاه نمی دارند، بیشتر از ۳۰ تن نیستند.

● حمله ها به احمدی نژاد و حکومت او گسترش یافته اند. نتایج سیاست اقتصادی این حکومت و نیز بحران سازبها و تحریم و تهدیدها دارند خود را نشان می دهند. حکومت احمدی نژاد ضعیف شده است و خامنه ای نیز نمی تواند چون گذشته از این حکومت حمایت کند.

● ظاهر امر اینست که نمایندگان مجلس مافیاهای رای می دهند و به دستور خامنه ای از رای خود باز می گردند. اما باطن امر اینست که چون آنها هم می دانند خامنه ای و احمدی نژاد بی کس شده اند، فرصت را برای پولدار شدن، مغتنم شمرده اند. بنا بر خبر، «نمایندگان» این دوره، پول درآورترین «نمایندگان» مجلس رژیم از آغاز تا امروز هستند. طرفه این که رای می دهند پول می گیرند. طرح تصویب می کنند و برای لغو آن، پول می گیرند!

● «بیت» خامنه ای آشفته بازار شده است: ● پدرهای دامادها با یکدیگر اختلاف دارند: خوازی که پدر زن میثم است، به خامنه ای گفته بود: خون ریخته ای و مردم را از خود منزجر کرده ای. در عوض، خوشوقت طرفدار احمدی نژاد است و حداد عادل مخالف احمدی نژاد.

● گروه میرحجازی - وحید، دست بالا را پیدا کرده اند. مصطفی وحید معاون اجرایی بیت است و برادر او مسئول دستگاه شهود بیت.

● افراد حلقه های یک و دو و سه حفاظت خامنه ای را تغییر داده اند. علت اینست که آنها در طول مدت خدمت به اطلاعاتی دست یافته اند که وجودشان را در بیت، خطر ساز کرده است. علاوه بر این که جناح بندیها در بیت می تواند به حفاظت خامنه ای صدمه جدی وارد کند.

* بحران اتمی: حالا دیگر مدودو

نیز هشدار می دهد که ایران دارد

به ساختن سلاح هسته ای

نزدیک می شود:

● در ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۰، به گزارش لوموند و خبرگزاری فرانسه، دیپمتری مدودو، رئیس جمهوری روسیه، گفته است: «ایران نزدیک است به داشتن توانائی تکنولوژیک که می تواند در تولید سلاح اتمی بکار رود». او این اظهارات را در اجتماع سفیران روسیه در کشورهای مختلف جهان در مسکو، بعمل آورده است.

● او توضیح داده است که ایران رفتار در خوری را برای حل معضل اتمی ندارد. تصویب مجازاتها هدفی دارد و آن اینست که جریان گفتگوها برانگیخته شود. اینک باید شکبیا بود و گفتگو با ایران را زود از سر گرفت.

● در ۷ ژوئیه ۲۰۱۰، سه سناتور آمریکائی، جو لیبرمن و جون مک کین و لئیندی گراهام به اسرائیل رفتند در باره چشم انداز جنگ وسیعی بحث کنند که این بار بر ضد ایران، می تواند به راه انداخته شود. این سه مرتب اینگونه سفرها را انجام می دهند.

● مک کین بحث را گشود با گفتن این سخن که با وجود اینکه اسرائیل مکرر ایران را تهدید به حمله نظامی کرده است، در شرف انجام این حمله نیست. سناتور لیبرمن، درجا، گفت: به باور من، اگر هم اسرائیل حمله نکند، آمریکا آماده حمله به ایران هست. او تأکید کرد که از هر راه شده است، نباید گذاشت ایران به سلاح اتمی دست یابد. اگر از راه مجازاتهای اقتصادی نشد، از راه جنگ باید مانع از دستیابی ایران به سلاح اتمی شد.

● سناتور گراهام هم گفت: اگر اسرائیل به ایران حمله کند، کنگره حامی او است.

● در ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۰، فیدل کاسترو در گفتگویی تلویزیونی شرکت کرد و در آن، بابت احتمال وقوع جنگ با ایران برسر برنامه اتمش، تکراری ابراز کرد.

● در ۱۳ ژوئیه ۲۰۱۰، تلویزیون رژیم ایران کرد که شهرام امیری، فیزیک دان ایرانی که در ۲۰۰۹، در عربستان، ربوده شده و به آمریکا برده شده بود، پس از آنکه توانست از دست مأموران سیا بگریزد، به سفارت پاکستان در واشنگتن پناهنده شد. سفارت پاکستان حافظ حقوق ایران در آمریکا است. آخرین گزارش حاکی از آن است که امیری خاک آمریکا را به مقصد ایران ترک کرده است. مقام پاکستانی سفارت پاکستان نیز او را تا فرودگاه بدرقه نموده بود. وی روز چهارشنبه ۲۳ تیر وارد فرودگاه تهران شد.

* احمد جنتی به بیروت رفت

اسباب مرجع شدن سید علی را

جور کند، افتضاح بیار آورد:

● احمد جنتی، در رأس هیئتی برای شرکت در مراسم سوگواری بخاطر درگذشت شیخ فضل الله، به بیروت رفته بود. چون نوبت به نماز بر جنازه شیخ شد، او خود را جلو انداخت که امامت نماز را بر عهده گیرد. به او خاطر نشان کردند که شیخ وصیت کرده است برادرش بر او نماز گزارد. شیخ احمد از رو نرفت و اصرار ورزید که نماز را او باید بخواند که نماینده «ولی امر مسلمین جهان» است. برای تبلیغ مرجعیت خامنه ای رفته بود و نمی توانست از خواندن نماز میت دل بکند. این بار، به او گفتند: آن مرحوم هرچه باید بکشد از دست رژیم شما کشید. حالا دیگر راحتش بگذارید. بر ضدش شعار دادند و کنارش زدند.

● و دانستی است که مسئول سی ان ان در بخش خاورمیانه، چون خبر درگذشت و تشییع جنازه شیخ فضل الله را با آب و تاب منتشر کرد و این کار باب طبع اسرائیل و لابیهای در آمریکا نبود، آن مسئول را از کار برکنار کردند. و نیز سفیر انگلستان در بیروت، در سایت خود، در باره شیخ فضل الله نوشته بود: هر وقت نژاد او می رفتیم، در بازگشت چیزی اضافه یافته بودم. وزارت خارجه انگلستان نیز این اظهار نظر را در سایت وزارت خارجه درج کرد. فشار اسرائیل سبب شد که وزارت خارجه انگلستان سفیر خود را سانسور کند.



عوامل بازسازی استبداد، بعد از انقلاب ۵۷ چه کسانی بودند؟ (۸)

شدن مسئولیت افراد و نیروهای سیاسی آن دوران در خشونت ایجاد شده بعد از انقلاب ۵۷ است. بر خلاف تصور برخی از فعالان سیاسی اوائل انقلاب بویژه پیروان خط امام آنچه در آن زمان رخ داده است، ربط مستقیم به جنبش آزادیخواهانه کنونی مردم ایران و آینده آن دارد، زیرا هیچ آینده ای بدون برخورد به گذشته متصور نیست، مردمی که گذشته خود را فراموش کنند الزاماً آنرا تکرار خواهند کرد. ممکن است برخی مدعی شوند گذشته متعلق به گذشته است؛ این خلاف تمام داده های تاریخی و سیر تکامل بشریت است. گذشته هیچگاه نمی گذرد. آیا ما حمله اسکندر مقدونی، اعراب عربستانی و چنگیزخان مغول و تقسیم ایران توسط روسیه و انگلیس را در دوران قاجار فراموش کرده ایم؟ مسلماً جواب منفی است. اگر ما از حمله اسکندر مقدونی به ایران بعد از گذشت بیش از دو هزار سال یا حمله اعراب به ایران بعد از هزار و چهارصد سال و کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد ۳۲ بر علیه دولت ملی مصدق نفرت داریم چرا نباید از غصب کشورمان توسط چند آخوند روزه خوان و آبادیشان بی تفاوت گذر کنیم و جنایات و خیانت های آنان را فراموش کنیم. و خود را بفریبیم بگوئیم گذشته، گذشته است؛ پس بر ما چه می گذرد؟! آیا میشود گذشته را پاک کرد؟ خیر. نه گذشته استبداد شاهی و نه گذشته استبداد مذهبی پاک شدنی نیستند. تحریف گذشته و عدم تجربه اندوزی از آن زمینه ساز تکرار تجربه و فاجعه است. باز خوانی تاریخ برای به صلابه کشیدن دیگران و یا نمک پاشیدن بر زخم ها نیست. نگارنده به این باور است که خوشبختانه هم اکنون بخشی از اصلاح طلبان حکومتی و افرادی که در اوائل انقلاب عصای دست خمینی بودند هنوز نه آنگونه که باید، ولی به گذشته خود انتقاد دارند و تلاش دارند خود را در صف مردم قرار دهند. عمل تاج زاده در برخورد به گذشته نمونه ای از این تلاشها می باشد. پس برخورد به گذشته فقط و فقط باید به جهت شناخت حقیقت و درس آموزی از تجربه باشد تا از تکرار فاجعه ممانعت بعمل آوری و تلغیر.

صداقت اصلاح طلبان و پای بندی آنان به حقوق مردم و آزادیهای ذاتی آنان، تنها زمانی حاصل خواهد شد که آنان وقوع جنایات دهه اول انقلاب و مسئولیت شان را در آن جنایات به رسمیت به شناسند و اطلاعات خود را از آن سالهای وحشت و ترور صادقانه و شفاف و نه از راه مصلحت اندیشی، در اختیار عموم قرار دهند.

اما دریغ که اصلاح طلبان چنان از دادگاه های انقلاب و به گیر و بندهای مخالفین توسط سپاه پاسداران و اعدام گسترده آنان سخن می گویند که گویی عامل اصلی خشونت های دهه حزب فقط حزب الله/ رهبر فقط روح الله، دیگران بوده اند و یا بقول آقای کنجی دوران انقلابی بوده است و انقلاب یعنی خشونت و در جو خشونت همه شرکت داشته اند. به معنای دیگر، سرکوبگر و سرکوب شده در یک ردیف قرار می گیرند و چه بسا به راحتی جایشان می تواند عوض شود.

علوی تبار که یکی از امینتی و اطلاعاتی های خشن اوائل انقلاب در شیراز و یکی از عاملین سرکوب دانشجویان در انقلاب فرهنگی شیراز است در زمینه خشونت اول انقلاب می گوید «گفتمان غالب در دهه ۶۰ مبتنی بر خشونت و اقتدارگرایی

بود، این نوع ضعفها در رفتار همه کسانی که در عرصه سیاست در آن دوران فعال بودند دیده می شد و لذا به نظرم باید نسبت به خشونت اعمال شده در آن زمان یک توبه ملی صورت گیرد. ... در اول انقلاب نه تنها حکومت اقتدارگرا بود بلکه اپوزیسیون موجود نیز اقتدارگرا و خشونت طلب بود و جنگ اول انقلاب را باید جنگ اقتدارگرایان و خشونت طلبان دانست» (۱).

این یعنی گرد و خاک کردن برای پوشاندن حقایق. بنا براین استدلال طلبکارانه، من دانشجو و یا دوستان دانشجوییم که از دانشگاه بدون دلیل اخراج شده ایم و از رفتن به دانشگاه محروم شده ایم و آقایان موسوی تبریزی و علی مشکینی که فرمایشات زیرا را فرموده اند در یک ردیف قرار می گیریم.

یکی از احکام جمهوری اسلامی این است که هر کس در برابر این نظام امام عادل (منظورش خمینی است) بایستد، کشتن او واجب است. و زخمی اش را باید زخمی تر کرد که کشته شود... این حکم اسلام است. چیزی نیست که تازه آورده باشیم. (۲)

آیا فراموش کرده ایم که می گفتند: هر کس در خیابان و در هر جای دیگر علیه حکومت اسلامی قیام کرد در همان جا باید حکم اعدام صادر شود. (۳)

حجاریان هم که از پایه گذاران دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم در دهه ۶۰ است، امروز صادقانه می گوید: اما نکن، نکن فایده نداشت، دولت هم قدرت مهار نداشت، یک مرتبه اسلحه کشید و همه را کشت. حتی کشت زخمی ها را تیر خلاص بزیند! ظهر سی خرداد بود، این را رادیو گفت، اسم شان را هم نپرسید که چه کسانی هستند. توجیه شرعی اش را هم پیدا کردند. (۴)

آقای مصطفی تاج زاده در مصاحبه خود با نادر فتوره چی می گوید " ببینید! انقلاب که شد چه اتفاقی افتاد؟ آیا امام اعلام کرد که هیچ نیرویی حق داشتن روزنامه و حزب ندارد؟ یا اینکه تمام گروهها آزاد بودند؟ اگر ما از روز اول آمده بودیم جلوی آنها را گرفته بودیم می توانستید بگوئید که ما قصاص قبل از جنایت کردیم. اما واقعیت آن است که تا ما چشم باز کردیم، دیدیم که پادگان ها در مهلباد غارت شده است. داعیه تجزیه طلبی در خوزستان و ترکمن صحرا به راه افتاده است و... تازه ۲ سال و نیم که گذشت در سال شصت اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی کل کشور صادر شد. محتوای آن چه بود؟ این بود که «هر گروهی که می خواهد فعالیت سیاسی کند حق داشتن اسلحه ندارد» و اگر می خواهد اسلحه را انتخاب کند، اسلحه، منطق اسلحه دارد. اما اگر منطق سیاسی است باید بیاید کار سیاسی کند. سال ۵۸ در مجلس چه کسانی رد شدند؟ جز اعضای حزب توده که نمی توانست به کتاب آسمانی قسم بخورد کس دیگری رد شد؟ حتی صلاحیت مسعود رجوی تأیید شد اما رای نیامورد. بعد از اشغال سفارت آمریکا هم باز صلاحیت آنها تأیید شد و حتی برخی از اعضای نهضت آزادی به مجلس رفتند و تا سال ۶۳ نیز در مجلس بودند. (این جملات همان شیر و شیردان را با هم یکی کردن است. لطفاً جمله بالا را با دقت دوباره بخوانید تا متوجه شوید که چگونه راست و دروغ را به هم می بافتند تا توجیهی برای جنایتکاری ساخته باشد). حتی می توان به نطق بازرگان درباره دور دوم انتخابات استناد کرد. او گفت که اعتراض ما آن است که نمی گذارند ما میتینگ برگزار کنیم یا پوسته های ما را پاره می کنند نه آنکه ما را رد صلاحیت می کنند. (....) یعنی ما یک فراز و نشیب طولانی داشته ایم که بخش زیادی از عملکرد نیروهای انقلاب تحت تأثیر اپوزیسیون بوده است. اپوزیسیون که خشونت را به انقلاب تحمیل کرد. بنابراین من این ادعا را می کنم که ما در همان سال های ۵۷ تا ۶۰ هم - که اوج درگیری ها بود - به نسبت تمام

نیروهای سیاسی که در کشور بودند، دموکرات تر بودیم (و دروغی دیگر!)، نه اینکه کار خطایی نکرده ایم یا در جاهایی خشونت نشان نداده ایم. با این حال منطق ما آن زمان هم منطقی گفت و گو بود و شما می توانید به مناظره های تلویزیونی آن سال ها رجوع کنید. البته همان زمان هم مجاهدین خلق می گفتند که در مناظره شرکت نخواهند کرد. یعنی از همان زمان به جای مناظره تلویزیونی و صندوق رای می خواستند در خیابان عرض اندام کنند. که جامعه به سمت خشونت برود و چون فکر می کردند که در فضای خشن متشکل هستند، می توانند پیروز شوند ولی در پای صندوق رای می دانستند که شکست می خورند. چون اکثریت مردم آنان را قبول نداشتند. (۵)

آقای تاج زاده جویری از آن دوران هولناک و وحشتناک اوائل انقلاب و دهه ۶۰ حرف می زند که بنظر می رسد اتفاقی نیفتاده است و کسی نه کشته و نه دستگیر شده است و ایران بسوی دموکراسی حرکت می کرده است و خمینی و یارانش دموکرات ترین نیروی سیاسی آن دوران بوده اند. پس با این حساب صدور اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی برای اعدام و کشتار مردم و مخالفین دیگر چه صیغه ای بود؟ او در مورد اطلاعیه ۱۰ ماده ای جویری حرف می زند که انگار این اطلاعیه هدیه ای برای باز کردن فضای سیاسی بود و نه مبنای قانونی برای اعمال وحشیانه ترین کشتارها و بستن فضای سیاسی و تعرض همه جانبه حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به دیگر نیروها جهت تشدید سرکوب و خفقان اما در پوشش مناسب و موقر بیانه ای برای کسب نام و تمام قدرت سیاسی. اطلاعیه ۱۰ ماده ای دادستانی را اصلاح طلبان امروزی و احمدی نژادهای صدر انقلاب طراحی کرده بودند. " در عین این که جناح موسوم به خط امام (اصلاح طلبان) طراح اعلامیه ۱۰ ماده ای دادستانی انقلاب در زمان شهید قدوسی در بهار ۱۳۶۰ بود" (۶). برای آشنائی با اطلاعیه ده ماده ای دادستانی به این سایت رجوع کنید (۷)

البته اخیراً آقای تاجزاده یک قدم امیدوارکننده انتقادی برداشته و در یادداشت تحلیلی خود « پدر، مادر، ما باز هم متهمیم» می نویسد " به عنوان مثال بعضی بازجو ها می کوشیدند با یادآوری مواردی از افراط کاری های دهه نخستین انقلاب، مرا و خط امامی های آن دوره و اصلاح طلبان کنونی را فاشیست معرفی کنند» (۸). و در جای دیگری می افزاید " توضیح دادم که همه ما در آن دوران خطاهای جدی داشتیم" (۹) آقای تاج زاده اعمال بکار گرفته شده و مجازات های بکار برده شده بر علیه دگراندیشان در دوران طلایی امام راحل، که حکم جنایت بر علیه بشریت را دارد و بازجویی شما بدرستی گفته است فاشیستی بوده اند قبول ندارید؟ شما و دیگر یاران خمینی را به سخنان هادی غفاری اصلاح طلب دو آتشه امروزی رجوع می دهم که در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۵۹ در میان چماقداران گفت " ما تا کنون فاشیست بازی در نیاموردیم ولی از این به بعد فاشیست بازی در می آوریم تصمیم ما بر این است تمام دفاتر و سازمانهای غیر خط امام را بگیریم " (۱۰)

کلیه اصلاح طلبان و هواداران آنها باید بدانند اقداماتی که پیروان خط امام در دهه اول انقلاب انجام داده اند خطا محسوب نمی شوند آنان اعمالی فاشیستی بودند که بر علیه جوانان و نوجوانان ایرانی بکار برده می شده اند. آیا از نظر شما اصلاح طلبان و رویزونیستهای اصلاح طلب، شکنجه کردن مخالفین تا نقص عضو کردن آنها و گذاشتن زنان در تابوتی در روزهای متوالی تا شخصیت آنان شکسته شود و حتی بعضی از آنها روانی شوند و اعدام کردن آنان و تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام توسط زندانبانان، جزء همان برخی از

خطاهائی محسوب میشود که آقای تاج زاده از آنان نام می برد یا این اعمال جنایت علیه بشریت اند؟ بزرگترین خیانت به حقوق انسانها و شرافت بشری و کرامت انسانی این است که جنایات جنایتکاران را بر علیه دیگر انسانها، به سطح خطا و یا مقابله به مثل و یا دفاع از خود نزول دهیم.

از خود نزول اطلاعیه ده ماده ای دادستانی، وزارت کشور در زمان مهدوی کنی، برای محدود کردن فعالیت گروهها، طرحی ریخت تا خفقان را کاملاً در جامعه مستولی سازد، این طرح از این قرار بود:

۱- طی اطلاعیه ای که از سوی دادستان انقلاب صادر می گردد به کلیه گروههای مسلح که علیه نظام جمهوری اسلامی اسلحه کشیده اند مهلت داده می شود که اسلحه های خود را به مراکز سپاه و کمیته تحویل دهند و متعهد گردند تا پس از این در چهارچوب قانون اساسی و قوانین جاری مملکت به فعالیت خود ادامه دهند.

۲- در صورت عدم تحویل سلاح، گروههای مسلح، غیرقانونی اعلام و با آنان شدت مقابله خواهد شد.

۳- قبل از اعلام پانزده روزه سپاه و کمیته تحت سرپرستی برادر نهرانی، معاون اطلاعاتی نخست وزیر، کلیه سران گروههای متخاصم مسلح بالفعل شناسایی و دستگیر شوند و مهلت در زندان خواهند داشت تا رسماً اعلام نمایند که دیگر دست به اسلحه نخواهند برد.

۴- قبل و بعد از اعلام دادستانی فعالیت تبلیغاتی وسیع تحت مسئولیت برادر زنگنه، معاون وزیر ارشاد جهت سه منظور به شرح ذیل انجام خواهد شد:

الف- فراهم شدن زمینه اجتماعی جهت برخورد با این سازمانها و گروهها،

ب- مشخص کردن گروههای متخاصم مسلح بالفعل،

ج- ممانعت از هر گونه برخورد گروههای مردمی با این سازمانها و گروهها در مدت ۱۵ روزه مهلت جلوگیری از برخورد حزب الله با گروههای مسلح و واگذاری آن به مسئولان،

۵- بلافاصله پس از اعلام دادستانی، موج وسیع حمایت دولت و کلیه نهادها و گروههای خط امامی از این حرکت (طی مصاحبه و اعلامیه و نماز جمعه و....) تحت مسئولیت آقای زنگنه معاون وزیر ارشاد،

۶- پس از سر آمدن مدت مهلت، با شدت تمام کلیه سران و کادرهای سازمان دستگیر و محاکمه و به اشد مجازات برسند و حتی کلیه سمپات ها که در حین فروش روزنامه، پخش اعلامیه و پلاکارت و یا هرگونه فعالیت به نفع این گروهها، دستگیر و در جهت ارشاد مجازات شوند.

۷- محاکمات اینها باید علنی باشد،

۸- طی اطلاعیه، وزارت کشور اعلام نماید به علت شرایط فعلی جامعه (مساله جنگ) هیچ حزب و گروهی اجازه تظاهرات و میتینگ ندارند.... (۱۱)

بخاطر اینکه مجازات انجام شده علیه مردم و معترضین را در دوران طلایی امام شناسیم نقل قولی از محمد محمدی گیلانی می آوریم تصمیم ما بر این معنی طبق موازین، محاکمه و مجازات شوند یعنی چه؟ محمد محمدی گیلانی در اظهار نظری رسمی و علنی که در جراید هم انتشار یافته بود گفت: "تجزیر باید پوست را ببرد و از گوشت عبور کند و استخوان را در هم بشکند" (۱۲)

و اشد مجازات در جمهوری اسلامی معنای جز کشتن به بدترین وجهی ندارد. نمونه اش زندان کهریزک می باشد.

افرادی که در آن زمان این طرح را پایه ریزی کرده بودند و در جلسه اول حضور داشتند عبارتند از: آیت الله محمد رضا مهدوی کنی (وزیر کشور و سرپرست کمیته های انقلاب اسلامی)،

باقری کنی (مسئول کمیته انقلاب اسلامی مرکز)، مرتضی رضایی (فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وقت)، عبدالکریم موسوی اردبیلی (دادستان کل کشور وقت و مرجع تقلید کنونی)، علی قدوسی (دادستان کل انقلاب اسلامی)، مصطفی میرسلیم (سرپرست شهربانی کل کشور)، بهزاد نبوی (وزیر مشاور محمد علی رجائی نخست وزیر تحمیلی در امور اجرایی)، محسن سازگارا (معاون سیاسی وزیر مشاور)، علی قوچ کائو (مسئول واحد احزاب و گروههای معاونت سیاسی) و نصرالله جهانگرد (مسئول بخش تحقیقات واحد احزاب و گروههای معاونت سیاسی). در جلسه دوم، افراد جدیدی از جمله اسدالله لاجوردی (دادستان انقلاب مرکز)، محمد کجویی (مسئول زندان اوین)، خسرو تهرانی (معاون اطلاعات و امنیت نخست وزیر)، صباح زنگنه (معاون وزیر ارشاد)، حسین غفاری (عضو شورای سرپرستی صدا و سیما) و صفر صالحی (فرمانده ستاد سپاه پاسداران) به جمع فوق اضافه می شوند. (۱۳)

خمینی و عوامل بازسازی استبداد، خود عامل اصلی دامن زدن به خشونت بوده اند. آنان دادگاههای انقلاب و سپاه پاسداران را تاسیس کردند تا خشونت را بر کشور حاکم کنند و اکنون بخاطر انحراف افکار عمومی و حق به جانب گرفتن و تبری جستن از اعمال جنایتکارانه و خانقانه خود با بهتان زدن و دروغ پراکنی، اعمال خود را چنین توجیه می کنند که گروههای مخالف، دست به مبارزه مسلحانه زدند و چون می خواستند حکومت جوان را سرنگون کنند، حکومت هم برای دفاع از خود مقابله به مثل کرد.

این افراد شاید اطلاع ندارند که هر حکومتی ضامن حقوق شهروندان خود است، مسئولیت و وظائف دولت مقابله به مثل با مخالفان خود نیست و دولت مجاز نیست حتی اگر مخالفینش تروریست باشند خود به اعمال تروریستی دست بزند. مردم انقلاب نکرده بودند تا فرزندان شان توسط خمینی و سر سپردگانش شکنجه و اعدام شوند. از نظر حقوقی، حکومتگران حافظ آزادی های شهروندان و مال و جان آنان می باشند حتی اگر آنان مخالف نظام حاکم باشند. مهم این نیست که خشونت را چه کسی شروع کرده است، مهم این است که حکومتگران نباید خود خشونت طلب و آتش افروز باشند و دست به اعمال تروریستی بزنند.

در باره خشونت های دهه وحشت و ترور خمینی، آقای علی مزروعی عضو هیات رهبری جبهه مشارکت در وبلاگ خود می نویسد: " ولی اگر قرار بر پاسخکویی دقیق باشد و واقعا بخوایم موضوع را از همه ابعاد و جوانب مورد ارزیابی و داوری قرار دهیم، باید دسترسی کامل به اطلاعات و مسائل مربوط به این مسئله داشته باشیم که بنده علیرغم تلاش و مطالعه در این باره هنوز نمی توانم پاسخکوی سؤال شما باشم چون همه اطلاعاتی که تاکنون در این زمینه منتشر شده، ناقص و جهت دار است. فراموش نکنیم که وقتی ما خشونت را محکوم می کنیم این محکومیت شامل حال همه خشونت گرایان می شود که از جمله بارز ترین آنها سازمان مجاهدین خلق است و همکاری آنها با دشمن تجاوزگر یعنی و حمله نظامی به ایران با حمایت صدام در سال ۶۷، وضعیت خاصی را بوجود آورد که در درون این وضعیت این واقعه اسفبار رخ داد. (۱۴)

این حرفها عوام فریبانه اند. بر فرض اینکه گروههای سیاسی همگی خشونت گرا بوده اند وظیفه دولت و حاکمیت آن نیست که به خشونت دامن بزند و خشونت ورزی را گسترش دهد. وظیفه دولتمردان گسترش آزادی ها و آگاهی رسانی به منظور خشونت زدائی است تا آرام آرام همسنگی ملی در جامعه فزونی یابد و بدنبال آن خشونت گران در

انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز و نوبل:

ابوالحسن بنی صدر

نشانی پستی و بانکی:

Enghelabe Eslami Zeitung
Postfach 11 11 18
60046 Frankfurt-Germany
IBAN: DE87500502010000123026
SWIFT-BIC: HELADEF1822
FRASPA - Germany
Konto No.: 12 30 26
BLZ: 500 502 01

Enghelabe Eslami

Fondateur et responsable:
Abolhassan Banisadr
5, Rue General Pershing
F - 78000 Versailles, FRANCE

ارتباط از طریق کامپیوتر:

1.5 EURO

eMail.: EEZ5760GOF@AOL.COM

http://www.enghelabe-eslami.com

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو و لطیف کنید و چک نرفتید، وجه اشتراک را نقد و پاست مغارشی یا به حساب بانک وایز فرمایند.

توجه! درج مقالات، الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی در هجرت نیست و تنها عنوان بحث آزاد تلقی و صرفاً بیانگر نظرات نویسندگان و منابع مندرج بوده، این نشریه در قبال آنها هیچگونه مسئولیت محتوایی و حقوقی را ندارد!
توجه! نویسندگان محترمی که مقاله ننویسند و یا بل ستم مقاله شان در نشریه چاپ شود، توجه فرمایند که چاپ مقالات آنها در صورتی خواهد بود که تا قبل از انتشار نشریه، در رسانه دیگری صورت الکترونیکی و غیر آن نشر نیافته باشد! با تشکر

Nr.754 19 Jul-1 Aug 2010

شماره ۷۵۴ از ۲۸ تیر تا ۱۰ مرداد ۱۳۸۹

عوامل بازسازی استبداد، بعد از انقلاب ۵۷ چه کسانی بودند؟ (۸)

جامعه منزوی شوند و دست از خشونت بردارند؛ مگر می شود تفکر را با تفنگ از بین برد؟ دولت باید از حقوق ذاتی و آزادی شهروندان خود حمایت کند. در صورتیکه با استدلال اصلاح طلبان چون حکومتگران صاحبان قدرت هستند آنان برای حفظ قدرت خود وظیفه دارند زور بکار برند و مخالفین خود را با اعمال خشونت آمیزی چون اعدام سر به نیست کنند و یا آنان را به بند کشیده و با شکنجه کردن مطیع امیال خود سازند. کاری که خمینی کرد و امروز خامنه ای در پیروی از روش و مکتب او انجام می دهد. به معنای دیگر همه دیکتاتورها حق دارند دیکتاتوری کنند و همه مستبدین باید مستبد باشند و تا ابد خونخواهی و خونریزی در دستور کار تمامی دولتمردان عالم باشد. واقعاً شرم آور است که جای قاتل با مقتول عوض شود و یا سرکوبگر و سرکوب شده همدریف هم قرار گیرند. در اینصورت نه صدام، نه پینوشه، نه محمد رضا پهلوی، نه هیتلر، نه استالین، نه خمینی، نه شارون، نه اسحاق شامیر، نه موسولینی، نه فرانکو و نه صدها جنایتکاری که در طول تاریخ بشریت تا به امروز شهروندان خود را بعنوان توطئه و خیانت و خشونت به دار آویخته اند و یا آنان را در حد مرگ سرکوب و شکنجه کرده اند گناهی و جرمی ندارند!

اینها که مدعی اند خشونت انجام شده در اوائل انقلاب از طرف مجاهدین خلق شروع شده است باید سند بیاورند که سازمان مجاهدین خلق کجا قبل از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ یک گلوله شلیک کرده است؟! اعضای این سازمان تا قبل از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ همچون دیگر سازمان های سیاسی همواره تحت پیگرد قانونی قرار گرفته بودند و بسیاری از هواداران شان در اوائل انقلاب در زندان بسر می بردند و شکنجه می شده اند. و علیرغم تمام سرکوبگریهای بیروان خط امام و خود امام، اکثر سازمانهای سیاسی از اعمال خمینی حمایت می کردند. اگر رجوع شود به همین سری از مقالات شماره ۳، ما شاهد حمایت همه جانبه نیروهای سیاسی از اقدامات خمینی و یارانشان از دادگاه های غیر انسانی و در بسته انقلاب خواهیم بود. و اکثر این گروهها علیرغم دارا بودن تفکرات قدرت پرستانه، تلاش می کردند آرامش جامعه را حفظ کنند. سازمان پیکار به هواداران خود و

دیگر نیروهای سیاسی توصیه می کند " طبیعی است که در این مبارزه باید آنچه اشکالی از مبارزه را در پیش گرفت که توده ها را از کشاندن به عرصه نبرد قطعی و وارد شدن به درگیریهای احتمالی... بر حذر دارد (۱۵) و یا " کشاندن توده ها به یک حرکت کور و درگیری زودرس و قهرآمیز با ارتجاع، با در نظر داشت تناسب قوای طبقاتی در این شرایط، مسلماً دست ارتجاع را در سرکوب انقلاب و در هم شکستن نیروهای انقلابی بازتر خواهد کرد" (۱۶). این نظر یکی از افراطی ترین نیروهای سیاسی ایرانی در آن دوران بوده است. حال برای آگاه شدن از دروغ پراکنی و بهتان زدن عوامل نظام ولایت فقیه به مخالفین خود، به نشریات دیگر گروهها رجوع می کنیم تا با نظرات آنان در آن دوران نسبت به خمینی و سپاه پاسداران آشنا شویم. برخی از آنان به خمینی پیشنهاد همکاری با سپاه پاسداران را اعلام می دارند و برخی دیگر مثل فدائیان اکثریت و حزب توده از دستگاه تا بن دندان مسلح خمینی حمایت می نمایند و از هیچگونه همکاری با کمیته ها و سپاه پاسداران روی گردانی نمی کنند. برای نمونه:

شركت در انتخابات قانون اساسی: در تاریخ ۱۷ مرداد ۵۸ جنبش برای آزادی - جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) - جنبش مسلمان مبارز - سازمان اسلامی ششورا (ساش) و سازمان مجاهدین خلق ایران، نامه سرگشاده ای انتشار می دهند. در قسمتی از این اطلاعیه می خوانیم: " حضرت آیت الله امام خمینی، گروههای امضاء کننده نامه حاضر در پاسخ به دعوت شما مبنی بر شرکت در انتخابات مجلس برای قانون اساسی، فعالان در انتخابات میزبورشركت کرده و به معرفی کاندیدا نیز اقدام نمودند ...

حضرت امام: استدعا داریم گمان نفرمائید که امضاء کنندگان نامه حاضر که به غایت درجه به سرنوشت و حیثیت انقلاب و مکتب و شخص خود شما عشق می ورزند از این مطالب خدای ناکرده قصد کار شکنی و تلافی جویی در برابر عدم انتخاب خود دارند. خیر ... (۱۷) مجاهدین در صفحه ۱۴۱ مجموعه مواضع - جلد دوم اطلاعیه دیگری در خصوص کسب آمادگی لازم در مسیر پیکار مشترک ضد امپریالیستی درج شده که در قسمتی از آن می خوانیم:

" به این ترتیب، ما امیدواریم تا به عنوان یک سازمان کوچک انقلابی تحت فرماندهی عالی امام خمینی در خطوط ضد استعماری از هرگونه مساعدت و همکاری برادران رزمنده ارتشی و پاسداران نیز، برخوردار باشیم. "

" همچنین، به منظور وحدت عمل و تمرکز فرماندهی، کلیه افراد خود را هر کجا که باشند موظف ساخته ایم، تا در مسیر پیکار مشترک ضد امپریالیستی بر حسب وظایف مکتبی خود که هرگونه خودبینی و تنگ نظری گروهی را محکوم کرده است، بی چون و چرا از

برادران پاسداران بر علیه امپریالیسم حمایت نموده و حرف شنوی داشته باشند. " (۱۸) فدائیان خلق (اکثریت) به رهبری فرخ نگهدار و جمشید طاهری پور در کار می نویسند " فدائیان خلق (اکثریت) استوارتر از همیشه تحت رهبری امام خمینی علیه آمریکای جنایت کار قاطعانه می رزمند، این مشت محکم ماست بر دهان مزدوران امپریالیسم. هواداران سازمان هم دوش و همراه با دیگر نیروهای مدافع انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران، باید تمام هوشیاری خود را به کار گیرند. حرکات شبکه مزدوران امپریالیسم آمریکا را دقیقاً زیر نظر بگیرند و هر اطلاعاتی از طرحها و نقشه های جنایت کارانه جریانات به دست آورند فوراً سپاه و سازمان را مطلع سازند. (۱۹)

ما ابتدا طی تماس تلفنی با مقامات شهر اعلام کردیم و گفتیم رفقای به خدمت رفته و از جبهه برگشته، آماده گرفتن اسلحه هستن. بگزارید در کنار برادران سپاه و بسیج مسلحانه عمل کنیم. از ما تشکر کردند. ما فعالان در سطوح گسترده حرکت داشتیم. در تمامی محلات و نقاط در گیری، رفقای ما و حزب، در سازماندهی کارها نقش مهمی داشتند. (۲۰)

آنسوتر، احزاب و سازمان های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در قبل از کودتای سال ۱۳۶۰ و بعد از آن در اوج سرکوب های حکومتی خطاب به افکار عمومی اعلام می دارند که اعضاء و فعالین آن ها پس از دستگیری از سوی دستگاههای اطلاعاتی نهاد های امنیتی، مورد شکنجه های وحشیانه قرار می گیرند. احزاب اپوزیسیون، اخبار و گزارشاتی مبنی بر اعمال شکنجه و اعدام اعضاء و هواداران خود را در زندان های جمهوری اسلامی منتشر می سازند، فشار افکار عمومی و پی گیری تپی چند از شخصیت های درون حکومتی و در رأس آنها بنی صدر رئیس جمهوری، خمینی را بر آن می دارد که هیاتی را مامور رسیدگی به وضع زندان ها سازند. محمد منتظری که عضو آن کمیته کذافی بود در تلوزیون ظاهر شد و گفت دلالتی بر وجود شکنجه نیافته اند!! بعد از کودتا نیز از آن جایی که هیچ نهاد مدنی مستقل و هیچ رسانه ای ناظر بر پیگیری موضوع نبود، دادستانی انقلاب با صدور اطلاعیه ای اساساً منکر اعمال هرگونه شکنجه ای در زندان های جمهوری اسلامی می شود.

سازمان فداییان اکثریت نیز با صدور اطلاعیه ای با استناد به گزارش هیئت اعزامی، خطاب به افکار عمومی ملت ایران اعلام داشت که " زندان های جمهوری اسلامی مبتنی بر شکنجه نیست" در ببحوجه این رویداد ها و در اوج سیاست شکوفایی جمهوری اسلامی، رهبری سازمان به باور حفظ و تثبیت دست آورد های انقلاب، خواستار تسلیح سپاه پاسداران به سلاح سنگین می شود. (۲۱)

حزب توده در نامه مردم شماره ۱۱ صفحه ۶ بتاريخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ در دفاع خود از سپاه پاسداران و

دادگاههای انقلاب می نویسد " دادگاه های انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب از مهم ترین وسیله های سرکوب ضد انقلاب اند". این حزب در دفاع از جمهوری اسلامی به رهبری خمینی در نامه مردم شماره ۵۰۱ مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰ در صفحه ۸ می نویسد " حزب توده نیازی به تکرار و اثبات طرفداری همواره و بی تزلزل و حمایت صمیمانه خود از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی نمی یابد و ما این اعتقاد را نه در حرف بلکه با خون و ایثار جان..... نشان داده ایم. " البته حزب توده فراموش کرده است لو دادن مخالفین و معترضین به دستگاه های امنیتی و سپاه پاسداران و همچنین همکاری خود را با سرکوبگران مردم ایران ذکر کند ولی آقای رفسنجانی در کتاب عبور از بحران می نویسد: آقایان کیانوری و عموی از رهبران حزب توده آمدند و اطلاعاتی آوردند، معمولاً با دادن اطلاعات با مسئولان رابطه برقرار می کنند (۲۲). و یا در روزی دیگر می نویسد: کیانوری و عموی از حزب توده آمدند. گزارشی از فعالیت ضد انقلابی یک گروهگ کمونیستی به نام اتحادیه کمونیست ها دادند. (۲۳)

حال علیرغم دفاع بزرگترین سازمانها و نیروهای سیاسی آن دوران از دو ستون پایه استبدادی یعنی دادگاههای انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خمینی و یارانش جهت استحکام قدرت سیاسی خود چنان وحشی بر جامعه حاکم کردند که حتی سازمان فدائیان اکثریت به رهبری فرخ نگهدار و حزب توده به رهبری کیانوری علیرغم اینکه صدها بار خوش رقصی و سرسپردگی خود را به رژیم جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه به رهبری خمینی اعلام کرده بودند از سرکوب و شکنجه و کشته شدن در امان نماندند. بطوری که:

علی خاوری و بخش خارج از کشور حزب توده در تاریخ ۲۷ بهمن ۶۱ با صدور اطلاعیه ای روی این نکته تکیه کردند که: « بنا به اصرار و تأکید مقامات رسمی وزارت کشور، فهرست کامل اعضای رهبری، مشخصات و آدرس کامل آنان را به وزارتخانه دادیم و بسیار متأسفیم که این مشخصات در بازداشت رهبران ما مورد استفاده قرار گرفته...»

چنین بود تشکیل دو ستون پایه از ستون پایه های استبداد و بازسازی استبداد و حمایت بخش وسیعی از تحصیل کرده ها و نیروهای سیاسی از آنان و چنین است قصه پر غصه تکرار تاریخ در ایران من. تا وقتی دیگر به سومین ستون پایه استبداد یعنی شورای انقلاب فرهنگی خواهیم پرداخت.

سرافراز و پیروز باشید

Fa_rastgou@yahoo.com

۱ = سایت امروز یکشنبه ۲۵ آبان ۱۳۸۲
علیرضا علوی تبار
۲ = سید حسین موسوی تبریزی کیهان ۲۹ شهریور ۱۳۶۰
۳ = علی مشکینی، رئیس مجلس خبرگان رهبری کیهان ۷ بهمن ۱۳۶۰
۴ = مقاله مسئولیت شما چه می شود آقای سازگارا؟! ایرج مصداقی، برگرفته از مصاحبه جباریان با نشریه چشم انداز شماره ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۴،
۵ = روشنفکران دینی و سالهای کشتار اول انقلاب، رضا معینی
۶ =

http://norooznews.info/news/17=839.php

۷ = http://www.vatanemrooz.ir/1388/12/3/VatanEmrooz/364/Page/10/Index.htm

۸ = http://norooznews.info/news/17=839.php

۹ = همانجا

۱۰ = روزنامه جمهوری اسلامی اول مرداد ۱۳۵۹

۱۱ = نشریه پیکار ۱۰۷ به نقل از نشریه کار سازمان چریک های فدائی اقلیت، صورت جلسه کلی جلسه هماهنگی مقابله با احزاب و گروههای ضد انقلاب
۱۲ = مقاله مسئولیت شما چه میشود آقای سازگارا؟! ایرج مصداقی برگرفته از کیهان ۲۸ شهریور ۱۳۶۰

۱۳ = همانجا

۱۴ = وبلاگ متولد مهر یادداشت های علی مزروعی

۱۵ = نشریه پیکار ارگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر شماره ۱۱۰ صفحه ۲۶

۱۶ = همانجا

۱۷ = سایت ذره بین بررسی مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۸ = همانجا

۱۹ = کار اکثریت شماره ۱۱۶ دهم تیر ۱۳۶۰

۲۰ = کار اکثریت شماره ۱۴۷ بهمن ۱۳۶۰

۲۱ = سایت عصر جدید، در خانه شیشه ای بنشینیم و مسئولانه سخن به کشف حقیقت بگوئیم، دانش باقر پور

۲۲ = عبور از بحران، خاطرات رفسنجانی چاپ نهم ص ۷۳

۲۳ = همانجا صفحه ۱۹۰